

ردیابی تاکتیک امپریالیسم

امپریالیسم و ارتجاعی ترین نیروها
به تروریسم روی می آورند

در کار شماره ۱۲۰ بعد از جمع بندی تجارب
پرخورد با تاکتیک امپریالیسم برای کار آوردن
" دولت میانه رو " نشان دادیم که امپریالیسم
جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا بعد از ضربات کاری
و جانانه اخیر فعلا دیگر قادر نیست از طریق
"بالاکشیدن" احزاب و محافل بورژوازی در حکومت، یک
دولت "میانه رو و عاقل" را روی کار آورد. دولتی که از
نظر ایشان " قادر است " وضع را به حال عادی
بازگرداند.
اکنون هوشیارانه و با چشمان باز یکایک حرکات
امکانات و آرزوهای امپریالیسم امریکا را دقیقا زیر
نظر بگیریم تا قادر باشیم هر دسیسه و جنایتی را
که علیه خلق ما و انقلاب ما بکار می گیرد با شکستی
مفتضحانه تر مواجه سازیم.

در صفحه ۲

وظیفه دولت جدید:

پاسخگویی به نیازهای اساسی
کوخ نشینان

● امروز " خرابی مملکت " انقلابی و
تخریب انقلاب در آن است که نیاز مبرم
انقلاب یعنی ایجاد دگرگونی های بنیادی به
سود زحمتکشان همچنان بی پاسخ بماند.

در صفحه ۴

حکومت جمهوری اسلامی در قبال
هواداران گروه های منحرف
باید سیاست ارشادی در پیش گیرد

● بدون تردید در برابر جنایات جبهه براندازی بسرکردگی امریکا ، انقلاب مجاز است
که با قاطعیت و بدون تزلزل از خود دفاع کند . این دفاع ابعاد اقتصادی سیاسی و
اجتماعی دارد . مبارزه بدون تزلزل با پایگاه های اجتماعی جبهه براندازی بسرکردگی
امریکا یعنی سرمایه داری بزرگ ، زمینداری بزرگ و فتودالیسم دفاع از انقلاب است .
● ولی اشتباه است هرگاه بر پایه این منطق غیر قابل تردید انقلاب ، بر تمامی احکام
اعدامی که امروز در میهن ما به نام دفاع از انقلاب صادر می شود مهر تایید بگوییم .
● سرکوب بی امان همه تلاش هایی که علیه انقلاب و مصالح توده های میلیونی اقدام
می کنند و درصدد بساط غارتگری امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و ارتجاع
داخلی را قوام و دوام بخشند ، سرکوب بدون ملاحظات جریان های سیاسی که گمراه
شکست انقلاب خونبار مردم ایران بسته اند و علیه آن مسلحانه دست به جنایت می زنند
از ارگان دفاع از انقلاب است .

در صفحه ۵

متجاوز خواهان جنگ است ،
مادر راه صلح عادلانه
پیکار می کنیم

● راه اصلی دفع تجاوز و استقرار صلح عادلانه ، پیکار مقاومت در جبهه های جنوب و غرب
میهن است ، لیکن استقبال از مذاکرات صلح و استقبال از هیئت میانجی کشورهای غیر
متعهد قطعا می تواند در استقرار صلح و افشای تجاوزگر موثر باشد .

در صفحه ۱۳

برای اجرا کردن
بند (ج) و (د)
دیگر عذری نیست

● تصویب و اجرای بند "ج" و "د" دفاع از
انقلاب در برابر جبهه براندازی بسرکردگی
امریکا است .

در صفحه ۸

تأخیر در بازگشائی
دانشگاه ها تا آخر
دربازسازی کشور است

در صفحه ۱۶

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

ردیابی تاکتیک امپریالیسم

امپریالیسم و ارتجاعی ترین نیروها به تروریسم روی می آورند

امپریالیسم

باهر شکستی هارتر می شود

آنچه که از بررسی شکست های دو سال و نیمه اخیر امپریالیسم آمریکا در ایران بدست می آید و آنچه که تجربه تمام جنبش های رهایی بخش خلق های سایر کشورها نشان می دهد ، آن است که امپریالیسم آمریکا از پی هر شکست با درنده خویی بیشتر و از موضعی که خصلت تجاوزکارانه آن آشکارتر است برای بازپس گرفتن آنچه که از دست داده است بر وحشیگری ضدبشری خود افزوده است . این شکست ها امپریالیسم را به عقب نشینی بازهم بیشتر وامیدارد و در عین حال امپریالیسم بنابه خوی و خصلت خود با هر شکستی هارتر و درنده تر به میدان می آید. تشدید درنده خویی امپریالیسم ، به گواه پیروزی های مستمری که خلقها همه ساله در پیکار علیه امپریالیسم بدست می آورند به هیچ وجه به معنای " تقویت " مواضع امپریالیسم نیست .

امپریالیسم همیشه در مقابل هر ضربه جانانه ای که از اردوی انقلاب جهانی ، از سیستم جهانی سوسیالیستی ، جنبش انقلابی کارگری کشورهای سرمایه داری و جنبش های رهایی بخش خلقها دریافت داشته است به حربه همیشگی و شناخته شده خود که دامن زدن به تشنجات بین المللی ، تشدید مسابقه تسلیحاتی و تشدید مداخلات خود در کشورهای رها شده است ، دست یازیده است .

این قانونمندی سیستم جهانی امپریالیستی است که تضعیف مواضع امپریالیسم خوی تجاوزکارانه او را تشدید می کند و هارتر شدن امپریالیسم نشانه بارزی است از ضعف آن . برای امپریالیسم دم به دم دشوارتر و خطرناک تر می شود که برای متوقف کردن روند تحول اوضاع جهان (که به زیان منافع امپریالیسم هر روز شتاب بیشتری می گیرد) به افروختن جنگ جهانی متوسل شود ، با این همه امپریالیسم همواره می کوشد و خواهد کوشید سیاست " از موضع قدرت " را به کار بندد . این حقیقت که امکانات واقعی امپریالیسم برای پیشبرد این سیاست هر روز محدودتر می شود به هیچ وجه مانع از آن نیست که امپریالیسم از تلاش های دیوانه وار خود برای بازگشت دادن اوضاع به حال سابق منصرف شود . امپریالیسم این تلاشها را شدت بیشتری خواهد بخشید .

موجب اصلی تشدید سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا که با روی کار آمدن دولت ریگان کاملاً چهره آشکاری بخود گرفته همانا شکست های فاحشی است که تنها در دهه هفتاد از جانب خلق های جهان و از جمله خلق های کشورهای ویتنام ، کامبوج ، لائوس ، آنگولا ، موزامبیک ، اتیوپی ، یمن دمکراتیک ، افغانستان نیکاراگوئه و بالاخره انقلاب ایران دریافت داشته است . وخامت هرچه بیشتر بحران عمومی جهان سرمایه داری نیز نیاز امپریالیسم را به تشدید سیاست تجاوزکارانه و ماجراجویانه به نحو چشمگیری افزایش داده است .

" امپریالیسم از طریق بلوک های نظامی - سیاسی ، پایگاه های نظامی در کشورهای خارجی فشار اقتصادی و موانع بازرگانی ، تشنج را در برخی مناطق جهان حفظ می کند . امپریالیسم سازمانهای ارتجاعی را از نظر مالی و سیاسی پشتیبانی می کند و ستم سیاسی را تشدید می سازد امپریالیسم به مداخله نظامی ، سرکوب وحشیانه به ویژه در کشورهایی که مبارزه حادترین اشکال را پیدا می کند و نیروهای انقلابی سلاح بر دست می رزمند ، به توطئه های ضدانقلابی ، به کودتاهای ارتجاعی ، فاشیستی و به تحریکات و باجگیری دست می زند "

(از اعلامیه کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری ۱۹۶۹)
تجربه عیان و عینی خلق ما در طول انقلاب به درستی تمام آنچه را که در فوق آمد تایید می کرده و می کند . مروری بر دو سال و نیم سیاست امپریالیسم آمریکا در برخورد با انقلاب ایران همه آنچه را که در سند فوق جمع بندی شده است تایید می کند .

سیلی کاملاً گنج کننده ای که انقلاب ایران به صورت امپریالیسم نواخته است ، به نحو قابل ملاحظه ای تناسب قوا میان نیروهای ارتجاع و نیروهای ترقی را در منطقه خاورمیانه برهم زده است . هرگاه لحظه ای روی این حقیقت که این انقلاب می کوشد چه لقمه لذیذی را از چنگال امپریالیسم خارج سازد درنگ کنیم بیشتر مطمئن خواهیم شد که ساده دلی بسیار است هرگاه تصور کنیم که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا به سادگی از ریختن زهر و خالی کردن کین خود نسبت به انقلاب ما دریغ می ورزد .

گسترش تروریسم : بازتاب تغییر

تناسب قوا به سود انقلاب

هدف استراتژیک امپریالیسم آمریکا در رویارویی با انقلاب ایران شکست کامل آن و سپردن ایران به دست قدرتی است سرسپرده و وابسته به امپریالیسم . این دولت مثل دولت شاه لزوماً دولت کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران خواهد بود . تمام ترندها ، توطئه ها و تهاجمات امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب مامتوجه تحقق این هدف استراتژیک است . ترندها ، توطئه ها و تهاجماتی که تا امروز به نیروی خلق قهرمانان پکی پس از دیگری درهم شکسته شده اند . اما همانگونه که گفتیم هیچ یک از این شکست ها امپریالیسم را از طرح نقشه های جنایتکارانه تر علیه انقلاب ایران منصرف نمی سازد .

امپریالیسم برای تحقق هدف استراتژیک خود از ممکن ترین راه های ممکن آغاز می کند . امپریالیسم در عین حال هم خود را برای سه کارگیری سایر راهها آماده می کند هم روی تحولات بعدی حساب باز می کند . امپریالیسم آمریکا بعد از قطع امید از شاه کوشید سنگ بختیار را حفظ و عقب نشینی را در همان جا متوقف و تعرض مجدد خود را از همان جا آغاز کند . اما انقلاب نه تنها این تاکتیک را با نیرومندی تمام درهم شکست ، بلکه تا امروز با به زیر کشیدن بازرگان و بنی صدر نیز گام های بلندی به پیش برداشته است .

اکنون پس از بنی صدر امپریالیسم اجباراً نقشه های جدیدی برای پیشبرد هدف اصلی خود طراحی کرده است . چرا و چگونه امپریالیسم این نقشه ها را انتخاب و به اجرا درمی آورد ؟ آنچه در پاسخ به این سؤال باید در مرکز توجه قرار گیرد . همانا مساله تناسب قواست . قبل از هر چیز باید دید که تحولات ماههای اخیر چگونه چرا وضع را به سود انقلاب دگرگون ساخته است . اولین و مهمترین ضربه ای که امپریالیسم در

ماههای اخیر دریافت کرده است همانا تحدید چشمگیر مواضع بورژوازی در حکومت جمهوری اسلامی است . سنگر ریاست جمهوری ، فرماندهی کل قوا ، نفوذ موثر در سایر ارگانهای حکومتی ، چنانکه دیدیم مناسب ترین و نیرومندترین سنگری بود که تمام طیف نیروهای بورژوازی ایران را متشکل و امیدوار می ساخت که بتوانند هم از این طریق بازهم بیشتر به درون بخزند و تمام حکومت را تسخیر کنند . این سنگر که مشخصاً مهمترین نقطه امید تمام نیروهای ارتجاع داخلی و جهانی برای غلبه دادن خط سازش در حکومت بود ، اکنون بازپس گرفته شده است . و بر اینها باید افزود از دست دادن نفوذ در رسانه های گروهی و مطبوعات را ، تعطیل روزنامه بنی صدر (و ایضا میزان) را که وظیفه آن به انحراف کشیدن افکار مردم به سود خط سازش بود ، تعطیل " دفتر هماهنگی " عملیات ضدانقلابی و منہزم شدن گردانندگان آن و (ایضا جبهه ملی) . روند تشکل سیاسی نیروهای بورژوازی که انقلاب ضرباتی به آن وارد ساخته بود و در ماههای اخیر از نو دوباره روبه انسجام نهاده بود ، با ضربات تازه ای که دریافت کرد مجدداً دچار وقفه و اختلال گردید .

دومین ضربه موثری که طی ماههای اخیر امپریالیسم از انقلاب دریافت کرده است رشد قابل ملاحظه و موثر سطح آگاهی توده های وسیع زحمتکشان نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب است . صف نیروهای انقلاب و ضدانقلاب هر آن در ذهن توده ها روشن تر ترسیم می شود . این پیرویه علیرغم تمام کارشکنی های بسیار تحریک آمیزی که از جانب محافل قشری و انحصارطلب صورت می گیرد ، به سود گسترش تفاهم میان نیروهای مدافع انقلاب و بسط همکاری های عملی در بسیاری زمینه ها محسوساً جریان دارد . صف مردم در روندی نه چندان پر شتاب به هم فشرده تر می شود .

سقوط بنی صدر و پی آمدهای آن به مثابه یک نمونه بسیار روشن به ما آموخت که توده ها بسیار پیشرفته اند . آنها در عمل نشان دادند که از آنچه ضدانقلاب و سازشکاران ادعا می کردند بسیار هوشیارترند . در انتخابات اخیر هر یک رای مردم یک " شعار مرگ بر آمریکا " بود که با آگاهی به مضمون آن به صندوق ها ریخته می شد حال آنکه در انتخابات گذشته مردم هنوز بر این قصد نبودند که حتماً به این شعار و فقط همین شعار رای دهند .

گسترش مبارزه ضد امپریالیستی به رودر روی آشکار با نیروهای اجتماعی سازشکار و ضد انقلاب گسترش می یابد این گسترش ، نیروهای انقلاب را توانمندتر می سازد . سازمان یافتگی نسبی و تشکل های توده ای که از روزهای قیام به بعد به صور گوناگون متدرجاً در حال رشد بوده است نیز در گسترش نیروی مقاومت مردم جای کاملاً ویژه ای دارد .

سومین ضربه ای که بر مواضع امپریالیسم وارد شد تخفیف قابل ملاحظه تضادهای درون سیستم حکومتی و تقویت نسبی انسجام سیستم حکومتی است . بعد از سقوط بنی صدر تمام دستگاه بوروکراسی و ارتش می رود که هرچه بیشتر به تسخیر نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی درآید . از میان رفتن این شکاف و غلبه یک دید و سیاستی که هنوز می تواند همگونی نسبی خود را حفظ نماید توان حکومت جمهوری اسلامی را بسی افزایش داده است . این امر بویژه در ارتش و در صحنه های جنگ علیه تجاوز صدام و سپس در کارکرد بدنه ادارات و موسسات دولتی که رو به نظم می رود قابل مشاهده است . این کاملاً قابل تأکید است که تاراندن لیبرالها و تصفیه راس هرم حکومتی از نیروهای مخالف خط امام دست

بقیه از صفحه ۲

امپریالیسم و ارتجاعی ترین نیروها به تروریسم...

حکومت را در تحقق بخشیدن به اهدافی که انقلاب بر عهده دولت نهاده است باز کرده است بر اینها باید افزود رشد نسبی تجربه حکومت در اداره کشور، رشد نسبی شناخت مسئولین حکومتی از مصالح واقعی جمهوری اسلامی، تکامل شیوه‌های سازماندهی و اداره ارگان‌های انقلابی و استقرار سازمان یافته‌تر و متکامل‌تر آنان. رشد نسبی جوانه‌های واقع بینی و برخورد اصولی با دشواری‌ها و مشکلات واقعی انقلاب.

در برابر این پارامترها، یعنی رشد انسجام سیستم حکومتی، رشد آگاهی و شناخت توده‌ها نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب و از همه مهمتر به زیر کشیدن بنی صدر و ایجاد اختلال و وقفه در گردآوردن تمام نیروی بورژوازی زیر یک پرچم نسبت به ماههای قبل تناسب قوا را به زیان امپریالیسم و به سود جنبه نیروهای خلق برهم زده است. تنها موفقیت قابل توجهی که امپریالیسم بدست آورده است در غلظانیدن و به خدمت گرفتن کامل سازمان مجاهدین خلق ایران است که مشخصا در ماههای اخیر از یک نیروی بینابینی که هنوز خود را بطور کامل در برابر انقلاب قرار نمی‌داد به نیرویی بدل شده است که کاملا در موضع ضدانقلابی قرار گرفته است.

امپریالیسم کدام نقشه را اجرا می‌کند؟

نکته مهم در این میان آن است که امپریالیسم در شرایط فعلی قادر نیست تمام این ضربات را خیزان کند. امپریالیسم فعلا نه می‌تواند از طریق توطئه‌ها، زدوبندها و مانورهای سیاسی طرفداران خود را در حکومت غلبه دهد و نه قادر است مردم را امروز از صحنه خارج کند و بر بستر تضادهای درون حکومت راه خود را به سوی آن بگشاید. امپریالیسم تمام راههای سیاسی برای برانداختن جمهوری اسلامی و روی کار آوردن دولتی وابسته را آزموده است. امپریالیسم در تمام آزمون‌های خود شکست خورده است تناسب قوای تازه‌ای که پس از این کشاکشها شکل گرفته امپریالیسم را هارتر ساخته و او را به سوی روشها و سیاست‌های خشن‌تر و خطرناک‌تری سوق داده است (لاکن این حرف به هیچوجه بدان معنا نیست که امپریالیسم دیگر آزموده را نمی‌آزماید) باید هوشیارتر از قبل بازهم پیگیرانه امپریالیسم را در چهره حق به جانیش افشاء کرد و توطئه‌های آن را درهم شکست. راهپاوه رهنمودهایی که انقلاب در این مورد باید بکار گیرد اکنون بر اثر تجارب گذشته به میزان زیادی شناخته شده است باید همه نیروهای مدافع انقلاب را به سوی کاربست هوشیارانه این تجارب فراخواند (امپریالیسم اکنون وسیعاً تاکتیکها و روشهایی روی آورده است که هدف آن براندازی قهرآمیز انقلاب و جمهوری اسلامی است. امپریالیسم به علت سبلی‌هایی که اخیراً خورده است در این مرحله بطور عمدت توجه خود را روی براندازی متمرکز خواهد کرد و در کاربست این نقشه بطور عمدت شکل قهرآمیز مقابله با

پیروزی‌های انقلاب و مردم را بکار می‌گیرد. امپریالیسم آمریکا در پیشبرد و اجرای نقشه جدیدش بطور همزمان دو راه حل را تعقیب می‌کند. امپریالیسم از یک سو به شیوه‌های لحام گسیخته و دیوانه‌وار خود را برای تعرض مسلحانه علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان و دیگر جنبش‌های رهائی بخش ملی آماده می‌کند و از سوی دیگر تمام نیروی خود را بکار گرفته است تا جنبه متحد ضدانقلاب را برای بکارگیری تاکتیک‌های مسلحانه علیه انقلاب هرچه بیشتر متحد و متشکل کند و سازمان دهد. اینکه امپریالیسم آمریکا، به ویژه بعد از روی کار آمدن ریگان هر روز بیشتر شتاب‌تر از روز قبل بر حضور نظامی خود در اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس و دریای عمان می‌افزاید، اینکه تعداد نیروهای واکنش سریع آمریکا از ۱۰۰ هزار نفر اولیه ابتدا به ۲۰۰ هزار و اکنون به ۳۲۰ هزار و در آینده نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر می‌رسد، اینکه سیل اسلحه و مستشار نظامی آمریکایی به پاکستان سرازیر شده است، اینکه دسته‌بندی مصر، عربستان، پاکستان، عمان و آمریکا در جنگ اعلان شده علیه انقلاب افغانستان توسط منابع غربی رسماً مورد تایید قرار می‌گیرد اینکه رژیم سادات و ابن سعود در فاصله دو سه ماهه اخیر وسعاً به باری رژیم صدام شتافته و فراهم آوردن سلاح و مهمات مورد نیاز رژیم صدام را برعهده گرفته‌اند، همه و همه نشانه‌هایی است از توطئه‌های بسیار جدی و بسیار خطرناکی که مجموعه امپریالیسم جهانی بسط کردگی آمریکا و بویژه رژیم‌های آمریکایی منطقه علیه انقلاب ایران تدارک می‌بینند. در این حقیقت ذره‌ای هم نمی‌توان تردید داشت که نه وجود و نقش فعال اتحاد جماهیر شوروی در همسایگی ما و نه درس‌هایی که اخیراً خلق ما و دیگر خلقها در پاسخ به مداخله مسلحانه به مزدوران امپریالیسم داده‌اند و می‌دهند، هیچ‌کدام موجب آن نیست و نمی‌تواند باشد که امپریالیسم آمریکا با تمام نیرو به تدارک تهاجم آشکار نظامی به ایران و حتی دست‌زدن به دیوانگی و گسیل مستقیم نیروها به ایران غافل ماند. اما در عین حال امپریالیسم آمریکا نقشه دیگری را به موازات این تدارکات و مشخصاً برای هموار کردن راه مداخله مستقیم در ایران دنبال می‌کند. امپریالیسم آمریکا تمام قدرت تبلیغاتی خود را بکار گرفته است تا اینطور وانمود کند که: در ایران "هرکه هرکه" است، دولتی در کار نیست، "خطر شوزوی" جدی شده و "مستبدین منمایل به شرق" دارند همه چیز را بر باد می‌دهند.

ریگان درست همان شیئی که به کاخ سفید قدم می‌گذاشت در راس تمام مسائلی که امپریالیسم آمریکا با آن مواجه است "مساله ایران" را قرار داد و گفت:

"قبل از هر چیز باید مشخص شود که آیا اصولاً در ایران دولتی وجود دارد یا نه؟ من شخصاً به این موضوع شک دارم... من شک دارم که هنوز هم آیت‌اله خمینی به عنوان رئیس حکومت تلقی شود..."

در این گفتار ریگان تقریباً تمام خواب‌هایی که امپریالیسم آمریکا برای انقلاب ایران دیده است بازتاب یافته است. از آن زمان تا امروز امپریالیسم آمریکا، محافل صهیونیستی و تمام مرتجعین جهان دست به هم داده‌اند که از یک سو

تسلط جمهوری اسلامی بر اوضاع کشور و مشروعیت قانونی آن را به زیر علامت سؤال برند و مورد "شک" قرار دهند و از سوی دیگر با علم کردن حربه حد افراط استعمال شده و قدیمی "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" هم جلوی تکامل و تعمیق انقلاب ایران را بگیرند و از این طریق راه شکست آن را هموار سازند و هم کاری کنند که مردم ما خطر بسیار جدی و بسیار نگران کننده‌ای که از جانب امپریالیسم آمریکا و عمال آن، انقلاب ایران را تهدید می‌کند به فراموشی بسپارند، و از این طریق راه را برای مداخله مسلحانه آمریکا در ایران به پشتیبانی از ضدانقلاب داخلی و روی کار آوردن آن (تسخیر تمام ایران) و یا در صورت عدم موفقیت کامل، راه را برای تجزیه ایران و استقرار ضدانقلاب در مناطق استراتژیک و بسیار "حیاتی" جنوب ایران هموار گردانند.

نکته اساسی که در این تحلیل باید صورتها در مرکز توجه قرار گیرد آن است که چنانکه مشاهده می‌کنیم نیاز اصلی امپریالیسم در امروز آن است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به زیر علامت سؤال رود. بی‌ثباتی حاکم شود. دولت از تامین امنیت عمومی عاجز ماند و نیروهای مسلح و سازمان یافته ضد - انقلاب با راهزنی مسلحانه، با دست زدن به ترورهای قساوت‌کارانه، با بمب‌گذاری، آتش‌سوزی و سایر عملیات تخریبی در اینجا و آنجا قدرت‌نمایی کنند. این کار برای تامین شرایط مساعد برای ارسال کمک‌های امپریالیسم برای آنها، چه به صورت محموله‌های سلاح‌های سبک و سنگین و مهمات، و چه به صورت اعزام دسته‌های خرابکار و تروریست و مستشاران و کارشناسان عملیات تخریبی و تروریستی، بسیار ضروری است (این اقدامات فقط به مثابه جزئی از نقشه امپریالیسم آمریکا برای "صدور ضد انقلاب" به ایران و انتقال ستاد عملیات آنان از خارج تلقی می‌شود در کنار این اقدامات

امپریالیسم آمریکا باید از شدیدترین فشارهای اقتصادی به صورت رهبری دسته‌بندی و توطئه کارتل‌های نفتی علیه ایران برای عدم خرید و یا کاهش شدید میزان خرید نفت از ایران یاد کرد. بر اینها باید شدیدترین فشارهای سیاسی و دیپلماتیک و به راه انداختن عظیم ترین کارزار تبلیغاتی علیه انقلاب ایران را بیفزاییم.) هم‌اکنون برای رهبری و هماهنگی و انجام عملیات تروریستی در کاح وزارت خارجه آمریکا و پنتاگون وزارت دفاع آمریکا در واشنگتن دوایر معینی تشکیل شده‌اند. ماموران (C.I.A) تحت پوشش شرکت به ظاهر تجارتی "کریستوفر آسوشیتس" که در چند قدمی وزارت دفاع قرار دارد این عملیات را هماهنگ می‌کنند و در مورد چگونگی ارسال "کمک" برای نیروهایی که اجرای این نقشه را در ایران بر عهده گرفته‌اند تصمیمات لازم را اتخاذ می‌نمایند در ماه گذشته کاخ سفید سرلشکر بازنشسته و معاون سابق رئیس سازمان سیا "ژنرال والترس" را مجدداً به خدمت فراخواند و او را که از پسر سابقه‌ترین جاسوسان و تروریست‌های حرفه‌ای آمریکایی است، و سالها در ایران فعالیت داشته و بویژه نقش موثری در کودتای ۲۸ مرداد ایفا کرده است به سمت "فرستاه ویژه" برای کمک به

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

وظیفه دولت جدید :

پاسخگویی به نیازهای اساسی

کوخ نشینان

بامعرفی اعضای کابینه با هنر به مجلس شورای اسلامی روند تغییر و تحولات جدیدی که از مدت‌ها پیش در ساخت ارگان‌های رهبری کننده جمهوری اسلامی آغاز شده بود در این دور پایان می‌یابد. خط سازش توسط توده‌های محروم مردم و با رهبری قاطع امام شکست خورد. رئیس جمهور و کابینه‌ای انتخاب شدند که جملگی در طیف خط امام قرار دارند.

تا چند ماه قبل از عزل بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری و حتی تا هفته‌های قبل از بازپس گرفتن مقام فرماندهی کل قوا از دست بنی‌صدر توسط امام، بسیاری از مردم هنوز دقیقا نمی‌دانستند که عامل اصلی توقف انقلاب در سمت‌گیری‌اش به سود تأمین منافع توده‌های میلیونی کوخ‌نشین چه کس و یا چه جریانی است؟ هر یک از "طرفین اختلاف" دلیل عمده بی‌جواب ماندن خواست‌های مردم و عدم پاسخگویی به هدف‌های انقلاب را کارشکنی جناح مقابل معرفی می‌کرد و مردم می‌دیدند که وزارتخانه‌های مهمی نظیر اقتصاد و دارایی، بازرگانی و امور خارجه به علت "عدم تفاهم" طرفین بی‌وزیر مانده و هرج و مرج، بی‌برنامگی و رقابت، سیاست‌روز است. علاوه بر این مردم می‌دیدند که چگونه قسمت عمده انرژی و توان بالاترین مقام‌های مملکتی صرف پاسخگویی به اتهاماتی می‌شود که طرفین به همدیگر وارد می‌کنند.

همانگونه که پیش‌بینی می‌شد این وضع دوام نیاورد توده‌های مردم پیایی با توسعه این اختلافات و روشن‌تر شدن خطوط اصلی مواضع طرفین، به علت و کینه اختلافات بی‌بردد و دانستند که عامل اصلی تشنج‌های خط سازش با امپریالیسم است که با قبضه

کردن مقام ریاست جمهوری و دادن یک مقدار شعارهای تو خالی رندانه می‌کوشند تا انقلاب را مسخ و نیازهای انقلابی توده‌ها را بی‌پاسخ بگذارند و دریافتند که دعوی همان دعوی قدیمی بین انقلاب و لیبرالیسم است که در شکلی دیگر بروز کرده است لذا هوشیارانه بپا خاستند و مانع توسعه و تعمیق انقلاب را از میان برداشتند. مردم ۱۱ میلیون رای خود را از بنی‌صدر پس گرفتند.

و با توجه به تعهدات نیروهای خط امام با انتخاب آقای رجایی یکبار دیگر خط مردمی و ضد امپریالیستی امام را تایید نمودند. در یک کلام مردم اراده خود را اعمال کردند و سه قوه و نیز ارگان هماهنگ کننده سه قوه را به دست خود به نفع خط امام هماهنگ نمودند. اعمال اراده‌ای که به بهترین وجه در سخنرانی امام به مناسبت تنفیذ مقام ریاست جمهوری به آقای رجایی منعکس شده است: "این ملت حق دارد، دست شما را گرفته آورده این بالا نشانده شما باید خدمت کنید به این مردم، شما، ما همه باید خدمتگزار اینها باشیم."

بدین ترتیب مردم قوه مجریه نسبتا یکدستی ایجاد نمودند تا مسئولین امر و به ویژه دولت ادای "حقی" را بکنند که مردم نسبت به آنها دارند. مردمی که، انقلاب همه چیز خود را مدیون آنهاست. و مردمی که متأسفانه انقلاب هنوز برای رهایی آنان از چنگ استثمار و فقر و بدبختی کار بنیادی انجام نداده است! در ماههای قبل از انقلاب و در سالهای پس از انقلاب لحظه‌ای هم سراغ نداریم که توده‌های زحمتکش ما از اقدام انقلابی باز مانده و یا از فداکاری‌هایی که انقلاب

که میلیون‌ها زحمتکش حاکمیت را در دست طیف نیروهای خط امام قرار داده‌اند، چشم به راه هستند تا ببینند که دست‌اندرکاران حکومتی به این سخن امام که درد نهفته همسایگان زحمتکش میهنمان است، چه اندازه وفادارند؟

شما باید برای این پابره‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و آنها را به حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می‌داشتند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند، خدمت کنید! آری! توده‌های زحمتکش امروز هیچ عذر و بهانه‌ای را در به تعویق انداختن و به تعلل کشاندن اقدامات بنیادی نخواهند پذیرفت.

و به همین دلیل هم است که می‌گوئیم، توده‌ها از این به بعد، مسئولیت اصلی هر آنچه را که باید صورت گیرد متوجه مسئولین کنونی می‌دانند و باز به همین دلیل است که می‌گوئیم هرگاه مسئولین کنونی به وظایفی که پیش پای خود دارند، قاطعانه عمل نکنند و یا حتی با کندی غیر متناسب با نیازهای عینی انقلاب عمل کنند، آنگاه وضع واقعا نگران‌کننده‌ای پیش خواهد آمد در صورت بی‌جواب ماندن خواست‌ها و مطالبات اساسی مردم محروم و کوخ‌نشین، انقلاب از نیروی محرکه و پاسدارش محروم می‌ماند و این گردان‌های حافظ انقلاب انگیزه لازم برای دفاع از انقلاب را که قطعا با یورش سنگین ضد انقلاب مواجهه است از دست خواهند داد. دیگر مردم در صحنه نخواهند ماند و نتیجتا هم انقلاب شکست خواهد خورد. این فاجعه‌ای است که در بدترین حالت ممکنه می‌تواند اتفاق افتد و هرگاه که چنین وضعی پیش آید دیگر هیچ احدی نخواهد

امروز دست همه باز است، ملت دستش باز است و هیچ کس آقا بالاسر او نیست، دولت هم دستش باز است و ملت تائیدش کرده‌اند هیچ عذری برای ما نیست امروز اگر چنانچه یک خرابی در مملکت بشود و دنبال اصلاحش نرویم، عذری نداریم (امام خمینی)

توانست مسئولیت شکست را تقسیم و تسهیم کند. این مسئولیت تماما بر دوش آنهاست خواهد افتاد که زمام امور را در دست داشتند، ولی با تعلل انجام اقدامات بنیادی به سود زحمتکش و به دیگر سخن با عدم پاسخگویی به مرمترین نیاز انقلاب، با غفلت در در هم شکستن پایه‌های اقتصادی جنبه براندازی بسرکردگی امریکا انقلاب را به شکست کشاندند. این بدترین حالتی است که می‌تواند پیش بیاید و انقلاب ایران توان آن را دارد که چنین نشود.

"انقلاب اینطور است، وضع انقلاب اینطور است طوری است که مردم دیگر سربسته و در بسته تسلیم کسی نمی‌شوند مردم هریکشان نظری دارند"

به اعتقاد ما، مسئله امروز انقلاب آن نیست که مسئولین امر ندانند که با گذشت نزدیک به دو سال و نیم هنوز هم در زابطه با خواست‌های زحمتکش هیچ قدم اساسی برداشته نشده است. نه، مسئله امروز این نیست. چرا که همه کوجه و بازار، هر مجلس و محفلی و هر کارگر و کشاورزی به این حقیقت معترفند. در نماز جماعات، در مراسم و راهپیمایی‌هایی که به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود، در صدا و سیما جمهوری اسلامی در مطبوعات رسمی و نیمه رسمی و در سخنرانی‌های مقامات طراز اول و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی و در مجلس و کابینه و در منبر و مسجد و ... می‌شنویم که مدام از ضرورت اقدامات بنیادی به سود کوخ‌نشینان و زحمتکش سخن رانده می‌شود و این همه بیش از هر چیز بازتاب ضروری مطالبات عینی انقلاب و بیانگر این است که پیشروی انقلاب از این پس، دقیقا

بقیه در صفحه ۲۰

استقلال - کار - مسکن - آزادی

حکومت جمهوری اسلامی در قبال هواداران گروه‌های

منحرف باید سیاست ارشادی در پیش گیرد

خسوف و اعدام بی‌رویه

به انقلاب آسیب می‌رساند

از کسانی که به جوخه اعداء سپرده شدند در هیچ اقدام مسلحانه‌ای شرکت مستقیم نداشتند. خیلی‌ها به حرم بودن در "خانه تیمی" داشتن اعلامیه و نشریه گروه‌های چپ‌رو و اینکد سمپاتی‌زبان گروه‌های منحرف بوده و توسط رهبران خائن این گروه‌ها گول خورده و سیاست ضدانقلابی آنان را درست می‌پنداشتند اعداء شده‌اند. این دسته از اعداء با اعتماد مردم را نسبت به دادگاه‌ها سلب می‌کند و نشان پارسائی‌های جدی است که در سیستم قضائی جمهوری وجود دارد. اثرات اجتماعی و سیاسی اعدام‌های بی‌رویه و شتاب‌زده جدا از اعداءهایی نظیر اعداء رفیق یعقوب یزدانی توسط حاکم شرع به‌شهر و دیگر رفقا که جنایتکارانه بودن آن اظهار من‌الشمس است بسیار مخرب و منشاء زیان‌های فراوان برای انقلاب است.

تکیه یک جانبه بر اعداء آن هم با مختصاتی که به شمرديم امنیت قضائی را از مردم سلب می‌کند. سلب امنیت قضائی مردم موجب گریزان شدن آنان از فعالیت‌های سیاسی و محرک بی‌تفاوتی‌های سیاسی و عدم حضورشان در صحنه است. جبهه براندازی بسرکردگی امریکا از چنین امکانی بیشترین استفاده را خواهد برد، لیبرالها و رهبران خائن به آرمان و مردم و انقلاب بر این زمینه فرصت‌های مناسبی برای فریب مردم، برای رویگردان ساختن آنان از انقلاب و جمهوری می‌یابند.

چنانکه قبلاً نیز گفتیم هر حکم اعدام غیر قانونی یک حکم اعدام قانون است. چنین اعدام‌هایی مشوق جنایتکارانی است که مانند نمونه خرم‌آباد به توده‌های مبارز "مصطفی بختی" با کلت و کارد وحشیانه حمله می‌برند و او را به جرم دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی تکه تکه می‌کنند و از سوی دیگر

مملکت شما را قبول می‌کند. من از خدای تبارک و تعالی خواهانم همه را به راه راست و به صراط مستقیم هدایت بفرماید." تاکید بر چنین سیاست ارشادی در نزد رهبران طراز اول جمهوری نیز به کرات دیده شده است، از جمله آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در یکی از خطبه‌های نماز جمعه ۲ مرداد ماه با لحن مسئولانه و صمیمانه‌ای اظهار داشت:

"من به این بچه‌ها می‌گویم و قلب من را آتش زدند و من سوختم برای یک جوان که اینجور گرفتار شده من از مسئولان قضائی تقاضا می‌کنم که راه را برای برگشتن این جوان‌ها باز کنند اینها بسیاری‌شان فریب خورده و سالمند کاری نکنند اینها روی لجاجت و تعصب بیفتند، بگذارید اینها راه برگشت داشته باشند... این حکومت دنباله حکومت علی بن ابی‌طالب است. ما به خون شما تشنه نیستیم، شما نیروی آینده این کشورید شما نورچشم ما ئید و بیایید توبه کنید و نتیجه را ببینید..." آشکار است که گرایش خطرناکی که تنها با اعدام‌های بی‌رویه و کور با اعضا و هواداران گروه‌های چپ‌رو، ماجراجو و آتارشیستی که امروز سیاست آقای ریگان را به اجرا در می‌آورند روبرو می‌شود، به تمام معنی خلاف رهنمودهای رهبر انقلاب و مصالح جمهوری اسلامی و خلاف مصالح انقلاب عمل می‌کند.

۲ - در اغلب احکام صادره از جانب دادگاه‌ها به نحو آشکاری فقدان موازین و ضوابط مکتوب و واحد حقوقی مشهود است. جرائمی که در گیلان و تبریز و خوزستان چندسال حبس دارد. همان جرائم در بهشهر و لرستان و کرمان مجازاتش اعدام توسط جوخه‌های آتش است. در دادگاه‌ها آنچه که حاکم است قساوت شخصی و دریافت‌های لحظه‌ای حکام شرع است.

۳ - تعداد قابل توجهی از مناقضات، لحام‌گسیختگی‌ها بی‌قاعدگی‌ها، ستابزدگی‌ها و سراسیمگی‌هایی وجود دارد که بی‌توجهی نسبت به آن انقلاب را با مخاطرات جدی روبرو می‌کند.

۱ - گرایش خطرناکی که خواستار کنار نهادن سیاست ارشادی است که امام خمینی بارها و بارها بر آن تاکید کرده است. این گرایش ترو خشک، مجرم و غیر مجرم، بالاد و پائین را یکجا می‌سوزاند، این گرایش دشمنی کور و لحام‌گسیخته با هر کسی است که جز او می‌اندیشد و جز او می‌گوید. این گرایش دشمن سیاست ارشادی است و برخلاف امام خمینی که اتخاذ چنین سیاستی را حتی درباره جنایتکارانی مانند بنی‌صدر و رجوی آن هم بعد از همه جنایاتی که تاکنون مرتکب شده‌اند توصیه و تاکید می‌کند تنها بر اعدام و باز هم اعدام تکیه دارد.

جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز وجود داشته است. بدون تردید در برابر جنایات جبهه براندازی بسرکردگی امریکا، انقلاب مجاز است که با قاطعیت و بدون تزلزل از خود دفاع کند. این دفاع ابعاد اقتصادی سیاسی و اجتماعی دارد. مبارزه بدون تزلزل با پایگاه‌های اجتماعی جبهه براندازی بسرکردگی امریکا یعنی سرمایه‌داری بزرگ، زمینداری بزرگ و فئودالیسم دفاع از انقلاب است. تجهیز مردم به آگاهی‌های لازم در برابر این جبهه تشکل و تسلیح آنها برای مقابله با توطئه‌ها و تجاوزات دشمنان انقلاب دفاع از انقلاب است. تامین آزادی‌های سیاسی برای نیروهای مدافع انقلاب. پایبندی حکومت به حقوق دمکراتیک مردم و مبارزه خستگی‌ناپذیر در راه وحدت مردم و نیروهای مدافع انقلاب صرف‌نظر از مسلک و ایدئولوژی‌شان دفاع از انقلاب در برابر اقدامات جنایتکارانه جبهه براندازی است.

سرکوب بی‌امان همه تلاش‌هایی که علیه انقلاب و مصالح توده‌های میلیونی اقدام می‌کنند و درصدد بساط غارتگری امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و ارتجاع داخلی را قوام و دوام بخشند، سرکوب بدون مماشات جریان‌های سیاسی که کمر به شکست انقلاب خونبار مردم ایران بسته‌اند و علیه آن مسلحانه دست به جنایت می‌زنند از ارکان دفاع از انقلاب است. در این هیچگونه شبهه و تردیدی وجود ندارد، و می‌باید اذهان مردم و متزلزل را نسبت به درستی این باور انقلابی مومن و معتقد ساخت. ولی اشتباه است هرگاه بر پایه این منطق غیر قابل‌تردید انقلاب بر تمامی احکام اعدائی که امروز در میهن ما به نام دفاع از انقلاب صادر می‌شود مهر تایید بکوبیم. در اعدام‌های اخیر

موج گسترده سم‌تنداری‌ها و ترورها و اعدام‌ها در دو هفته اخیر فضای سیاسی کشور را با التهاب تازه‌ای آکنده ساخته است. جبهه براندازی بسرکردگی امریکا و با رهبری بنی‌صدر و رجوی به کوره این التهاب می‌دمد و با ردیلا نه‌ترین کلمات "مسابقه اعدام و انفجاری" را که تدارک دیده‌اند با شادمانی و هلهله فراوان توصیف می‌کنند.

کیفیت دفاع انقلاب در برابر جبهه براندازی بسرکردگی امریکا نشان استحکام و قدرت آن انقلاب است. مردم جهان بیاد دارند که در فردای تسخیر "هوشه‌مین" سایگون سابق یکی از رهبران انقلاب ویتنام در پاسخ سؤال یک خبرنگار امریکایی که از او پرسیده بود با ژنرال‌ها، افسران سربازان و جنایتکاران رژیم سرنگون شده امریکایی چه خواهید کرد گفته بود: "انقلاب ویتنام آن اندازه با قدرت و توانا هست که به جز جنایتکاران را که مستقیماً عامل کشتار مردم بوده و همچنان بر درستی اقدامات جنایتکارانه خود اصرار دارند، همه کسانی را که علیه انقلاب و مردم اقدام کرده‌اند به شهروندان مفید ویتنام آزاد مبدل سازد" اردوگاه‌های بازآموزی صدها هزار مجرم سیاسی در ویتنام پس از انقلاب این قدرت و توانایی را به اثبات رساند و مردم سراسر جهان با تحسین دیدند که چگونه انقلاب قادر است کارگزاران و مزدوران جنایتکارترین و ضدمردمی‌ترین رژیم‌های عالم را به آدم‌های شایسته‌ای که در خدمت انقلاب و در خدمت مردمند مبدل سازد.

در برابر چنین نمونه گویایی از قدرت و توانایی سازندگی انقلاب موج گسترده و در حال گسترش اعدام‌های شتاب‌زده‌ای که توسط دادگاه‌های انقلاب اسلامی در ده روز اخیر صورت گرفته است نشان ناتوانایی‌ها و تناقضاتی است که در



کارگران راه آهن خواهان تصفیه کامل عناصر ضد انقلابی ولیرال هستند

انقلاب را به کار بگذارند .
۲ - طرح استفاده از
کارگران ، تکنسین ها و
مهندسين مترقی و انقلابی و
بهره گیری از امکانات
ارگان های انقلابی کشور مانند
جهاد دانشگاهی و ... راکد
از طرف مسئولین متعهد
راه آهن، داده شده است و
لیبرال ها در آن کارشکنی
می کردند ، به مرحله اجرا
درآورد و دراین مورد از
بودجه ۸۰ میلیون تومانی
خودکفائی راه آهن استفاده
لارم صورت گیرد .

۳ - به خواست های میرم
و برحق کارکنان مبارز
کارخانجات و بهبود شرایط
محیط کار و زندگی آنان توجه
نمایند و توجه داشته باشند
که بی توجهی به مسائل
کارگران ، همواره خواست
ضدانقلابیون بوده و هست .

۴ - نسبت به عمل
غیرمسئولانه عده های تحت
نام "گردان انتقام خراب الله"
که مورد اعتراض عموم
کارگران هستند واکنش سریع
و لارم را نشان دهند و از
اخراج عده های از کارگران
مبارز و انقلابی که حامی
انقلاب و جمهوری اسلامی
هستند ، جلوگیری نموده و
موارد اتهام این کارکنان را به
طور مسئولانه و با پای بندی
به موازین قانون اساسی و
مصلح انقلاب ، مورد
رسیدگی قرار دهند .

چند رور پیش از سوی
رئیس کل راه آهن سراسری .
آقای ناصر پور میرزا به سمت
مدیریت کل حرّیه و
کارخانجات راه آهن منصوب
گردید . پور میرزا یکی از
اعضای فعال کمیته خودکفائی
است که فعالیت های
چشمگیری در جهت تقلیل
وابستگی و تقویت امکانات
خودکفائی راه آهن داشته و
علیرغم کارشکنی های مکرر
مدیران لیبرال (ارقبیل
کیانزاد و ...) در ساخت
سیلندر ، سرسیلندر ، پیستون
و تهیه طرح آب تصفیه شده
برای دیزل ها و گسترش
امکانات فنی راه آهن گام های
مؤثری برداشته است .

کارگران مبارز و آگاه
راه آهن ، ضمن استقبال و
حمایت از انتصاب آقای
پور میرزا به مدیریت کل حرّیه
و کارخانجات راه آهن ،
مبارزه برای تحقق مطالبات
انقلابی ربر را از حمله
وظایف مقدم ایشان و همه
کارکنان متعهد و انقلابی
دانسته اند :

۱ - هرچه سریع تر باند
کیانزاد ، ربیعی ، افضلی و
دیگر مدیران لیبرال را که در
پست های مهم حرّیه و
کارخانجات قرار دارند ، به
کمک کارگران انقلابی
راه آهن ، مورد تصفیه و
پاکسازی قرار دهند . و به
جای آن ها افراد متعهد به

در اقساط مناسب از کارگران
دریافت نماید .
یکی دیگر از موانعی که
در برابر انجام این طرح
ضروری قرار گرفته کمبود
مصلح و لوازم ساختمانی
خصوص آهن می باشد .
البته مساله کمبود آهن باعث
رکود امر ساختمان سازی در
سرنا سر ایران شده است .
کارگران پیشنهاد کرده اند که
دولت کارخانجات و
شرکت هایی را که کار آنها
ساختن قطعات پیش ساخته و
بلوک های سیمانی است
تقویت نمایند و با فراهم
نمودن امکانات لازم ، این
شرکت ها را که مناسفه بعد
از انقلاب یا تعطیل شده اند و
یا به حالت نیمه تعطیل
درآمده اند مجددا فعال کند .
برپا آوا است حکام خانه هایی
که با قطعات پیش ساخته
درست می شود قابل توجه
است . و تأیید آن ها که
این خانه ها به طور سری و
یکجا ساخته می شوند از
نظر تسهیل و تسریع کار
نقشی فوق العاده دارند .

علاوه بر مشکلات فوق
خود شهر صنعتی قزوین از
نظر امکانات شهری مواجه
با کمبودهایی نظیر بیمارستان
مدرسه ، سیستم فاضلاب
تلفن و تاحدودی آب و برق و
دیگر خدمات شهری می باشد
که بدون مهیا نمودن چنین
نیازهایی امکان ریست و
گسترش در آینده با مشکلات
مراوان مواجه خواهد شد .
ضروریست که همزمان با
شروع خانه سازی در جهت
رفع این نارسائی ها نیز
اقدامات لازم صورت گیرد .
کارگران شهر صنعتی البرز
انتظار دارند که دولت و
ارگان های مسئول منطقه با
برخورداری از حمایت گسترده
و مشکل تعاونی های مسکن
کارگری و شرکت فعالانه عموم
کارگران باین نیار و مطالبه
اصولی و برحق پاسخ گوید .

دستور شورای نگهبان انجام
گرفت اجرای این طرح متوقف
گردید . تنها ۶ کارخانه
موفق شدند در شهر، رمین
برای ساختمان بگیرند . و
قرار بر آن شد که به بقیه
تعاونی ها در شهر صنعتی و
زیباشهر (۲۰ کیلومتری
قزوین) زمین داده شود .
که فعلا در مرحله اول نزدیک
به ۷۲۰ قطعه زمین واقع در
هفت دستگاه شهر صنعتی
برای ۲۰٪ از متقاضیان ۴۰
کارخانه جهت خانه سازی
داده شده است قیمت هر متر
این زمین ها ۴۰ تومان و در
قطعات ۲۵۰ - ۱۸۰ متری
می باشد در مراحل بعدی از
طریق تعاونی ها به بقیه
کارگران به تدریج زمین داده
خواهد شد .

اما مشکلاتی که در حال
حاضر تعاونی ها با آن روبرو
هستند این است که برای
شروع به احداث ساختمان در
این زمین ها باید هر کارگر
۱۰٪ از کل مخارج احداث را
مشخصا به عهده بگیرد و
علاوه بر آن قیمت زمین را
نیز نقدا بپردازد ، مناسفه
اکثرا متقاضیان توانائی
پرداخت این ۱۰٪ را که
حدود ۲۰ هزار تومان می شود
ندارند . و این مسئله در
بعضی موارد باعث توقف
کارها شده است . کارگران
معتقدند که دولت نباید
صرف این هزینه را به عهده
کارگران بگذارد و در عوض از
طریق خود واحدها این پول
تأمین گردد بدین ترتیب
که در واحدهائی که هنوز ملی
نشده اند صاحبان آنها
قدرت پرداخت چنین مبلغی
را دارند و در صنایع ملی
شده دولت از محل ۳۲۰
میلیون تومان اعتباری که
برای انجام این طرح در
سال ۶۰ در نظر گرفته است
درصدی را برای شروع به
کار احداث و سپس تکمیل
ساختمان ها در نظر گیرد و

از آنجا که بخش قابل
توجهی از کارگران شاغل
کارخانجات شهر صنعتی البرز
قزوین از شهرهای مختلف و
روستاهای اطراف به این شهر
آمده و برای همیشه در آن
ساکن شده اند با مشکل مسکن
مواجه بوده و هستند و از
طرفی چون شهر قزوین از نظر
امکانات شهری موحود قدرت
پاسخ گوئی به این مساله را
ندارد ، کارگران در اطراف و
حوالی شهر بخصوص در
محله هادی آباد صادرات به
تأمین شهری نموده اند که
از ابتدائی ترین اصول و
امکانات شهرسازی و خانه
سازی نیز برخوردار نیست .
اغلب این خانه ها با
مساحت های ۶۰ تا ۵۰ متر سه
تا چهار خاوار را در خود
جای داده اند ، علاوه بر این
بالا بودن نسبی کرایه خانه
در قزوین این مشکل را دو
چندان نموده است .

از بعد از پیروزی انقلاب
با کمک ارگان های انقلابی
منطقه ، کارگران هر کارخانه
اقدام به تشکیل شرکت های
تعاونی مسکن جهت گرفتن
زمین و تأمین وام برای خانه
سازی نمودند و تاکنون
۸۰ - ۷۰ کارخانه قزوین
تعاونی های مسکن خود را
تشکیل داده اند . این
تعاونی ها از درون خود کمیته
همه تنگی تعاونی های مسکن
را تشکیل داده اند که این
کمیته تاکنون از نظر ایجاد
همه تنگی و پی گیری و پیشبرد
امور مربوطه نقش مهمی ایفا
نموده است و ارگان های
انقلابی منطقه از حمله
سازمان عمران اراضی شهری
و کانون شوراهای اسلامی با
این کمیته همکاری های لازم را
به عمل آورده اند .

ابتدا قرار بود برای حل
مشکل مسکن در شهر به
کارگران زمین و خانه داده
شود ، ولی با توقف تقسیم
زمین های موات شهری که به

اصول ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی

(حقوق شورائی

و سندیکائی کارگران) ،

باید در قانون کار جدید

تثبیت شود

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

در سمینارهای شوراهای اسلامی روستاهای خراسان

روستائیان خواهان اجرای بندج و دقانون اصلاحات ارضی شدند

خراسان - در اواخر ماه جاری سمینارهای شوراهای اسلامی مناطق سرخس، سبزوار، فریمان، تبادکان و تربت جام با حضور نمایندگان شوراهای روستایی و مسئولین هیات‌های هفت نفره واگذاری زمین جهاد سازندگی و برخی از مسئولین حکومتی تشکیل گردید. در این سمینارها که گزارش مختصر آن در زیر آمده است اعضای شوراهای اسلامی روستاها متحداً ضمن حمایت از هیئت‌های هفت نفره و جهاد سازندگی و محکوم کردن جنگ تحمیلی آمریکا - صدام و اعلام حمایت از رزمندگان جبهه‌ها، خواهان اجرای هرچه سریع‌تر بند (ج) و (د) و کوتاه کردن دست زمین‌داران بزرگ و فئودال‌ها گردیدند. همچنین نمایندگان روستائیان بر ضرورت کوشش و اختصاص بودجه بیشتر جهت اجرای برنامه‌های عمران روستایی، و بهسازی روستاها تأکید کرده و تأمین نهادهای کشاورزی نظیر کود، بذر، سم، تعیین قیمت‌های محصولات کشاورزی توسط دولت، کوتاه کردن دست واسطه‌ها و سلف خران، تخصیص اعتبار و دادن وام برای بهبود کیفیت و افزایش تولیدات کشاورزی را از مسئولین درخواست نمودند.

سرخس - به منظور هماهنگی هر چه بیشتر شوراها با ارگان‌های انقلابی و بررسی مشکلات و ارائه راه‌حل‌های عملی سمینار شوراهای اسلامی روستای سرخس با شرکت اعضای شوراهای ۱۸ روستا و نهادهای انقلابی در محل ستاد مرکزی سپاه پاسداران سرخس تشکیل گردید. در قطعنامه‌ای که در پایان گردهمایی ارائه شد روستائیان ضمن حمایت از مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادها خواستار اجرای هرچه سریع‌تر بند (ج) شدند. در این قطعنامه همچنین توطئه کنفرانس طائف محکوم گردید.

فریمان - سمینار شوراهای اسلامی روستاهای فریمان نیز در منطقه موسی بن جعفر تشکیل شد. در طی برگزاری این سمینار شرکت‌کنندگان هر یک خواسته‌ها و کمیوهای منطقه خود را مطرح و پیشنهاداتی در جهت رفع آنها ارائه دادند. این سمینار با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه اعضای شرکت‌کننده از مجلس شورای اسلامی خواستار تصویب بند (ج) و (د) و تعیین تکلیف زمین‌داران بزرگ و احقاق حق کشاورزان زحمتکش شدند.

تبادکان - در سمینار شوراهای اسلامی روستاهای تبادکان که در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۶۰ با حضور حدود ۴۰۰ نفر از اعضای شوراها در فردوس برگزار شد ضمن محکوم نمودن عملکردهای ضدانقلابی فئودال‌ها و طرح و بررسی مسائل و مشکلات موجود، دبیر هیات‌های هفت نفره مصادره و تقسیم زمین‌های خرده‌مالکین را توسط هیئت

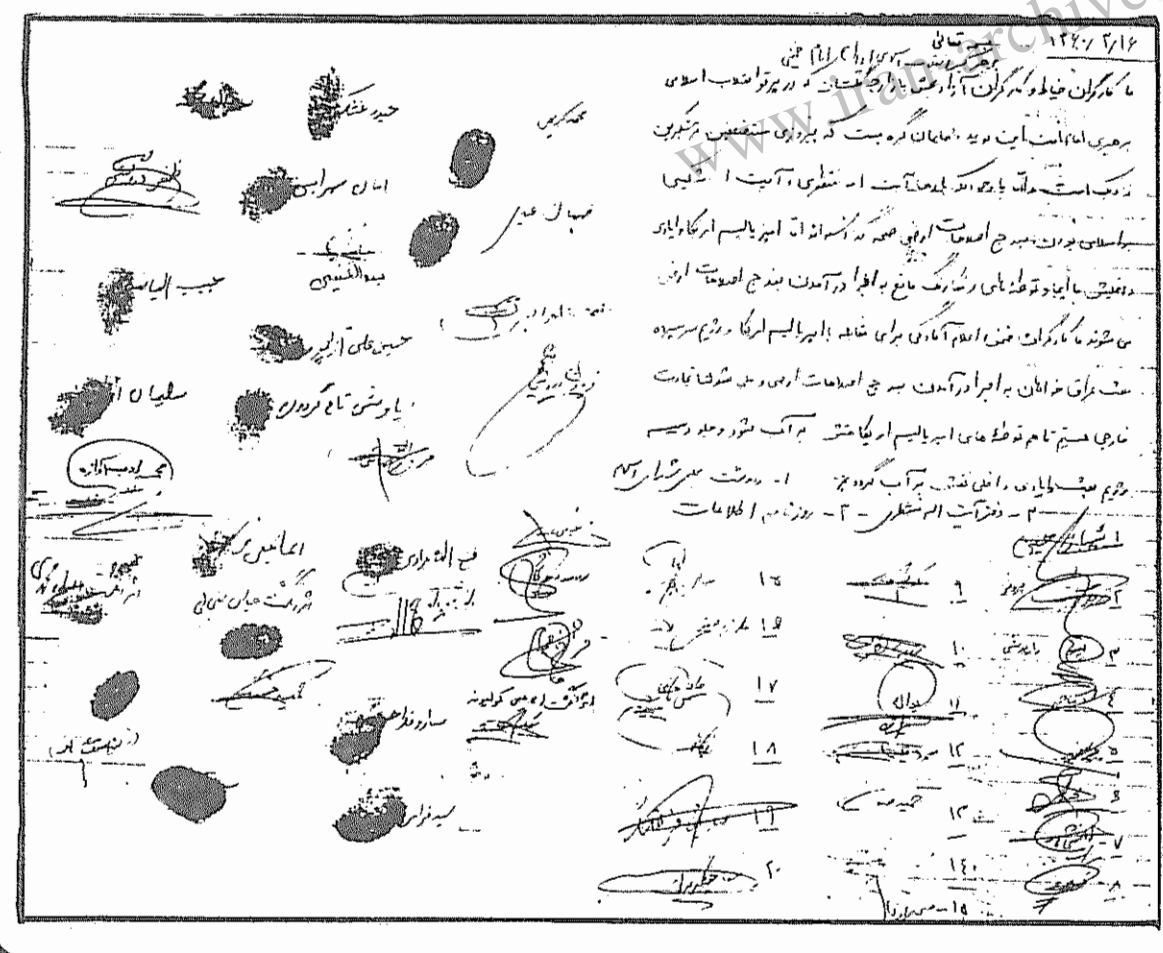
نمایندگان مجلس باید به خواست میلیون‌ها روستائی زحمتکش

پاسخ گویند

حمایت کارگران از مطالبات به حق دهقانان زحمتکش روستاها صفحه درخشان دیگری از مبارزات کارگران شرافتمند و انقلابی کشور

اکنون دیگر به وضوح روشن شده است که وظیفه سنگین تعیین سرنوشت میلیون‌ها تن از دهقانان زحمتکش روستاهای سراسر میهن که در گرو اجرای هرچه سریع‌تر اصلاحات ارضی و بخصوص لغو توقف اجرای بند (ج) و (د) آن می‌باشد، به عهده نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی ایران قرار دارد. از همان زمانی که بر اثر فشارها و تبلیغات عوام‌فریبانه زمین‌داران بزرگ، فئودال‌ها، عوامل لیبرال و روحانیون مرتجع مخالف خط امام و حامی آنها و متاع سفاهت‌تردیدها و دودلی‌های مقامات مسئول جمهوری اسلامی اجرای کامل اصلاحات ارضی یعنی بندهای (ج) و (د) آن متوقف گردید، بیشترین ضربه بر پیکر انقلاب خونبار مردم ما وارد شده است.

زمین‌داران بزرگ، فئودال‌ها، خوانین و سردارهای ضدانقلابی از این فرصت کمال‌استفاده را کرده و با بسیج و متشکل‌تر کردن هرچه بیشتر عوامل و ایادی خود به انواع و اقسام توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی و مردم زحمتکش ما دست یازیدند. ارتباط با ضدانقلابیون فراری، کمک و پشتیبانی از بنی‌صدر خائن، تشکیل باندها و دستجات مسلح، به شهادت رساندن ده‌ها تن از دهقانان زحمتکش و اعضای دلسوز جهاد و سپاه و هیات‌های هفت‌نفره، بخشی از توطئه‌های جنایتکارانه آنهاست و در این میان بیشترین دردورنج را بازدهقانان ستم‌دیده ما بودند که تحمل نمودند. این زحمتکشان تا کنون با وسایل مختلف و با ارسال هزاران طومار که اثر انگشت‌های پینه



با اجرای بند (ج) و (د) توطئه‌های رنگارنگ زمین‌داران بزرگ و فئودال‌ها را درهم شکنیم

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

همانگونه که توضیح دادیم این لایحه که به طرح رضا اصفهانی معروف گردید چون مسائل و مشکلات روستائیان را با واقع بینی مورد توجه قرار داده بود و تغییر و تحولاتی بنیادی و نسبتاً عمیقی را در نظر داشت طرحی مترقی و انقلابی بود که متأسفانه به دلیل برخوردها و درگیری‌های درون حاکمیت و عملکردهای توطئه‌گرانه لیبرالها و سازشکاران و حامیان زمین‌داران بزرگ به اجرا درنیامد و در تاریخ یازدهم اسفند ۵۸ و بیست و هشتم اسفند ۵۸ لوایح دیگری به تصویب رسید که در آنها آشکارا به خواست زمین‌داران بزرگ و فتوئدال‌ها و حامیان مضموم و غیرمضموم آنان تمکین شده بود.

خط سازش که موفق نشده بود کاملاً ماهیت طرح رضا اصفهانی را که علیرغم تغییرات آن باز با منافع زمین‌داران بزرگ سازگار نبود در گروگان کند برای جلوگیری از اجرای طرح مزبور مسأله غیر شرعی بودن آن را مستمسک قرار داده و به مخالفت علنی با آن پرداخت و امام خمینی برای خنثی کردن حیلۀ پلید آنان آیت‌الهد منتظری، آیت‌اله بهشتی و آیت‌اله مشکینی را مأمور رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد انطباق لایحه واگذاری با موازین شرعی نمودند هیئت سه نفره بعد از بررسی‌های لازم ضمن مشروع شناختن لایحه و انطباق بند ج آن با موازین اسلامی و با توجه به اوضاع سیاسی و فشار نیروها و جریان‌های مخالف انقلاب با مصلحت‌اندیشی، لایحه دیگری تنظیم نموده و جهت تصویب به شورای انقلاب ارسال داشتند که لایحه مزبور در تاریخ بیست و ششم فروردین ۵۹ مورد تصویب شورای انقلاب قرار گرفت.

آئین‌نامه اجرایی قانون اصلاح " لایحه قانونی واگذاری و احیاء زمین مصوبه بیست و ششم فروردین ۵۹ انواع اراضی قابل واگذاری را شامل چهار بند به شرح زیر تعیین کرد

بند الف - اراضی موات اراضی دولتی و منابع طبیعی.

بند (ب) اراضی‌ای که توسط دادگاه انقلاب صادره شده.

بند (ج) - اراضی بایر، چنانچه اینگونه اراضی بیش

دهقانان زحمتکش (نه تنها در زمان وزارت ایردی و دولت موقت بازرگان " فعال بود، بلکه بعدها هم همچنان به " فعالیت" خویش ادامه داد و ابزار سازماندهی و شکل زمینداران بزرگ و خوانین برای اجرای انواع و اقسام توطئه‌ها علیه انقلاب بوده است. این شوراها بخصوص در اعمال فشار به مسئولین جهت لغو بند " ج" و " دال" نقش موثری داشته است.

شیوه عمل دولت موقت و قوانین و لایحه‌هایی که تماماً برای حمایت از زمینداران

جای مصادره زمین‌های زمین‌داران بزرگ قانون " نحوه واگذاری و احیاء اراضی موات را در تاریخ بیست و پنجم شهریور ۵۸ از تصویب شورای انقلاب گذراند این قانون که هیچگونه انطباقی با سطح مطالبات و مبارزات زحمتکشان روستاها نداشت قانونی عوام‌فریبانه بود که با توجه به برآمدن انقلابی توده‌های روستایی و در واقع برای موجه جلوه دادن اصلاحات ارضی شاه تدوین گردیده بود و به‌گونه‌ای عریان سعی در حفظ منافع

حکومت بیرون ریزد مجلس شورای اسلامی لایحه واگذاری زمین را در دستور خود قرار داده است ما نیز در این فرصت ضمن مروری مجدد بر سیر تحولی تنظیم لایحه واگذاری زمین موانع و مشکلات موجود بر سر راه تصویب و اجرای آن در مقاطع مختلف و زبان‌های ناشی از عدم اجرای آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دولت موقت علیرغم خواست میلیون‌ها دهقان زحمتکش که کوتاه کردن دست زمین‌داران بزرگ و فتوئدال‌ها را طلب می‌کردند

پس از گذشت دو سال نیم از انقلاب علیرغم خواست میلیون‌ها زحمتکش و دهقان روستا هنوز اصلاحات ارضی یعنی یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب انجام نیافته است هر زمان این مهم‌کهدر تثبیت و تحکیم انقلاب ما در گسترش پایگاه توده‌های آن نقش بسزایی دارد در دستور قرار گرفت توطئه‌های ضد - انقلابیون در پوشش‌های گوناگون آغاز گردید تا منافع زمین‌داران بزرگ و فتوئدال‌ها و حامیان رنگارنگ آنان چند صباحی محفوظ باقی‌ماند. مسئولین حکومتی که برخی از آنان تا به امروز به اهمیت این اقدام بسیار مهم در تحکیم و پیشبرد انقلاب پی نبرده‌اند نیز بنا به علل گوناگون از قاطعیت اجرای همه‌جانبه این خواست میلیون‌ها هم‌میهن زجر کشیده روستاها خودداری کردند و در موارد بسیاری مرعوب تهدیدات و تبلیغات جبهه براندازی به عملکردی امریکا شدند - مساف‌آور این است که - سپاسی‌ها و مخالفت - خوانی‌های جبهه متحد ضد - انقلاب تا بدانجا مسئولین حکومت را تحت تاثیر خود قرار داده بود که حتی گاهی مهره‌های شناخته شده و ضد امپریالیست خط امام نیز بدون توجه به سمت و سوی تبلیغات حامیان زمین‌داران بزرگ، هیئت‌های هفت نفره این ارگان‌های مردمی و ترقی را به زیر علامت سؤال بردند آنها را مورد بی‌مهری قرار دادند و به جای تشویق و ترغیب هرچه بیشتر آنها به پی‌گیری در امور و وظایفشان و به جای حمایت فعال و همه‌جانبه از آنها در صفاهنگی و همگامی با دهقانان زحمتکش جهت خلع ید از زمین‌داران بزرگ و فتوئدال‌ها به تخطئه آنها مشغول شدند. بدین ترتیب توطئه زمین‌داران بزرگ و حامیان آنها برای مسکوت گذاشتن اقدامات اساسی توسط نیروهای معتقد به انقلاب در روستاها به نتیجه نرسید و علیرغم پافشاری ارگانهای مردمی و عناصر مترقی درون حکومت و تأکیدات نیروهای انقلابی اجرای بند " ج" به تعویق افتاد و مسئله به دست فراموشی سپرده شد.

اکنون که خط امام توانسته است ضربات جدی بر مواضع بورژوازی وارد سازد و حامیان گوناگون زمین‌داران بزرگ و فتوئدال‌ها و خوانین را از

برای اجرا نکردن بند ج و د دیگر عذری نیست

بزرگ تهیه و تدوین شده بود توده‌های روستایی را به حرکات اعتراضی گسترده‌تری واداشت و آنان خود مستقلاً به مصادره زمین‌های زمین‌داران بزرگ و قطع نفوذ آنها پرداختند. کم‌کم علاوه بر زحمتکشان بی‌زمین و کم زمین روستاها بخش‌هایی از نیروهای مردمی درون حاکمیت لب به اعتراض و مخالفت گشودند و حرکات انقلابی و مطالبات به حق توده‌های روستایی مورد حمایت مسئولین و دست‌اندر کاران جهاد سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب قرار گرفت.

رضا اصفهانی به معاونت وزارت کشاورزی انتخاب گردید وی مخالفت با عملکردهای دولت موقت در مسائل ارضی را علنی ساخت مبارزه علیه فتوئدالیسم و زمین‌داری بزرگ از اشغال لانه جاسوسی تاثیر پذیرفت و رشد و اعتلا یافت رضا اصفهانی با توجه به سطح مطالبات توده‌های دهقانی و با درک ضرورت رسیدگی فوری به امر روستاها و مسائل ارضی لایحه‌ای تحت عنوان " لایحه اصلاحی لایحه واگذاری زمین را تنظیم کرده و به شورای انقلاب تقدیم نمود، لایحه مورد بحث که مشتمل بر ۳ بند، الف و ب و ج بوده و بند (ج) آن اهمیت اساسی داشته و مربوط به واگذاری اراضی بایر و اراضی دایر بزرگ بود در تاریخ هشتم اسفند ۵۸ از تصویب شورای انقلاب گذشت

زمین‌داران بزرگ و بقایای شیوه تولید فتوئدالی داشته و در حفظ کامل وضع سابق از هیچ کوششی فروگذار نکرده بودند. قابل ذکر است که هر چند احیاء اراضی موات به دلیل عدم کفایت زمین‌های قابل بهره‌برداری برای زحمتکشان بی‌زمین و کم زمین و روستاها ضرورتی اجتناب - ناپذیر است ولی این امر به هیچ‌وجه به این مفهوم نیست که احیاء اراضی موات به تنهایی راه حل مسأله ارضی در ایران محسوب شود.

علاوه بر این احیاء اینگونه اراضی در بیشتر مناطق کشور با صرف هزینه‌های سنگین امکان‌پذیر است. که اساساً از توان و بنیه اقتصادی دهقانان زحمتکش خارج است. ایزدی همچنین لایحه قانونی " تاسیس شوراها و کشاورزی" را نیز به شورای انقلاب ارجاع نمود که مورد تصویب قرار گرفت این شوراها که از زمینداران و دامداران بزرگ تشکیل شده بودند، مورد حمایت کامل دولت موقت بوده و دولت گام به گام با پرداخت وام‌های بزرگ به اعضای آن کوشش همه‌جانبه را در تقویت زمین‌داران بزرگ و خوانین و فتوئدال‌ها سازمان داده بود قابل توجه است که این شوراها به اصطلاح " کشاورزان" (بخوانید شوراای زمین‌داران و دامداران بزرگ و خوانین، شورای ضدانقلابیون برای توطئه علیه انقلاب و

با انواع و اقسام شیوه‌های عوام‌فریبانه در مقابل خواست انقلابی توده‌های میلیونی روستاها ایستاد. دولت موقت به این بسنده نکرد و حتی در بسیاری موارد برای جلوگیری از اعمال انقلابی روستائیان و ممانعت از زمین‌داران بزرگ به مقابله با دهقانان پرداخت و حتی در مواردی آنها را به گلوله بست دولت گام به گام برای حفظ وضع موجود در روستاها و جلوگیری از اعتراضات و حرکات انقلابی دهقانان زحمتکش که در جهت مصادره انقلابی زمین‌های زمین‌داران بزرگ خود اقدام نموده بودند با عجله فراوان در همان ماههای نخستین انقلاب لایحه " قانون جلوگیری از هرگونه تجاوز و غصب و تصرف عدوانی ... " را تهیه کرده و در تاریخ چهاردهم فروردین ۱۳۵۸ از تصویب شورای انقلاب گذراند. و بطور آشکار در مقابل زحمتکشان روستاها و خواست‌های آنان به مقابله ایستاد. علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی دولت بازرگان که خود از زمین‌داران بزرگ بوده و بعدها اسناد سرسپردگی او به امپریالیسم آمریکا افشاء گردید بعد از ماهها تاخیر در مقابل مطالبات انقلابی دهقانان زحمتکش روستاها که مصادره زمین‌های زمین‌داران بزرگ و پیشبرد امر اصلاحات ارضی را متحداً طلب می‌نمودند به

برای اجرا...

بقیه از صفحه ۸

از ۵ سال بدون عذر موجه بایرمانده باشد.

بند (د) - اراضی دایر بزرگ

در واقع بندهای الف و ب لایحه مورد بحث همان بندهای الف و ب طرح رضا اصفهانی است و وجه تمایز این دو لایحه بندهای (ج) و (دال) است. در لایحه مصوبه بیست و ششم فروردین ۵۹ بند (ج) طرح رضا اصفهانی به بند (ج) و (د) تفکیک گردیده و در واقع به نوعی راه فرار برای عدم اجرای بند (د) یعنی واگذاری اراضی دایر زمینداران بزرگ به

روستائیان را باز گذاشته و همانگونه که قبلاً نیز توضیح دادیم به نوعی تحت تاثیر فشار جریان سازشکار و وابسته، مصلحت‌گرایانه درصدد برخورد با مساله برآمده است. هرچند آئین‌نامه اجرایی لایحه مورد بحث به‌گونه‌ای قاطع‌تر و مترقی‌تر از لایحه قانونی است و اولویت اجرای بندهای مذکور در لایحه قانونی را که به ترتیب (الف) (ب) و (د) می‌باشد به (ب) و (ج) (الف) و (د) تغییر داده و جلوی راه فرار از اجرای بند (د) را کم‌وبیش مسدود نموده ولی کماکان علیرغم مضمون مترقی آن صراحت و قاطعیت لایحه قانونی مصوبه هشتم اسفند ۵۸ معروف به طرح رضا اصفهانی را ندارد.

بدین ترتیب لایحه پیشنهادی آیت‌اله منتظری، آیت‌اله بهشتی و آیت‌اله مشکینی که در تاریخ بیست و ششم فروردین ۵۹ به تصویب شورای انقلاب رسید در دستور قرار گرفت و بر اساس ضوابط مندرجه در آئین‌نامه اجرایی آن اجرای لایحه قانونی واگذاری به عهده ستاد مرکزی واگذاری زمین که از نمایندگان حاکم شرع، جهادسازندگی، وزارت کشاورزی، وزارت کشور و وزارت دادگستری تشکیل می‌گردد گذاشته شد و ستاد مرکزی واگذاری زمین نیز اقدام به تشکیل هیئت‌های هفت نفره که مسئول مستقیم پیشبرد و اجرای امر واگذاری

می‌توان گفت که هیئت‌های مزبور به عاملین با صلاحیت با تجربه و کارکشته جهت اجرای اصولی و مترقی اصلاحات ارضی همه‌جانبه و کامل جهت تحقق خواست میلیون‌ها دهقان زحمتکش و محروم مبدل گردیده‌اند و به دلیل مواضع مردمی و مترقی خود مورد حمایت روستائیان بوده و قادر به جلب همکاری آنها می‌باشند.

همزمان با توطئه امپریالیسم امریکا در صدور ضدانقلاب به کشورها و تجاوز رژیم ضدخلقی صدام به جنوب و غرب کشور خط سازش به عناوین گوناگون و با توطئه‌های رنگارنگ سعی در ایجاد شکاف در جبهه انقلاب و ممانعت در جهت انجام اقدامات اصلاحی و اساسی جهت تعمیق و گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب کرد آنان توسط مهره‌های گوناگون‌شان که در پست‌های حساس نفوذ کرده بودند و به سرکردگی و حمایت بنی‌صدر خائن که خود نقش بسیار بزرگی در مسلح کردن سران خائن عشایر و فئودالها و تشویق آنان به مقاومت در مقابل جمهوری اسلامی و جلوگیری از استقرار کامل خط مردمی و خلقی امام خمینی و مخالفت با ارگانهای انقلابی و خواست‌های بحق توده‌های محروم و زحمتکش روستاها بازی کرد، با ایجاد هرج و مرج شایعه‌پراکنسی، بی‌حیثیت کردن نهادهای انقلابی و انواع و اقسام اقدامات ضدانقلابی چهره عرصه شهرها و چه در روستاها به قلب همه فعالیت‌های مثبت و موثری که بدون کوچکترین تردید در صورت ادامه قادر بود وحدت و انسجام صفوف خلق را بر علیه تجاوزگران و عوامل و عناصر گوناگون امپریالیسم امریکا استوارتر و پایدارتر نماید پرداختند، خرمن‌ها را به آتش کشیدند جهاد و سپاه و اعضای هیئت‌های هفت نفره را ترور کردند، زمین‌های کاشته شده روستائیان را تخریب نمودند به احتکار محصولات زراعی پرداختند و کمبودهای صنعتی ایجاد کردند. آنها از سویی با اعمال خرابکارانه خود وضع روستاها را متشنج جلوه‌گر ساختند و از طرف دیگر اقدام به شایعه‌پراکنی در رابطه با کاهش "فاحش" محصولات و "قحطی" نمودند. زمینداران بزرگ و فئودالها و دوستان لیبرال آنها با قیافه‌های حق به

جانب به مسئولین "اندرز" می‌دادند که "انجام اصلاحات ارضی در این شرایط به نفع انقلاب نمی‌باشد و جبهه داخلی را تضعیف خواهد کرد" آنان با اقدام همه‌جانبه به جلب حمایت روحانیون مرتجع مخالف خط امام پرداختند، دوستان خویش را در حاکمیت به فعالیت گسترده واداشتند و بر بستر تنگناهای موجود ناشی از جنگ فرصت‌طلبانه شروع به اعمال فشار نموده و بالاخره باعث توقف بند (ج) و (د) شدند. در تعلیق بند (ج) بنی‌صدر و دفتر او نقش فراوانی داشت. دفتر بنی‌صدر، فئودال‌ها خوانین و زمینداران بزرگ را متحد و متشکل ساخت و فعالیت آنها را علیه جمهوری اسلامی از جمله علیه بند (ج) و (د) هماهنگ کرد. بولتن کمیسیون کشاورزی دفتر هماهنگی با بی‌اعتبار کردن نهادهای انقلابی سپاه، جهاد، هیئت‌های هفت نفره با اقدامات مردمی این نهادها به مقابله برخاست در این بولتن مقالات متعددی در انتقاد از کاهش محصولات کشاورزی درج می‌شد که دلیل اصلی آن را اقدامات مردمی جهاد و هیئت‌های هفت نفره در روستاها که علیه زمینداران بزرگ، فئودالها و خوانین، توده‌های روستایی را رهبری می‌کردند قلمداد می‌شد. بولتن کمیسیون کشاورزی دفتر هماهنگی رئیس جمهور به این ترتیب آشکارا از منافع زمینداران بزرگ، فئودالها و خوانین دفاع می‌کرد.

به دنبال توقف بند (ج) و (د) دهقانان زحمتکش به گرد هیئت‌های هفت نفره متمرکز گردیدند و پیگیرانه برای اجرای بند ج و د به مبارزه برخاستند میلیون‌ها تن دهقان زحمتکش در سراسر ایران به اشکال مختلف برای اعتراض به تعلیق بند (ج) و (دال) به جنبش در آمدند صدها هزار طومار نوشته شد، هیئت‌های نمایندگی به "بیت امام"، وزارت کشاورزی، مجلس، نخست‌وزیری و... آمدند و خواست خود را با مسئولین در میان نهادند و نسبت به تعلیق بند (ج) و (د) زبان به اعتراض گشودند، درپاره‌ای مناطق مبارزه دهقانان با توطئه‌ها و اقدامات زمینداران بزرگ خوانین و فئودالها به مبارزه مسلحانه کشیده شد درچند مورد دهقانان خود به اجرای

بند (ج) و (د) پرداختند. جنبش دهقانی زیر شعار "بند ج و دال را هر چه سریعتر اجرا کنید" اوج و گسترش تازه‌ای یافت. حضور زمینداران بزرگ و فئودالها و ادامه نفوذ اقتصادی و سیاسی این پایگاه طبقاتی - اجتماعی ضدانقلاب در روستاها به هرج و مرج ناشی از توطئه‌های گوناگون این عوامل امریکا و ایجاد عدم امنیت تولید برای دهقانان زحمتکش دامن زد که از عوامل بسیار مهم نابسامانی وضع کشاورزی کشور و کاهش تولیدات زراعی بوده است. علاوه بر این توقف بند (ج) و (د) و مشخص نشدن وضع مالکیت زمین مانع بزرگی در راه تدوین هر طرحی برای توسعه کشاورزی بوده است. دولت را که در این زمینه دارای کاستی‌های چشمگیری است در تهیه یک برنامه جامع برای گسترش کشاورزی ناتوانتر ساخت.

علاوه بر آنچه که گفتیم حضور و نفوذ زمینداران بزرگ و فئودالها به نوبه خود یکی از عوامل ادامه‌ی ثباتی کشور بوده است. مروری کوتاه به دو سال و نیم گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و خوانین خائن، کارگران اصلی همه توطئه‌ها علیه انقلاب و عمده‌ترین تکیه‌گاه امپریالیسم امریکا بوده‌اند. اکنون برعهده مجلس و دولت است که با تصویب و اجرای اصلاحات ارضی دمکراتیک به خواست میلیون‌ها دهقان زحمتکش پاسخ مثبت دهند و با قطع نفوذ اقتصادی و سیاسی زمینداران بزرگ فئودالها و خوانین یکی از پایگاه‌های اصلی امپریالیسم جهانی را نابود سازند و در تلاشی ساختن جبهه براندازی گام استواری به پیش بردارند. برای برنداختن این گام دیگر هیچ عذر و بهانه‌ای وجود ندارد.



از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

ترور و آدم‌کشی شیوه مایوسانه آمریکا، با اتحاد مردم محکوم به شکست است

خاش - اخیرا تراکتی از طرف هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان ، با عنوان فوق در رابطه با ترور دو تن از کارکنان زحمتکش اداره بهداشت محیط این شهر ، منتشر گردید ، که در آن ضمن محکوم نمودن این تلاش مذبحانه سازمان به اصطلاح " وحدت بلوچ " ! به افشای سازمان مزبور پرداخته ، می‌نویسد : " این سازمان که توسط شاه‌دوستان ، خوانین ، قاجاق‌چیان عمده و مولوی‌های مرتجع شکل گرفته است . با ضدانقلابیون افغانی در پاکستان و ایران هماهنگی کامل دارند و در زمان دولت موقت با همراهی مزدوران افغانی ، چندین مأموریت برای حمله به مناطقی در افغانستان و نجات مسلمین !! داشته‌اند . که حاصل این " مجاهدتها " غارت اموال روستائیان زحمتکش افغان بوده‌است ، مجاهدت این مزدوران در ایران پس از انقلاب نیز غارت بازار ایرانشهر ، راهزنی در جاده‌ها ، حمله به خانه‌ها و غارت وسائل منازل مردم بوده است . " در پایان ضمن تسلیت به خانواده شهدای مذکور اعلام می‌دارند که : " در مقابل هوشیاری و اتحاد نیروهای انقلابی و مردمی و ارگان‌های انقلابی و با همکاری مردم تمامی تلاش‌ها و نقشه‌های این مزدوران و ارباب آنها امپریالیسم آمریکا ، نقش بر آب خواهد شد

پیوند میان مردم ایران و افغانستان برای مبارزه مشترک علیه امپریالیسم ، سیاستی منطبق بر مصالح انقلاب است

خمینی شهر - " ضایعه دلخراش هتک حرمت و قتل یک دختر بچه ۵ ساله توسط دو مهاجر افغانی بار دیگر ماهیت افغانی‌های مهاجر و سیاست غلط دولت جمهوری اسلامی ایران را در قبال آنها نشان داد ، بی‌شک این شایعه اولین مورد نبوده و با تداوم این سیاست آخرین آن نیز نخواهد بود .
نوشته فوق قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان در خمینی شهر است که در ادامه آن نیز چنین آمده : " ما از نهادهای انقلابی می‌خواهیم که عاملین این جنایت فجیع را هرچه زودتر به سزای اعمال ننگین‌شان برسانند . شکی نیست که جلوگیری از تکرار این اعمال در گرو اتخاذ یک سیاست اصولی از طرف مقامات مسئول در مقابل کلیه مهاجرین افغانی می‌باشد .
دولت موظف است با توجه به شرایط ویژه کشورمان و مشکلاتی که وجود افغانی‌ها ایجاد کرده است اقدام به انجام این موارد بنماید :
(۱) - مذاکره فوری و بدون قید و شرط با دولت افغانستان بر سر مسئله مهاجرین افغانی و دیگر مسائل فی‌مابین دو دولت .
(۲) - جلوگیری از ورود بی‌رویه مهاجرین افغانی ، منجمله مهاجرین مسلح !
(۳) - صدور کارت شناسایی برای کلیه مهاجرین و تلاش برای بازگرداندن آنها به میهنشان .

ضد انقلاب را افشاء کنیم-۱۵

بسیج عشایری را از ضد انقلابیون پاک کنید

در شماره‌های گذشته نشریه کار در مورد چگونگی نفوذ ضدانقلاب در بسیج عشایری و نیز حمایت بنی‌صدر رئیس جمهور معزول از این ضد انقلابیون مطالبی منتشر کردیم . پس از برکناری بنی‌صدر سران بسیج عشایری که حامی خود را از دست داده بودند به وحشت افتاده و به چاره‌جویی پرداختند . در تاریخ هشتم تیرماه ۶۰ امین‌بهرامی زمیندار بزرگ روستای " بی‌نهر " که از افراد فعال بسیج عشایری است و در عین حال با باند ضدانقلابی پالیزبان - بختیار نیز ارتباط دارد ، در جمعی اظهار داشت :

" اوضاع خراب است به ما اعلام کرده‌اند که باید بسیج را تحویل سپاه بدهیم اگر این کار صورت بگیرد بعدا همه ما تحت تعقیب قرار خواهیم گرفت . قرار است با سید نصیرالدین حیدری و دیگر سران بسیج جلسهای تشکیل داده و به دولت اعلام کنیم که فقط در صورتی که ارتش امنیت ما را در منطقه تضمین و تامین کند حاضر به قبول پیشنهاد دولت مبنی بر تحویل بسیج عشایری به سپاه پاسداران می‌باشیم " و در ادامه صحبتش اظهار داشت :

با وضعیتی که پیش آمده باید پایه فکر پناهنده شدن به ترکیه باشیم و یا مستقیما با دولت به جنگ بپردازیم
علاوه بر این شخص، سایر سران بسیج عشایری نیز در فکر چنین توطئه‌هایی هستند که باید با تعقیب و دستگیری و محاکمه آنان توطئه‌های امریکایی‌شان را هرچه زودتر خنثی کرد .

رهبران و فعالین اصلی بسیج عشایری غرب کشور

رهبران بسیج عشایری در منطقه سنجابی : فرخ (نماینده بنی‌صدر در بسیج عشایر غرب کشور) تورج ، و ایرج سنجابی
رهبران بسیج عشایر گوران و قلخانی : سید نصیرالدین حیدری ، سید حسن خاموشی که همراه با جلال حیدری و همایون فرخی از چهره‌های معروف حزب امریکایی رنجبران که با استفاده از موقعیت مذهبی سید نصرالدین حیدری توطئه‌های خود را به اجرا درمی‌آورند .
دو تن از فتوادل‌های ایل کلهر : خسروخان رضایی که از اعضای فعال جبهه ملی نیز می‌باشد . علی‌شاخان داوودیان . سرپرست بسیج عشایری منطقه روانسر و جوانرود :

محمد محمودی معروف به محمدکاکه عبدالله شاهبازی جوچی از سرسپردگان به رژیم منفور شاه در گذشته و در حال حاضر در بسیج عشایری منطقه روانسر و جوانرود به عنوان سرپرست مشغول به کار است .

گروهک آمریکایی رنجبران

عناصری از گروهک امریکایی رنجبران نیز در بسیج عشایری نفوذ دارند که به جز سید حسن خاموشی و سید جلال حیدری (پسر سید نصرالدین حیدری) اسامی بقیه عبارت از :
۱ - بهرام مهاجری از اعضای حزب امریکایی رنجبران است و بابت تکثیر عکس شیخ بقیه در صفحه ۱۱

پیشرفت انقلاب در گرو مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و تامین اساسی ترین خواسته‌های مردم است

زابل - هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان در رابطه با انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی با صدور اعلامیه‌های مردم را دعوت به شرکت همه‌جانبه و فعال در انتخابات نموده‌اند . در بخشی از اعلامیه ضمن افشاء نقش لیبرال‌ها و ماهیت سازشکارانه آنها و اینکه " همواره قلبشان برای آمریکا می‌تپد " ، حمایت از کاندیداهای ضد امپریالیست را به مثابه تضعیف موقعیت لیبرال‌ها در مجلس دانسته ، و به زمینه‌های عینی رشد ضدانقلاب پرداخته اظهار می‌دارند : " آنها برای دلسرد کردن مردم از انقلاب بسیار مایلند که موضع عملی جمهوری اسلامی نسبت به آزادی‌های سیاسی و نیازهای مبرم زحمتکشان شهر و ده در پرده ابهام بماند " سپس اضافه می‌کنند : اکنون جمهوری اسلامی باید با اجرای قانون اساسی ، تامین حقوق فردی و اجتماعی مردم و پاسخ‌گویی به نیازهای مبرم توده‌ها مردم را نسبت به سرنوشت انقلاب امیدوار نماید . در خاتمه حمایت خود را از آقایان دکتر احمد لطیفی و مولوی حامد دامنی برای نمایندگی زابل و خاش به دلیل داشتن مواضع ضد لیبرالی و پیروی از خط ضد امپریالیستی امام خمینی اعلام داشته‌اند

گیلان - به دنبال اعلام شرکت سازمان در راهپیمایی روز قدس شاخه گیلان سازمان طی اطلاعیه‌ای از مردم مبارز گیلان دعوت نمود که برای همبستگی با خلق فلسطین در راهپیمایی روز قدس شرکت کنند . عین اطلاعیه را در زیر می‌آوریم :

صهیونیسم بین‌المللی به پشتیبانی امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا سال‌هاست که خلق قهرمان فلسطین را از خانه و کاشانه خود آواره ساخته و دیگر خلق‌های منطقه را با اشغال نظامی ، حملات هوایی ، کشتار وحشیانه ، شکنجه و زندان و کمک به دولت‌های ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم منطقه مورد تجاوز قرار داده است . امروز که رژیم اشغالگر فلسطین با کمک امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی عربستان ، مصر و ... بر علیه خلق‌های فلسطین و لبنان و دولت‌های مترقی ایران ، سوریه ، لیبی و ... به جنایات وحشیانه‌ای دست می‌زند ، بر مردم انقلابی ایران ، که یکی از بزرگ‌ترین دستیاران صهیونیسم را سرنگون ساخته‌اند واجب است که با شرکت در راهپیمایی روز قدس ، همبستگی خود را با خلق فلسطین به نمایش بگذارند .

مازندران - فراخوان کمیته االتی سازمان در مازندران مبنی بر تهیه لباس برای هم میهنان جنگ زده با استقبال پرشور و بی‌نظیر رفقای زن استان مازندران روبرو گردید . رفقا در مدت کوتاهی سازماندهی لازم را به اجرا در آورده و با تقسیم مسئولیت‌ها دست به کار تهیه لباس شدند . حاصل تلاش شبانه‌روزی رفقای ما ۶۳۰ عدد بلوز بچه‌گانه ، ۱۷۵ عدد شلوار بچه‌گانه ۳۰ عدد دامن دخترانه و یک طاقه چادر زنانه بود که به بنیاد جنگ‌زدگان استان مازندران تحویل گردید . مابنه رفقای که بانی و مجری این اقدام مثبت بوده‌اند درود می‌فرستیم و برای همه هم میهنان مبارزی که به نوعی رزمندگان سلحشور جبهه‌ها را یاری می‌رسانند توفیق آرزو می‌کنیم .

اخبار شهرستان‌ها

راهزنی در جاده‌ها تاکنیک جدید خوانین و اشرار مسلح برای ایجاد ناامنی است

شیراز - مدتی است که بستن جاده‌ها به وسیله اشرار مسلح وابسته به خوانین و قتل و غارت مسافران به صورت یکی از شکردهای ضد انقلابیون درآمد است. هدف ضدانقلابیون از این اقدام جنایتکارانه علاوه بر سرقت اموال و نقدینگی مسافران، افزودن بر میزان و تبلیغ این مساله است که در مملکت امنیت وجود ندارد. یکی دیگر از اهداف ضدانقلابیون و اشرار مسلح، ایجاد زمینه درگیری میان پاسداران و نیروهای انتظامی با عشایر و اهالی بومی و بدبین کردن آنان نسبت به یکدیگر است. به عنوان نمونه، چندی پیش اشرار مسلح شیراز - کازرون را بستند و پس از مجروح نمودن عده‌ای از مسافران اموال آنان را به غارت بردند. به دنبال این اقدام پاسداران و مأموران ژاندارمری به محل آمدند و عده‌ای از عشایر و اهالی یکی از روستاها را که نقشی در این ماجرا نداشتند دستگیر کردند که این امر موجب بروز نارضایتی و تشنج در منطقه گردید. در اینجا ما ضمن ارائه چند گزارش از چپاولگری مزدوران در جاده‌ها، توجه مسئولان را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱ - برای مقابله با تاکتیک جدید خوانین و ضدانقلابیون باید نیروهای کارآموزده سپاه و بسیج و سایر نیروهای انقلابی را در مناطق تحت نفوذ اشرار (مانند فارس و بلوچستان) تقویت کرد و با اعزام اکیب‌های مجهز و مسلح‌گشتی، جاده‌ها و گردنه‌های مورد هجوم اشرار را زیر پوشش گرفت.

۲ - متأسفانه در بعضی از پاسگاه‌های ژاندارمری عوامل خوانین و اشرار نفوذ دارند. باید با تصفیه عناصر ضدانقلابی از ژاندارمری و گماردن افراد متعهد و مومن به انقلاب در پاسگاه‌ها و مناطقی که مورد تاخت و تاز مهاجمین است، مانع اقدامات خرابکارانه آنان گردید.

۳ - می‌توان با یاری گرفتن از عشایر شرافتمند و زحمتکش روستاهایی که در اطراف این‌گونه جاده‌ها زندگی می‌کنند، اشرار مسلح را شناسایی و دستگیر کرد. نباید عمل غارتگرانه و ضد انسانی عده‌ای مزدور را به حساب تمامی عشایر و زحمتکشان این مناطق گذاشت. ارتکاب چنین اشتباهی افتادن در دام ضدانقلابیون و از دست دادن نیروهای است که خود از این‌گونه اعمال ننگ دارند و دشمن اشرار مسلح‌اند.

سه گزارش از راهزنی در جاده‌ها

در حدود ساعت ۸ شب ۳ مردادماه ۶۰ جاده اردکان - شیراز در گردنه "شول" به وسیله ۵ نفر از ایادی مسلح "خسروخان قشقایی" بسته می‌شود. اشرار مسلح که بیش از دو ساعت جاده را در اختیار داشتند ۱۰۰ اتومبیل را متوقف می‌کنند و پس از به رگبار بستن تعدادی از

اتومبیل‌ها اموال مردم را غارت می‌نمایند. در تمام این مدت راهزنان مرتباً به اطراف تیراندازی کرده و با چوب و چماق مسافران را مذبذب نموده‌اند. متأسفانه ژاندارمری و پلیس راه - علیرغم تیراندازی شدید و ممتد مهاجمین - در محل حاضر نشدند.

در تاریخ ۳۱ تیر ماه ۶۰ گردنه "کامفیروز" واقع در غرب مرودشت به وسیله راهزنان مسلح مسدود می‌گردد و حدود ۴۰۰ هزار تومان از مسافری به سرقت می‌رود. ۲۰۰ هزار تومان از پول مسروقه مربوط به احداث منبع آب کامفیروز بوده که گویا راهزنان از حمل و نقل این پول خبر داشته‌اند. قابل توجه است که ضدانقلابیون مسلح هنگام لخت کردن مسافری به آنها گفته‌اند: "هی گفتید مرگ بر آمریکا، مرگ بر بنی‌صدر، حالا بچشید!"

ساعت ۴ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه ۶۰ نیز جاده شیراز - کازرون در "تنگ ابوالحیات" از طرف عوامل مزدور خوانین بسته می‌شود و اموال و اشیاء گران‌قیمت مسافری غارت می‌گردد. مسافری که به شدت وحشت زده شده بودند شدیداً مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. در این راهزنی که در روز روشن انجام می‌گیرد، غارتگران با فرصت کافی و بدون هراساز دخالت نیروهای انتظامی عملیات خود را انجام می‌دهند و متواری می‌شوند.

خواست‌های زحمتکشان

منطقه آهوران بلوچستان

نمایندگان مردم منطقه "آهوران" بلوچستان در نامه‌ای که برای دفتر امام و ارگان‌های انقلابی فرستاده‌اند خواهان تأمین امنیت مردم و عشایر زحمتکش و مقابله جدی با خوانین و اشرار در این منطقه شده‌اند. در این نامه که رونوشت آن برای "کار" نیز ارسال شده چنین آمده است:

"... ما انتظار داریم مقامات دولتی با برخورد انقلابی و قاطع به خواست‌های ما، حمایت خود را در عمل به مردم تحت ستم و مستضعف بلوچ آشکار نمایند و مشت محکمی بر دهان جیره‌خواران آمریکا در منطقه بکوبند. قسمتی از خواست‌های ما به شرح زیر است:

۱- با توجه به حضور خوانین و اشرار در منطقه و وجود کوه‌های صعب‌العبور که مکان مناسبی برای فرار این جنایان است، حفظ امنیت منطقه و جلوگیری از ایجاد درگیری و تشنج که به سود ضدانقلابیون می‌باشد، ضروری است. ما خواهان برقراری امنیت با مشارکت نمایندگان واقعی مردم، سپاه پاسداران و بسیج و سایر ارگان‌های انقلابی می‌باشیم.

۲- ما ضمن محکوم کردن توطئه تفرقه اندازی میان شیعه و سنی، به مردم مستضعف هشدار می‌دهیم که مجریان این طرح هدفی جز خدمت به آمریکا و تضعیف روحیه رزمندگان جبهه‌نشانند.

۳- ایجاد درمانگاه و مدرسه، لایروبی قنوت، مرمت جاده میهنه تا مه‌سنگ که حدود ۲۰ کیلومتر می‌باشد و می‌تواند کمک اقتصادی و رفاهی به اهالی رنج کشیده آهوران بنماید، تأسیس شرکت تعاونی و تأمین نیازهای اولیه مردم از جمله خواست‌های ما است که امیدواریم با روی کار آمدن دولت جدید، مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

اخبار کوتاه

در گرگان بعضی از مسئولان می‌کوشند با عمده کردن اختلافات فرعی، میان نیروهای انقلابی، اختلاف بیان‌دازند. ضدانقلابیون و تروریست‌ها با بمب‌اندازی و انفجار سعی در

تقویت این‌گونه جریان‌ها دارند. با توجه به حساسیت منطقه لازم است صفوف متحد انقلابیون فشرده‌تر شود تا نقشه‌های آمریکا نقش بر آب گردد.

به دنبال افشای خوانین و ضدانقلابیون کهگیلویه و بویر احمد از جانب هواداران سازمان، عوامل آنان می‌کوشند با بستن اتهامات واهی به هواداران سازمان، ما را از ادامه فعالیت انقلابی خود بازدارند. متأسفانه چندی پیش یکی از رفقای ما دستگیر و وسائل منزلش توقیف گردید. ما توجه دادگاه انقلاب اسلامی یاسوج را نسبت به توطئه‌های ضدانقلابیون که می‌خواهند میان صفوف هواداران انقلاب و جمهوری اسلامی فاصله اندازند، جلب می‌کنیم.

هیأت هفت نفره واگذاری زمین در خمین ۸۰ هکتار از زمین‌های موات جاده گلپایگان را با ۸۰۰ هزار تومان وام در اختیار عده‌ای از کارگران ساختمانی قرار داده‌است. این گونه اقدامات چنانچه با پیگیری و سازمان دادن مهاجرین زحمتکش همراه باشد، می‌تواند مفید واقع شود و در مناطق دیگر نیز به اجرا درآید.

ضد انقلاب

بقیه از صفحه ۱۰

نصرالدین حیدری توسط حزب رنجبران ۱۰ هزار تومان پرداخت کرده است.

۲- فردی به نام سیاوش که کردستانی است و در منطقه قلخانی فعالیت می‌کند. از بسیج نیز سلاح دریافت کرده است.

۳- شهریار که او نیز کردستانی می‌باشد.

۴- اورانوس مهاجری.

۵- همایون فرخی یکی از مسئولین پایگاه بسیج.

۶- سوسن فرخی (خواهر همایون فرخی)

۷- فرهاد حیدری.

۸- سیروس مهاجری.

افراد باند ضد انقلابی

پالیزبان بختیار در بسیج عشایری

۱- عزیزمراد محمدی اهل تختگاه گوران وی و ۵ نفر از ضدانقلابیون که جزء باند پالیزبان - بختیار می‌باشند اسلحه از بسیج دریافت کرده‌اند.

۲- احمد معروف به اخل از طایفه موالی است و یکی از دوستان سیدهمایون فرخی می‌باشد.

۳- عزیز اهل بیامه

۴- حسین یوسفی ساکن بانزلاهی سفلی.

۵- یارمراد صفری ساکن کامران تازه‌آباد.

۶- کریم عزیززی.

۷- حسین فتاحی و اله‌مراد محمد و محمد عزیززی که هر سه ساکن بان‌سولاب شیرزاد می‌باشند.

۸- صیغور مریدی ساکن کامران یائین.

۹- شیب ساکن روستای ویسعلی.

طبق اخبار رسیده پس از عزل بنی‌صدر و تحت تعقیب قرار گرفتن فرخ سنجایی، وی در خانه شخصی به نام احمد اسدی که از ثروتمندان مشهد می‌باشد، مخفی شده است فرخ سنجایی تصمیم دارد که به خارج از کشور فرار کند.

همچنین در منزل سیدحسن خاموشی مشاور سیدنصرالدین حیدری افرادی چون خسرو سلیمی، رشید سلیمی اهل کلهر و گورگاه، جهانبخش اکبری، ایرج سنجایی، رضاخان و سلیمان خان بهرامی نماینده سیدنصرالدین در بسیج عشایری جلسات توطئه‌آمیزی علیه انقلاب تشکیل می‌دهند.



اعتصاب کارکنان کنترل ترافیک هوایی آمریکا

علیرغم تهدیدات ریگان و سایر مقامات آمریکائی مبنی بر اخراج کارکنان اعتصابی کنترل ترافیک هوایی آمریکا ، اعتصابیون تصمیم گرفتند که به اعتصاب خود متحدا ادامه دهند . یکی از رهبران اتحادیه کارکنان ترافیک هوایی آمریکا اعلام کرد که موضع آنها تغییر نکرده و بر خواست‌های خود مبنی بر افزایش دستمزدها همچنان پای می‌فشارند .

اتحادیه کارکنان کنترل هوایی آمریکا ۱۷ هزار عضو دارد که ۱۳ هزار تن از آنان دست به اعتصاب زده‌اند . در حال حاضر ۴ هزار نفری که اعتصاب نکرده‌اند به همراه ۴ هزار تن دیگر برج‌های ترافیک را کنترل می‌کنند .

اعتصاب اخیر باعث شد که بیش از نیمی از پروازهای روزانه در فرودگاه‌های آمریکا دچار اشکال شود . همچنین یکی از مقامات رسمی اظهار داشته است که در نتیجه اعتصاب‌ها روزانه ۸۰ میلیون دلار ضرر متوجه شرکت هواپیمائی می‌شود .

از سوی دیگر در پی اعلام اخراج کارکنان اعتصابی کنترل ترافیک هوایی آمریکا همکاران اروپائی آنان ضمن اعلام پشتیبانی خود بی‌توجهی مقامات مسئول آمریکائی نسبت به خواست‌های اعتصابیون و نیز اخراج آنان را شدیداً محکوم کردند .

انعقاد موافقتنامه همکاری اقتصادی

میان ویتنام و شوروی

میان اتحاد شوروی و ویتنام موافقتنامه‌ای در مورد مبادله کالا در سال‌های ۸۵-۱۹۸۱ به امضا رسید . در موافقتنامه شوروی و ویتنام در نظر گرفته شده است که میزان تحویل متقابل کالا نسبت به ۵ سال گذشته افزایش یابد .

به موجب این موافقتنامه میزان تحویل مواد نفتی ، معدنی ، فلزات نو شده ، اتومبیل و کالاهای دیگر از شوروی به ویتنام افزایش خواهد یافت و در مقابل، ویتنام نیز صدور چوب و الوار ، چای ، میوه و برخی از اجناس دیگر را به شوروی توسعه خواهد داد .

همکاری‌های میان شوروی و ویتنام به حدود روابط بازرگانی خارجی محدود نمی‌شود . هم‌اکنون مقدمات انعقاد یک رشته موافقتنامه میان دولت‌های دو کشور فراهم شده که به موجب آن کمک رسانی شوروی به ویتنام در زمینه صنایع کشاورزی ، و ایجاد صنایع برق و تقویت اقتصاد ملی در نظر گرفته شده است .

همکاری اقتصادی ویتنام و شوروی ۲۶ سال پیش آغاز گردید و طی این مدت در ویتنام با همکاری شوروی حدود ۲۰۰ واحد مختلف اقتصاد ملی بازسازی یا احداث شده است . این واحدها

استخوان بندی صنایع و تمامی اقتصاد ویتنام را تشکیل می‌دهند .

در حال حاضر نسبت به مساله باز سازی واحدهائی که در دوران تجاوز چین به ویتنام ویران شده‌اند و نیز نسبت به مساله به پایان رسانیدن احداث واحدهائی که چین با قطع کمک‌های اقتصادی و فنی احداث آنها را دچار اختلال نموده بود ، توجه ویژه‌ای مبذول می‌شود . همچنین در ژوئن سال جاری در مسکو موافقتنامه‌ای در باره تجسس و اکتشاف معادن و بهره‌برداری از منابع غنی نفت و گاز در بخش جنوبی جمهوری سوسیالیستی ویتنام به امضاء رسید و بدین ترتیب راه ایجاد صنایع ملی نفت و گاز در ویتنام که در گذشته اصلاً وجود نداشت باز شد .

رهبران ویتنام برای این اعتقادند که استفاده از این کمک‌ها انجام تحولات سوسیالیستی را سریع‌تر می‌کند و باعث تقویت استقلال اقتصادی کشور می‌شود و اثرات سوء تجاوزات آمریکا و چین را خنثی می‌سازد .

جنگ میکربی آمریکا علیه کوبا

فیدل کاسترو رهبر کوبا اعلام کرد که آمریکا علیه این کشور دست به یک جنگ میکربی زده که باعث شیوع نوعی تب در این کشور شده است . او گفت تا کنون ۱۱۳ نفر به هلاکت رسیده‌اند و بیش از ۲۷۳۴۰۰ نفر از مردم کوبا دچار این بیماری شده‌اند .

این نخستین بار نیست که امپریالیسم جنایتکار آمریکا از سلاح‌های میکربی علیه کوبای سوسیالیستی استفاده می‌کند ، طی دو سال اخیر آمریکا نوعی میکرب را شیوع داده است که محصولات نیشکر و توتون را مورد تهدید قرار داده و دام‌های خوک و گاو را به هلاکت رسانیده است . آمریکا از این سلاح‌های میکربی نه فقط برای مختل ساختن اقتصاد کوبا ، بلکه برای انجام آزمایش‌های ضدبشری خود در خاک کوبا نیز بهره می‌جوید . امپریالیسم آمریکا قبلاً در ویتنام قهرمان ۱۰۰ هزار تن مواد سمی مختلف فرو ریخت که باعث گردید عده زیادی کشته و یا به بیماری‌های درمان ناپذیر دچار شوند .

در حال حاضر امپریالیسم آمریکا از سلاح‌های شیمیائی و میکربی خود در السالوادور و افغانستان استفاده می‌کند . به عنوان مثال ضدانقلابیون افغانی از جانب آمریکا به نارنجک‌های محتوی گاز فلج کننده اعصاب مجهز شده‌اند و از قرص‌های سمی برای مسموم کردن آب‌های آشامیدنی استفاده می‌کنند .

چندی پیش کنگره آمریکا مبلغ ۲۰ میلیون دلار به تولید سلاح‌های شیمیائی و میکربی اختصاص داد و اخیراً نیز روزنامه لوس آنجلس تایمز گزارش کرده است آمریکا در نظر دارد در آینده نزدیک بیش از ۱۰ میلیارد دلار به این امر اختصاص دهد .

ضد انقلابیون افغانی در ایران

هم تو طئه می‌کنند

یکی از مجلات چاپ کویت طی مقاله‌ای گوشه‌ای دیگر از ماهیت باندهای ضد انقلابی افغانی را برملا ساخت . این مجله می‌نویسد که "اطلاعات بدست آمده از رهبر یکی از سازمان‌های ضد انقلابی افغانی به نام "حرکت اسلامی

افغانستان " که در ایران فعالیت می‌کند نشان می‌دهد که این شخص که شیخ محمد محسن نام دارد طرفدار پروپاقرص رژیم شاه جنایتکار بوده و با آمریکا ارتباط نزدیک داشته و دارد .

همچنین به گزارش روزنامه چاپ هند ، در حدود ۵۰ باند ضدانقلابی افغانی در ایران فعالیت می‌کنند که این باندها علاوه بر سازمان دادن عملیات تخریبی علیه افغانستان در ایران نیز آشوب می‌کنند . به عنوان مثال " جمعیت اسلامی افغانستان " تحت رهنمودهای " سیا " با محافل ضدانقلابی ، ماء‌موران ساواک و سلطنت طلبان ارتباط نزدیک دارد و در نظر دارد در ایران دست به عملیات تخریبی و انفجاری بزنند .

تجاوزات نژاد پرستان

آفریقای جنوبی به آنگولا

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی دامنه تجاوزات خود علیه آنگولا را گسترش می‌دهد . به گزارش خبرگزاری‌ها ، اخیراً فرمانده نیروهای مسلح آفریقای جنوبی اذعان کرده است که این نیروها هر روزه تحت پوشش تعقیب انقلابیون نامیبیائی به خاک آنگولا تجاوز می‌کنند .

سربازان آفریقای جنوبی در آنگولا ساکنان بی‌دفاع را قتل عام می‌کنند . خانه‌ها و جاده‌ها را ویران می‌سازند و مزارع را نابود می‌کنند . لازم به تذکر است که اعمال جنایتکاران آفریقای جنوبی در مورد آنگولا پس از روی کار آمدن دولت ریگان در آمریکا شدت بیشتری یافته است .

اخبار کوتاه

- صدها لبنانی در اعتراض به حمایت آمریکا از اسرائیل در مقابل سفارت این کشور در لبنان دست به تظاهرات زدند .
- سادات اعلام کرد مصر و سودان ، تاءسیسات مورد نیاز آمریکا را در اختیار این کشور قرار خواهند داد .
- سادات برای مذاکره با ریگان به آمریکاسفر کرد .
- درمسکو اعلام شد ظرف پنج سال اخیر ۱۳۰ هزار نفر از کارگران این شهر بر اثر مدرنیزه کردن کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی از کارهای سخت دستی معاف شده‌اند .
- تظاهرات جوانان آلمان غربی در مخالفت با احداث یک کارخانه اتسی مورد هجوم وحشیانه پلیس فاشیست این کشور قرار گرفت .
- در درگیری‌های میان پلیس انگلستان و جوانان این کشور ده‌ها نفر مجروح شدند .
- آمریکا تصمیم گرفت ۹۰۰ میلیون دلار از کمک‌های نظامی خود به رژیم وابسته سادات را به عنوان هدیه به این رژیم ببخشد .
- درشرایطی که بیکاری ، فقر و بحران جامعه انگلستان را فرا گرفته است و در شرایطی که اعتصابات و تظاهرات پایه‌های نظام سرمایه‌داری در انگلستان را به لرزه انداخته است ، ولیعهد انگلستان با خرج پول مردم انگلستان ضیافت عروسی چندین میلیونی برگزار کرد !
- نهمین مبارز ایرلندی در زندان درگذشت .

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

تجاوز خسرو اهان جنسگت است ، مسار در راه صلح عادلانه بیسگاری نمی کشیم

راه اصلی دفع تجاوز و استقرار صلح عادلانه ، بیسگاری مقاومت در جبهه‌های جنوب و غرب میهن است . لیکن استقبال از مذاکرات صلح و استقبال از هیئت میانجی کشورهای غیر متعهد قطعاً می‌تواند در استقرار صلح و افسای تجاوزگر موثر باشد .

عامل اصلی هر جنگی که در جهان رخ می‌دهد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است . امپریالیسم امریکا ، رژیم‌های نژادپرست متحد آن از قبیل رژیم صهیونیستی و رژیم آفریقای جنوبی و رژیم‌های مرتجع دست‌نشانده جهان جملگی دشمن صلح جهانی ، دشمن رفاه و تعالی زحمتکشان و خواستار جنگند . آنها با ارائه سیاست‌های

حبیب‌شطی و هیئت میانجی طائف و تبلیغات منفی او علیه هیئت غیرمتعهدها خود بهترین گواه این مدعا است . بنی‌صدر زندانه می‌کوشید خود را صلح‌طلب و نیروهای خط امام را جنگ‌طلب معرفی کند و این ایده را توسط برخی از نمایندگان هیئت میانجی طائف از جمله حبیب شطی به پیش می‌برد ، در حالی که قطعاً نمی‌توانست از هیئت غیرمتعهدها جهت تضعیف نیروهای خط امام استفاده کند .

برخورد حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز با هیئت غیرمتعهدها نشان داد که مقامات جمهوری با برداشتی مثبت به این هیئت می‌نگرند با این همه ما نه در سخنان رئیس‌جمهور و نه در سخنان سایر مقامات جمهوری ، مطالبی را که بقدر کافی مواضع صریح و روشن جمهوری اسلامی را در قبال صلح و استقبال از مذاکرات بیشتر نشان دهد مشاهده نکردیم . مقامات حکومت جمهوری اسلامی ایران به حق و به درستی تاکید داشتند که سرنوشت جنگ در میدان‌های مقاومت جنوب و غرب میهن تعیین می‌شود ، لیکن تلقی ما این است که برخی مقامات جمهوری اسلامی از تاکید بر این واقعیت مسلم و درست نتیجه‌گیری نادرستی می‌کنند و عملاً اهمیت مذاکرات صلح و نقش هیئت میانجی کشورهای غیرمتعهد را در افسای چهره تجاوزگر - معرفی چهره واقعی جمهوری اسلامی و دفع تجاوز کم‌بها می‌کنند .

ما همان گونه که در گذشته نیز تاکید داشته‌ایم ، معتقدیم همچنان که پیکار عادلانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و همه نیروهای انقلابی میهن علیه تجاوزگران به مثابه راه اصلی دفع تجاوز و استقرار صلح ادامه دارد ، مذاکرات صلح و فعالیت هیئت میانجی صلح دول غیر متعهد می‌تواند نقشی سازنده و مثبت در دفع تجاوز و استقرار صلح ایفا نماید . این مذاکرات در تحکیم روابط جمهوری اسلامی ایران با دول مرفقی جهان و افسای رژیم‌های مرتجع منطقه و معرفی چهره تجاوزگران بدون تردید نقشی به‌سزا خواهد داشت .

تلاش کافی مبذول ندارد ، بیم آن می‌رود که تبلیغات رژیم صدام ، رژیم‌های دست - نشانده منطقه و حامیان امپریالیست آنها در توده‌های مردم ایران ، منطقه و جهان موثر افتد که عواقب چنین تأثیراتی بر انقلاب ما و بر مبارزات همه مردم منطقه بسی زیان‌بار خواهد بود .

از همین رو است که دولت جمهوری اسلامی ایران باید با استقبال از هیئت میانجی صلح دول غیر متعهد جهان و با استقبال از مذاکره صلح ، فریاد صلح‌خواهان مردم ایران را به گوش جهانیان برساند ماهیت صلح‌طلبانه جمهوری اسلامی و ماهیت تجاوزگرانه رژیم صدام و حامیان آن را بیش از پیش برملا سازد و از حسن نیت هیئت مذکور ، در جهت دفع تجاوز و استقرار صلح استفاده کند . به اعتقاد ما هیئت میانجی کشورهای غیرمتعهد که وزیر خارجه کوبا سخنگوی آن است می‌تواند در پیشبرد صلح عادلانه ، صلحی در جهت منافع خلق‌های ایران و عراق موثر باشد .

هنگام ریاست جمهوری بنی‌صدر به طرق مختلف در کار این هیئت کارشکنی می‌شد بنی‌صدر و یاران او طالب آن بودند که هیئت میانجی طائف که ترکیب آن را بیشتر نمایندگان و سران دولتهای دست‌نشانده تشکیل می‌دادند ابتکار میانجی‌گری را به دست گیرد آن هیئت می‌خواست صلح راه‌گونه‌ای پیش برد که در جهت تضعیف رژیم جمهوری اسلامی و تقویت "میانه‌رو" های ایران باشد . مصاحبه " حبیب شطی " از اعضای هیئت مذکور که دولت جمهوری اسلامی را تلویحاً جنگ‌طلب خوانده بود و همچنین حمایت صریح و آشکار بنی‌صدر از

ساز چنان حماسه‌های پسر شکوهی آفرید که سالیان سال می‌تواند الهام‌بخش همه مبارزان راه استقلال و آزادی در سراسر جهان باشد . خلق ما به تجاوزگرانی که می‌پنداشتند ظرف چند هفته کلک انقلاب و جمهوری اسلامی را می‌کنند درسی آموزنده و عبرت‌انگیز داد . دشت‌های خوزستان کوهها و دره‌های غرب میهن همه جا به گورستان متجاوزین بدل گشت و طرح بیشرمانه امپریالیسم امریکا و رژیم‌های مرتجع و دست‌نشانده منطقه مفتضحانه با شکست روبرو گشت . در اثر مقاومت و هوشیاری مردم ما ، نه این جنگ توانست انقلاب ما را به شکست کشاند و نه روابط برادرانه خلق‌های ایران و عراق را دچار سستی کند . نتیجه پیکاری عادلانه و دلاورانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و مردم قهرمان ایران آن شد که این جنگ چهره مرتجع و ضدانقلابی رژیم صدام و حامیان رسوای آن را بیشتر افشاء سارد و مردم عراق را از ماهیت تجاوزگرانه رژیم صدام آگاه گرداند .

اینک رژیم تجاوزگر صدام و حامیان مرتجع آن که نقشه‌های شوم خود را نقش بر آب می‌بینند برای پوشاندن چهره تجاوزگر خود از صلح‌خواهی دم می‌زنند و ماهها است می‌کوشند خود را طرفدار صلح و رژیم جمهوری اسلامی را جنگ‌طلب معرفی نمایند . هرگاه با این تبلیغات مقابله حدی نشود ، هرگاه حکومت جمهوری اسلامی ایران به قدر کافی در بی‌اثر کردن این تهاجمات تبلیغاتی و افسای چهره تجاوزگر و جنگ‌طلب رژیم صدام و حامیان آن از یک سو و معرفی چهره صلح‌خواه انقلاب ایران از سوی دیگر

جنگی که اینک نزدیک به یک سال و در جبهه‌های به طول هزار کیلومتر در جریان است نیز باید از همین زاویه نگریست .

مردم ما و طبعا حکومت جمهوری اسلامی که محصول انقلاب توده‌های محروم است خواهان جنگ نبودند . ما که طی یک دوره طولانی پیکار علیه امپریالیسم امریکا و دیکتاتوری دست‌نشانده آن با انقلاب بهمن نخستین گام اساسی در راه ساختن ایرانی آزاد و آباد را برداشته بودیم خواهان آن بودیم و هستیم در محیطی به دور از جنگ و تشنج ، ایران فردا را بسازیم و دستاوردهای انقلاب بهمن را در خدمت تحکیم استقلال میهن و تقویت دول مرفقی و جنبش‌های آزادیبخش جهان قرار دهیم .

اما امپریالیسم امریکا و دول مرتجع منطقه از جمله صدام از آغاز انقلاب بهمن و حتی پیش از آن در تدارک شکست انقلاب برآمدند . پس از انقلاب ، عراق به مهمترین کانون تجمع سلطنت‌طلبان و ضدانقلابیون فراری بدل شد . رژیم عراق از هر مخالف حکومت جمهوری اسلامی به حمایت برخاست و سرانجام پس از مدتها تجاوزات پراکنده مرزی با حمایت امپریالیسم امریکا و سرسپرده‌ترین رژیم‌های دست‌نشانده آن از جمله عربستان سعودی و اردن ، تهاجم علیه میهن انقلابی ما را آغاز کرد . در چنین شرایطی دولت جمهوری اسلامی و دیگر نیروهای ضد امپریالیست ایران فقط یک راه داشتند: مقاومت ، مقاومت تا پای جان و دفاع از میهن انقلابی که مورد تهاجم بیشرمانه قرار گرفته بود با جنگ و دندان .

خلق ما در این پیکار عادلانه و مقاومت سرنوشت -

میلتاریستی ، ایجاد پیمانهای تجاوزکارانه نظامی ، و ایجاد ارتش‌های مزدور تا به دندان مسلخ تلاش دارند همچنان به سلطه جنایت‌بار خود ، به ستم و استثمار خلق‌های جهان ادامه دهند . و دولتها و جنبش‌های آزادیبخش جهان را که برای استقلال و آزادی خود ، برای رهایی از ستم و استثمار مبارزه می‌کنند ، سرکوب نمایند .

ریشه همه جنگ و کانونهای تشنجی که هم‌اکنون در جهان شاهد آنیم ، همین ماهیت تجاوزکارانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و رژیم متحد آن است خلق‌های جهان دیگر نمی‌خواهند ستم و استثمار جهانخواران را تحمل کنند و بندها را یکی پس از دیگری از هم می‌گسلند لیکن امپریالیست‌ها و مرتجعین متحد آن همچنان می‌خواهند به سلطه جنایت‌بار خود ادامه دهند و این ریشه جنگ‌ها و تشنج‌هایی است که در جهان امروز پدید می‌آید مردم جهان ، دول مرفقی و ضد امپریالیست جهان می‌خواهند در صلح و صفا زندگی کنند و در صلح و صفا پایه‌های سعادت و رفاه هر چه بیشتر خود و نسل‌های آینده را پی‌ریزند . لیکن امپریالیست‌ها و متحدان آن در سعادت و رفاه انسان در ناپودی ستم و استثمار ، مرگ خود را می‌بینند و از همین رو برای مقابله با اراده بشریت ترقی‌خواه امروز جنگ را بر می‌گزینند و دول ترقی‌خواه جهان ، جنبش‌های آزادیبخش و خلق‌های زحمتکش جهان نیز ناچار به دفاع می‌پردازند و با آرمان صلح و ترقی بشریت و ناپودی ریشه جنگ‌ها ، به جنگ آزادیبخش دست می‌زنند . به جنگ ایران و عراق .

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

بیمبخت گام برداد، سالروز انقلاب سحر و طرب

برای شکست ناپذیر ساختن انقلاب، باید قدرت اقتصادی طبقات ارتجاعی را درهم شکست

در پی تشدید فشار روز افزون امپریالیسم بر کشورهای زیر سلطه در اوایل قرن بیستم که با افزایش فقر، گرسنگی و تیره‌روزی، غارت و استثمار وحشیانه ملل محروم کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره همراه بود، به تدریج جنب و جوش‌های وسیعی در این کشورها آغاز شد. خیزش‌های انقلابی در کشورهای "عقب مانده" به دنبال انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در گرفت، امواج نیرومند انقلاب از روسیه گذشت و یک رشته کشورهای آسیایی نظیر ایران، چین، ترکیه و هندوستان را در خود فرو برد. ملل محروم که سال‌ها در بند استعمار و ستم دولت‌های بزرگ استعمارگر گرفتار آمده بودند، از خواب گران برخاستند و برای رهائی از یوغ استعمار و امپریالیسم پای در عرصه کارزار نهادند. عطر دل‌انگیز انقلاب در فضای پهناور و خواب‌آلود قاره آسیا پراکنده گشت. انقلاب مشروطیت ایران از زمره این انقلابات بود. خلق ایران پیش‌تاز بیداری آسیا گشت و پیشاپیش ملل محروم آن پرچم انقلاب را برافراشت. ایوانف می‌نویسد: "از تمام انقلابات اوایل قرن بیستم در مشرق، سیمای بورژوا - دموکراتیک انقلاب ایران برجسته‌تر و آشکارتر تجلی کرده است." در جریان انقلاب مشروطیت مردم بسیاری جان باختند و نام قهرمانانی همچون حیدرعمو اوغلی، ستارخان، باقرخان و... بر سر لوحه تاریخ پرافتخار مبارزات مردم ایران، به ثبت رسید. این انقلاب هرچند بر اثر خیانت بورژوازی لیبرال و سازش آن با اشرافیت فئودال و امپریالیسم انگلیس ناکام ماند، اما ضربات سنگینی بر پیکر سلطنت مطلقه وارد آورده و موجب بیداری توده‌ها گردید. انقلاب بهمن که در دورانی صورت گرفته که در آن زحمتکشان جهان، سنگرهای ارتجاع را پیروزمندانگی پس از دیگری از چنگش بیرون می‌کشند، وظایف انجام نشده انقلاب مشروطیت یعنی کسب استقلال و آزادی را برعهده گرفته و هم اکنون آن را با موفقیت به پیش می‌برد. با توجه به حساسیت کنونی انقلاب ایران در سالروز انقلاب مشروطیت به بررسی جنبه‌هایی از این انقلاب که امروز گذشت زمان صحت آموزش‌های آن را به اثبات رسانده است می‌پردازیم تا در پرتو آگاهی از این تجارب، در پیشبرد انقلاب کنونی مان هوشیارتر و کوشا تر باشیم.

متمم قانون اساسی می‌کوشید که فعالیت انجمن‌های انقلابی را که توسط مردم به وجود آمده بود ابتدا محدود و آن‌گاه سرکوب کند.

چنین مجلسی، علیرغم این‌که دموکراتیک‌ترین مجلس تاریخ ایران تا قبل از تشکیل مجلس شورای اسلامی نیز بود، نمی‌توانست به خواست اساسی مردم یعنی استقلال و آزادی که توده‌های وسیع خلق به خاطر آن به پا خاسته بودند، پاسخ گوید زیرا جناح لیبرال می‌کوشید مجلس را به ارگانی جهت متوقف ساختن انقلاب بدل سازد.

از این رو پس از تصویب متمم قانون اساسی، صف آرائی جدیدی پدید آمده و مرحله نخست انقلاب پایان یافت. توده‌های اصلی مردم یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و بازرگانان کوچک و روحانیون مردمی همچنان می‌کوشیدند تا انقلاب بورژوا - دموکراتیک، ملی و آزادی‌بخش را ادامه داده و استقلال و آزادی را فراچنگ آورند. اما ملاکین، بورژوازی بزرگ و قشر بالای روحانیون به تدریج از انقلاب روی گردان شده و به مسیر مبارزه با دموکراسی و سازش با ارتجاع گام گذاشتند.

در سال ۱۲۸۶، محمد علی شاه، برای انجام یک کودتای ارتجاعی دست به کار شد و بعدها که مردم از چگونگی توطئه کودتا اطلاع بیشتری یافتند، دانستند که شاه برای انجام توطئه خود از همکاری لیبرال‌ها سود جسته است. این کودتا بر اثر مقاومت مردم و دسته‌های مسلح فدائیان در هم شکست و با وجود آن‌که زمینه قطعی سقوط شاه قاجار فراهم آمد اما، مردم نتوانستند به ماهیت جنایتکار لیبرال‌ها پی ببرند. لذا، مجلس علیرغم اعتراض برخی نمایندگان انقلابی آن، با شاه سازش کرده و او را از سقوط قطعی نجات داد. به تدریج، آشکار شد که جناح لیبرال مایل به براندازی اشرافیت فئودالی نیست. از آن پس مرکز مبارزه بیش‌از پیش به بیرون از مجلس

روشن است که در چنین شرایطی توده‌های مردم در بی حقوقی کامل و تمام عیار به سر می‌بردند. دهقانان، اقشار زحمتکش شهری و طبقه کارگر کم‌عده و نامتشکل ایران زیر شدیدترین فشارها قرار داشته و از حق کوچک‌ترین اعتراضی محروم بودند. مناسبات عقب مانده فئودالی همراه با ستم و استثمار امپریالیستی بر دوش توده‌های خلق سنگینی کرده و موجبی شده بود برای این که نارضایتی آنان به حد قابل انفجاری برسد.

در چنین شرایطی انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه، مردم ایران را نیز متأثر ساخت و انقلاب مشروطیت آغاز شد. خواسته‌های توده مردم که هرچه انقلاب بیشتر پیش می‌رفت، صراحت بیشتری می‌یافت در اساس بر ضد سلطه خارجی و انجام اصلاحات دموکراتیک متمرکز بود. اما بورژوازی بزرگ، ملاکین لیبرال و روحانیون مدافع آنان که از همان ابتدا رهبری انقلاب را در دست داشتند، سودای دیگری در سر می‌پروراندند. ملاکین، بورژوازی بزرگ و روحانیون مدافع آنان برخلاف توده مردم، تنها خواهان به رسمیت شناخته شدن حقوق بورژوازی و پایان دادن به سلطنت مطلقه در جامعه بودند. و نتیجتاً پس از آن‌که قانون اساسی و خصوصاً متمم آن که تا حدودی این حقوق را به رسمیت می‌شناخت به تصویب رسید، تدریجاً از انقلاب روی برتافتند. لیبرال‌ها معتقد بودند پس از تصویب متمم قانون اساسی خواسته‌های عمده انقلاب تحقق یافته و از آن پس اصلاحات باید فقط از طریق مجلس شورای ملی به پیش برده شود.

تشکیل مجلس و تدوین قانون اساسی یک پیروزی برای مردم و عقب نشینی جدی ارتجاع به حساب می‌آمد، اما از این عقب نشینی تنها جناح لیبرال نهضت استفاده کرده و کوشش نمود تا توده‌های مردم را از شرکت در سرنوشت خویش منع کند. در مجلس، جناح لیبرال تفوق داشت و این جناح به ویژه پس از تصویب

با سرمایه خارجی نبودند، به سوی "زمین کانا لیزه" کرده و رفته رفته قشر جدیدی از سرمایه‌داران به وجود آمدند که یک پایشان بر "زمین" چسبیده بود در حالی که پای دیگرشان در بازارهای شهر راه می‌رفت. این قشر جدید، ملاکین لیبرال بودند.

شرایط فوق، نارضایتی بورژوازی تازه پای ایران را فراهم آورد و آن‌ها را به عصیان علیه استبداد ستمگر قاجاری کشاند. روحانیون مدافع این نیروی اجتماعی که علاوه بر محدودیت‌های فوق از برخی اصلاحات ظاهری دربار قاجار و نفوذ فرهنگ و تمدن غرب نگران بودند، نیز در صف مخالفین استبداد قرار گرفتند.

و دخالت روز افزون سرمایه‌های خارجی در حیات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی ایران موانع فراوانی در راه رشد و تکامل مستقل جامعه فراهم می‌آورد. طبقه نوپای بورژوازی ایران را از حقوق مورد علاقه خود محروم می‌ساخت. وجود سرمایه خارجی، روابط فئودالی، محدودیت بازار داخلی، حکومت مطلقه استبدادی و... مانع پیشرفت صنایع ملی بود. بسیاری از کارخانجات و کارگاه‌های موجود در ایران مجبور به تعطیل شده و یا صدمات زیادی را تحمل می‌کردند. بورژوازی تجاری یعنی تجار و بازرگانان به شدت تحت فشار بودند. ادامه این وضع، سرمایه‌های ایرانی را که قادر به رقابت

در آستانه انقلاب مشروطیت، ایران به یک کشور عقب مانده و نیمه مستعمره بدل شده بود. بر جامعه ما نظام پوسیده و کهنه فئودالیسم حاکم بود و اشرافیت فئودالی از طرق مختلف شیره جان مردم را می‌مکید. دربار قاجار که برجسته‌ترین نماینده این اشرافیت ستمگر به شمار می‌آمد برای حفظ حکومت رو بزوال خویش، بیش از پیش به دامان دولت‌های انگلستان و روسیه تزاری فرو می‌رفت و این دول استعمارگر در قبال حمایت از خاندان قاجاریه منابع و ثروت‌های ملی میهن ما را به غارت برده و با تحمیل قراردادهای اسارت‌بار، کشور ما را بیش از گذشته به سوی فلاکت و عقب ماندگی می‌راندند. نفوذ

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

برای شکست ناپذیر ساختن

انقلاب...

بقیه از صفحه ۱۴

پراکندگی که در صفوف مردم پدید آمده بود و همچنین خیانت و روی برتافتن جبهه لیبرال از انقلاب، شرایط مناسب برای پیروزی قطعی امپریالیسم و ارتجاع فراهم آمد. امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری که پس از قرارداد سری ۱۹۰۷ بیش از پیش در جهت سرکوب انقلاب ایران به هم نزدیک شده بودند با اشغال نظامی بخش‌های جنوبی و شمالی کشور و به ویژه سرکوب تبریز و گیلان انقلابی فرصت مناسب را در اختیار ارتجاع فتوئالی قرار دادند تا با هم‌دستی جناح لیبرال، از طریق یک کودتای ضد انقلابی، انحلال مجلس و سرکوب آزادی‌های مردم، انقلاب را در خون خفه سازد. پس از سرکوب انقلاب در سال ۱۲۹۱، تنها شمایل مضحکی از مشروطیت باقی ماند که چند سال - آن‌هم به علت جنگ جهانی اول و گرفتاری انگلستان و روسیه تزاری - دوام آورد. وقتی انقلاب اکتبر به سیاست تجاوزکارانه روسیه تزاری پایان داد و این حریف غدار از میدان به در شد، امپریالیسم انگلستان با فراغ بال و خاطری آسوده از "مزاحمت" رقیب، کودتای سید ضیاء - رضاخان را سرهم کرده و این شمایل مضحک را نیز در هم شکست. استبداد سلطنتی بار دیگر در میهن ما احیا شد و ۵۸ سال دوام آورد.

ناکامی انقلاب مشروطیت را می‌توان در یک رشته علل خارجی و داخلی جستجو کرد. از نظر خارجی انقلاب مشروطیت در زمانی اتفاق افتاد که تعادل قوای "انقلاب و ضدانقلاب" در سطح جهانی آشکارا به نفع "ضدانقلاب" امپریالیستی بود. این امر به امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری امکان داد تا

کشیده شد. در یک سوی این مبارزه انجمن‌های انقلابی و در سمت دیگر شاه و حامیان امپریالیست آن قرار داشتند. پس از کودتای ضدانقلابی تابستان ۱۲۸۷ که طی آن محمدعلی شاه به کمک تزار روسیه مجلس را به توپ بسته و انحلال آن را اعلام داشت، انجمن‌های انقلابی به سنگرهای استوار انقلاب بدل شد. این انجمن‌ها که به ویژه در تبریز و گیلان از قدرت بسیاری برخوردار بودند و تمایلات جناح دموکراتیک انقلاب را منعکس می‌کردند، پس از به‌توپ بسته شدن مجلس و تسخیر تهران توسط نیروهای ضدانقلابی، آتش انقلاب را در تبریز و گیلان شعله‌ور نگاه داشته و سرانجام نیز بر اثر مقاومت و جانبازی مردم استبداد از پادرا آمد. کودتای ضدانقلابی محمدعلی شاه پس از یک سال شکست خورد، تهران مجدداً به دست انقلابیون افتاد، محمدعلی شاه از سلطنت خلع و مجلس دوم تشکیل گردید. اما خیانت لیبرال‌ها یکبار دیگر مانع از ادامه کامیابی انقلاب گردید. در مجلس دوم، ارتجاعیون، عمال امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری و سازشکاران خیانت پیشه در مقایسه با مجلس اول، جای بیشتری را اشغال کردند و سد سنگینی را در برابر اقلیت مجلس که بیانگر منافع جناح دموکراتیک انقلاب بودند، ایجاد نمودند. دولتی نیز که به دنبال خلع محمدعلی شاه، از سران انقلاب تشکیل گردید، عمدتاً وابسته به جناح لیبرال و خوانین بختیاری (که در فتح تهران شرکت داشتند) بودند که راه مبارزه با انجمن‌های انقلابی را در پیش گرفته و با خلع سلاح دسته‌های فدائیان، انقلاب را از نیروی مسلح خویش محروم ساخت. با خلع سلاح دسته‌های مسلح فدائیان و انشقاق و

امروز بسیاری از دلائلی که باعث ناکامی انقلاب مشروطیت شد به سود انقلاب تغییر یافته است و در عرصه جهانی تناسب قوا به سود جبهه انقلاب تغییر کرده است انقلاب ما اکنون در دوران نوین قرار دارد.

تناسب قوا آشکارا به سوی جبهه انقلاب تغییر کرده است. انقلاب ما اکنون در دوران نوینی قرار دارد و دورانی که امپریالیسم زیر ضربات اردوی قدرتمند سوسیالیسم، جنبش انقلابی کارگری و نهضت نیرومند کشورها و نیروی ضد امپریالیست دشوارترین روزهای حیات خود را می‌گذراند و هرچند هنوز مواضع نیرومندی را در دست دارد اما قدرت خود را تا حد زیادی از دست داده و از هر سو در حال فروپاشی است. انقلاب ایران در سطح جهان از دوستان نیرومندی برخوردار است که پشتیبان مردم قهرمان ما هستند.

در جبهه داخلی انقلاب ایران از پشتیبانی بی‌دریغ طبقه کارگر نیرومندی برخوردار است که روز به روز آگاه‌تر و متشکل‌تر گردیده و علیرغم پراکندگی، بار اصلی انقلاب را قهرمانانه بر دوش می‌کشد. مبارزه مردم ما در این مرحله، از رهبری قاطع و ضدامپریالیستی امام خمینی برخوردار است. با رهبری امام و خط مردمی ایشان بر جبهه لیبرال‌ها و سازشکاران ضربات قاطعی وارد آمده است و جبهه نیروهای سازش منهزم شده‌اند.

با این همه، خطر برای آن‌که انقلاب به همه هدف‌های خود دست نیابد و در نیمه راه متوقف شده و به شکست کشیده شود وجود دارد. یک رشته از آن عواملی که انقلاب مشروطیت را به شکست کشاند، انقلاب خلقی و مردمی ما را نیز تهدید می‌کند. در حالی که لیبرال‌ها، تا حد بسیار زیادی، از قدرت سیاسی رانده شده‌اند اما هنوز هم بورژوازی در اشکال و لباس‌های مختلف در

با نزدیک شدن به یکدیگر و حل تضادهای خویش بر سر ایران که با قرارداد ۱۹۰۷ تائید گشت، نیروی ضد انقلابی خود را یکپارچه در مقابل انقلاب ایران قرار دهد. شکست انقلاب ۱۹۰۵ و پیروزی ارتجاع در روسیه نیز در ناکامی انقلاب مشروطیت تائید جدی بر جای نهاد. از نظر داخلی نبود طبقه کارگر گسترده، متشکل و قدرتمند، عدم شرکت وسیع و یکپارچه توده‌های دهقانی، محروم بودن انقلاب از رهبران لایق و مردمی (به‌استثنای نقاطی مانند تبریز و رشت) و سرانجام همان‌گونه که اشاره کردیم خیانت رهبری لیبرال به انقلاب و مردم، دلایل ناکامی و شکست این خیزش عظیم توده‌ای بود.

یکی از دلایل اساسی شکست انقلاب مشروطیت آن بود که انقلاب به پایگاه اقتصادی اشرافیت فتوئال بر بر ایران حمله نبرده و بر ضد سلطه خارجی اقدام قاطعی به عمل نیاورد. همان‌گونه که اشاره کردیم رهبری انقلاب مشروطیت به دلایل ماهیت طبقاتی‌اش و به خاطر ترس از رشد جنبش توده‌ای قادر و مایل نبود علیه سلطه خارجی و روابط فتوئالی اقدام قاطعی به عمل آورد. این رهبری که خود در خط بزرگ مالکی "زمین" دارای منافع و علائق بود، روابط فتوئالی یعنی تکیه‌گاه اصلی امپریالیسم و ارتجاع را دست‌نخورده باقی گذاشت و همین امر موجب شد تا اشرافیت فتوئالی ارتجاعی با حفظ نیروی خود در فرصت مناسبی که امپریالیست‌ها برایش تدارک دیدند ضربه نهائی را بر انقلاب وارد آورد.

امروز بسیاری از این دلایل به سود انقلاب تغییر یافته‌اند. در عرصه جهانی

ارگان‌های قدرت نفوذ دارد. در حالی که در رهبری انقلاب نیروهای سازش‌جائی ندارند یا به عبارت دقیق‌تر جای تعیین‌کننده‌ای ندارند، ولی در سیستم اقتصادی از مواضع بسیار نیرومندی برخوردار است. در واقع، هنوز هم شریان‌های حیاتی اقتصادی، در دست این نیروی انقلاب شکن است. به همین دلیل هم، هرگاه که انقلاب بر این پایگاه یورش نبرد، این نیروی اجتماعی، این آفت انقلاب، رشد خواهد کرد و به صورت خزنده مواضع از دست رفته را مجدداً به دست خواهد آورد و سرانجام با گرفتن ارگان‌های اصلی قدرت سیاسی، نیروهای مدافع انقلاب را که نتوانسته‌اند به نیازهای انقلاب به موقع پاسخ دهند و در واقع نخواستار یا نتوانستند به وظایف تاریخی خود عمل کنند، از مواضع قدرت طرد و سپس آن‌ها را سرکوب خواهد کرد. این یک قانونمندی است و مختص کشور ما هم نیست.

انقلاب ایران به ویژه در فاز کنونی خود، باید این عامل خطر را نابود کند. نابودی پایگاه اقتصادی ضد انقلاب و پاسخ‌گویی به مطالبات اساسی توده‌ها از طریق حمله جدی و همه جانبه به مواضع اقتصادی سرمایه‌داران بزرگ و کلان زمین‌داران، نظیر اجرای قاطع بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی، تداوم قطعی ملی کردن صنایع وابسته، ملی کردن قاطع و طبق برنامه تجارت خارجی، ایجاد و گسترش بخش‌های تعاونی و به‌طور کلی هر اقدام بنیادی دیگر، نیاز مبرم مرحله کنونی انقلاب ماست. شرایط مساعد برای پاسخ‌گویی جمهوری اسلامی به این نیاز مبرم انقلاب فراهم است و یک تجربه تازیحی خونین در پشت سر. هشیاری، قاطعیت، سرسختی و نبرد با دشمنان انقلاب، با پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی آنان، لازم است تا به این خواست پاسخ گفت و انقلاب را به پیروزی قطعی سوق داد.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می کنند

تأخیر در بازگشائی دانشگاه‌ها تأخیر در بازسازی کشور است

همه ساله در چنین روزهایی شاهد برگزاری کنکور سراسری دانشگاه‌ها بودیم. صدها هزار جوان پرشور با تلاش و زحمت، خود را برای شرکت در کنکور و ورود به دانشگاه‌ها جهت کسب علم و دانش آماده می‌کردند. اما اکنون دو سال است که فضای فرهنگی و آموزشی میهن ما از این شور و شوق خالی و درهای دانشگاه‌ها بر روی هزاران هزار جوان مشتاق تحصیل بسته است.

پس از انقلاب، مردم انتظار داشتند مراکز آموزشی و فرهنگی گسترش یابد، درهای دانشگاه‌ها به روی جوانان زحمتکش باز شود و با کمک دانشگاهیان، بیسوادی این میراث نکبت‌بار مانده از رژیم پیشین ریشه‌کن گردد. اما متأسفانه جمهوری اسلامی تحت پوشش "انقلاب فرهنگی" دانشگاه‌ها را تعطیل کرد و اکنون هم که زمانی بیش از یک سال از آن می‌گذرد

درهای دانشگاه همچنان بسته مانده و به تقاضای دهها هزار دانشجو و استاد و همه مردم ایران مبنی بر بازگشایی این مراکز علم و مبارزه پاسخی داده نشده است. ستاد انقلاب فرهنگی که از همان ابتدا هیچ قدمی در جهت یاری گرفتن و همفکری با دانشجویان و استادان انقلابی برداشت متأسفانه تاکنون نتوانسته است اقدامات لازم را جهت بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها فراهم آورد. مردم از چگونگی فعالیت‌های آن بی‌خبرند و از برنامه‌های ارائه شده نیز بی‌بیدار است که در سال تحصیلی جدید هم شاهد بازگشایی دانشگاه‌ها نخواهیم بود، بلکه تنها بخش کوچکی از امکانات دانشگاهی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

هرچه زمان می‌گذرد ابعاد زیان‌آور این اقدام نادرست و شتابزده جمهوری اسلامی بیش از پیش گسترده‌تر و آشکارتر می‌شود. انقلاب ما

در مرحله‌ای است که برای آنکه بتواند ویرانی‌های ناشی از غارت و تجاوزات امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه را در همه عرصه‌ها بازسازی کند بیشتر از هر زمانی به نیروی متخصص و آموزش دیده مدافع انقلاب احتیاج دارد. وجود چنین نیروهایی از وابستگی تکنولوژیک و فنی ما به کشورهای امپریالیستی می‌کاهد و کادر لازم را برای ترمیم خرابی‌ها و به‌راه اندازی، اداره و گسترش صنایع ملی و کشاورزی فراهم می‌آورد. طبیعی است که بخش اعظم این کادرهای تربیت شده باید از میان جوانان و روشنفکران زحمتکش در دانشگاه‌ها و موسسات عالی موجود در ایران تربیت شوند. اما اکنون تعطیل دانشگاه‌ها انقلاب را از تربیت نیروهای متخصص و آموزش‌دیده محروم ساخته و نزدیک به ۲۰۰ هزار استاد و دانشجو را بیکار و سرگردان

ساخته است. در عرصه سیاسی نیز ضد انقلاب و لیبرالها می‌کوشند از تعطیل دانشگاه‌ها به منظور پیشبرد مقاصد و اهداف پلید خود استفاده کنند آنها زیر پوشش شعارهای "تخصصی"، "تجدد" و "تمدن" و غیره جمهوری اسلامی را به مخالفت با علم و دانش و فرهنگ و تلاش برای بازگشت به قرون وسطی متهم ساخته و در جهت انزوای آن و ایجاد نارضایتی در بین توده مردم می‌کوشند چنین تبلیغات ضدانقلابی بیشترین تأثیر خود را در میان صدها هزار جوانی می‌گذارد که به شوق ورود به دانشگاه سالها زحمت کشیده‌اند و اکنون با سد غیر قابل عبوری که جمهوری اسلامی در مقابل آنان ایجاد کرده مواجه شده‌اند، این نیروی عظیم، فعال و در عین حال عاطل مانده، بستر بسیار مناسبی است برای گسترش افکار ضدانقلابی و

سرباز گیری دشمنان جمهوری اسلامی به منظور اقدامات توطئه‌گرانه و تخریبی علیه انقلاب. ضدانقلاب بخش عمده‌ای از نیروی خود را از میان همین جوانان تأمین می‌کند. بازگشایی دانشگاه‌ها و جذب این نیروی فعال به مراکز تحصیل، نه تنها دانش و توان آنان را به خدمت انقلاب درمی‌آورد، بلکه آنها را از طریق دانشگاه‌ها که همواره مراکز فعال مبارزه سیاسی بوده‌اند به مبارزه جدی‌تر و متشکل‌تر علیه امپریالیسم و ضدانقلاب هدایت می‌کند. دانشگاه، مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی است و در صورت بازگشایی دانشگاه‌ها پرچم جنبش انقلابی دانشجویی بر افراشته‌تر بر فراز دانشگاه‌ها در اهتزاز درخواهد آمد. واضح است بازگشایی دانشگاه‌ها مفایر ایجاد دگرگونی بنیادی در نظام

بقیه در صفحه ۲۰

طرح اراضی شهری

از مقابله با زمینخواری شهری می‌گریزد

شور دوم و بررسی طرح اراضی شهری چندگاهی است که در مجلس شورای اسلامی آغاز شده و تاکنون موادی از آن به تصویب رسیده است. اما به خلاف آنچه از مجلس شورا انتظار می‌رود طرح چشم‌انداز مثبتی را در ارائه راه مقابله با مشکلات اساسی مردم نمی‌گشاید.

مسئله زمین‌های شهری از آن روی که ارتباط تنگاتنگی با مشکل مسکن دارد اهمیت بسیار می‌یابد و بدون پاسخی قاطع به این مسئله مشکل مسکن همچنان مردم زحمتکش و تهیدست را در تنگنا نگه خواهد داشت.

طرح اراضی شهری درگیر اشکالات عدیده‌ای است که اهم آن تقسیم اراضی شهری به موات دائر و بائر است. هرچند ماده یک طرح اراضی می‌گوید "اراضی شهری زمین‌هایی است که در محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها قرار دارند"، اما بلافاصله از این واقعیت که زمین‌های شهر همه از یک مقوله‌اند می‌گریزد. و در مواد ۲ و ۳ طرح به تقسیم آن می‌پردازد. زمین موات آن است که سابقه عمران و احیاء نداشته باشد

(ماده ۲) و "اراضی بائر شهری زمین‌هایی است که سابقه عمران و احیاء داشته و به تدریج به حالت موات برگشته است". (ماده ۳) در اینجا کمیسیون مسکن بدون در نظر داشتن مسائل اساسی شهر و مسکن و بهره اراضی شهری تعاریف زمین‌های زراعی را به اراضی شهر تعمیم داده است. در حالی که مفاهیم بائر و موات آن‌گونه که در مورد زمین‌های زراعی به کار می‌رود در شهر قابل اعمال نیست. در شهر چه تفاوت می‌کند که زمینی فی‌المثل در کنار خیابان مصدق تهران قبلاً سابقه عمران داشته است یا نه. و تنها "زمین‌های موات شهری در اختیار جمهوری اسلامی است" (ماده ۵) واقعیت آن است که محدودیت و انحصار مالکیت

زمین در دست عده‌ای موجب می‌شود تا این زمین‌داران بتوانند از ثمره کار زحمتکشان ثروت‌های بی‌حد بیندوزند. احداث تأسیسات شهری و اماکن عمومی که از کیسه مردم زحمتکش تدارک شد، سبب افزایش بهای زمین می‌شود و سودهای سرشاری را نصیب "مالکان این زمین‌ها می‌کند. آری قیمت بالای زمین‌های شهری کلاً به خاطر قرار داشتن در محدوده شهر و امکان استفاده از مزایای شهری است.

هنگامی که طرح با نادیده گرفتن این واقعیت سعی در تمایز میان زمین‌های شهری دارد باعث می‌شود تا همچنان دست‌زمین‌داران بزرگ باز گذاشته شود تا به نحوی دست به "احیاء" زمین بزنند و در پوشش

قانون، ثروت بیندوزند. بخصوص که در ماده ۱۱ طرح، تشخیص بائر و موات را با کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت دادگستری و مسکن و شهرسازی و شهرداری محل دانسته‌اند که پیداست این مطلب خود درگیری‌های فراوانی را به همراه خواهد داشت.

با همین تفکیک و تمایز بین اراضی شهری است که احتکار زمین‌های "دائر" شهر مسکوت می‌ماند هرچند به راحتی می‌توان دریافت که وجود باغ‌های چند هزار متری "در محدوده" قانونی شهرها و شهرک‌ها "به هیچ روی از نظر کشاورزی و بوستانی قابل اهمیت نیست و مفهومی جز "انحصار و احتکار" ندارد.

آن گونه که طرح معرفی شده به نظر می‌آید که ضمن حرمت به مالکیت قصد

جولوگیری از احتکار و بورس بازی زمین‌های شهری را دارد. اما می‌بینیم که (در ماده ۷) به نگهداری زمین‌های شهری مشروعیت می‌بخشد و تنها حق فروش به غیر دولت را از زمین‌دار سلب می‌کند. این ماده از طرح، مفرهای بسیاری را برای زمین‌داران باز گذارده است. پس از تکمیل تصویب طرح اراضی شهری مفصلاً به نقد آن خواهیم پرداخت اما می‌باید در همین مختصر هشدار دهیم که چنین طرح‌هایی باز هم به سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ فرصت می‌دهد تا از مفرهای قانونی همچنان به غارت خود ادامه دهند. مشکل مسکن تا حد قابل ملاحظه‌ای ریشه در انحصار و احتکار زمین‌های شهری در دست عده‌ای زمین‌دار و زمین‌خوار دارد. آیا می‌شود هنوز منافع چنین زالوهای را بر مصالح جامعه انقلابی مرجح داشت.

به اعتقاد ما هر طرحی که از ملی کردن زمین‌های شهری به هرنحو طفره رود و قاطعانه با زمین‌خواری شهری مقابله نکند از مقابله با مشکل مسکن اجتناب کرده است.

در سوگ درگذشت رفیق عباس قطاری



رفیق عباس قطاری از رفقای تشکیلات مهاباد در حادثه تصادف ماشین در جاده میاندوآب - شاهین دژ درگذشت. این خبر برای رفقای پیرانشهر و مهاباد و همه رفقای که عباس را می‌شناختند، تکان دهنده و غم‌انگیز بود. عباس از نخستین رفقای بود که بعد از انقلاب در کردستان به سازمان پیوست و از این رو برای بیشتر رفقای کردستان و به ویژه رفقای پیرانشهر، مهاباد نغده و نیز برای کارگران و زحمتکشان پیرانشهر چهره آشنایی بود. رفیق عباس در پائیز سال گذشته به خاطر افشاکاری‌های مداوم درباره ماهیت ضد - انقلابی باند قاسملو و نیز به خاطر اینکه همراه با عده‌ای دیگر از رفقا و نیروهای انقلابی دیگر تله‌های انفجاری را که در سراسر جاده مرزی " ترمجیان "

برای جلوگیری از پیشروی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به وسیله بانس قاسملو کار گذاشته شده بود، خنثی کردند و در نتیجه نیروهای جمهوری اسلامی توانستند این جاده استراتژیک را تحت کنترل خود در آورند، از طرف باند قاسملو تحت تعقیب قرار گرفت و مجبور شد منطقه پیرانشهر را ترک کرده به مهاباد برود و فعالیت‌های

انقلابی خود را در ایمن شهر ادامه داد. در مهاباد چندین بار به وسیله سپاه بازداشت شد و هر بار طی بحث‌های طولانی و پر شور با پاسداران از مشی انقلابی و اصولی فدائیان خلق (اکثریت) در پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی دفاع کرد و آنان را به اتخاذ یک سیاست اصولی در قبال مسئله کردستان فرا خواند و از مخدوش کردن صف دوستان و دشمنان انقلاب بر حذر داشت. برخورد صادقانه و با صراحت رفیق هر بار تحسین پاسداران را برمی‌انگیخت و باعث آزادی وی می‌گردید. عباس به ویژه از عمویش " مراد قطاری " که یکی از ضدانقلابیون منطقه و قاتل روستائیان بی‌گناه " قارنا " و " قله‌تان " ایندرفاش " و همدست حنایتکار

معروف، معبودی می‌باشد عمیقاً متنفر بود و در افشای این عنصر ضدانقلابی و ارائه اسناد و مدارک وابستگی وی به رژیم منقر شاه خدمت ارزنده‌ای به سازمان نمود. " مراد قطاری " از عوامل رژیم سابق و همکار اویسی جلاد در سرکوب انقلابیون کردستان در سالهای ۴۷ و ۴۶ بود و هم‌اینک نیز با همکاری عناصر دیگر مانند عظیم معبودی حاج ابراهیم محرر و بهمن‌خان خسروی که همه از ایادی رژیم شاه می‌باشند، با پشتیبانی ملاحظه‌کننده به فعالیت‌های ضدانقلابی خود ادامه می‌دهد. خود عباس در این باره می‌گفت:

من با چشمان خودم می‌دیدم که چگونه اویسی جلاد و دیگر سران ارتش شاهنشاهی وساواک شب‌ها را در خانه عمویم و در همسایگی ما، در حالی که ما با شکم گرسنه در بستر می‌لولیدیم، آنها غرق در عیش و نوش از شکنجه‌هایشان و از چگونگی دستگیری و کشتار انقلابیون و روستائیان زحمتکش کردستان می‌گفتند

و آنچه که امروز مرا می‌آزارد، این است که مراد قطاری‌ها هنوز هم هستند و خون مردم را می‌مکنند. اینها بعد از انقلاب پوست‌عوض کرده و زیر پوشش دفاع از انقلاب هر کثافتکاری که دلشان می‌خواهد می‌کنند... برای اینکه انقلاب ما پیروزی‌های بازم بیشتر بدست بیاورد باید این ضدانقلابیون را با قاطعیت از سر راه خود بردارد... آری! عباس، رفیق صمیمی ما، فرزند خوب خلق و معلم دلسوز بچه‌ها، دیگر در میان ما نیست، لیکن یاد عزیزش همیشه با ما خواهد بود و فراموش نخواهیم کرد عزم جزمش را در بیکار علیه دشمنان خلق برای تعمیق انقلاب خونبار مردم ایران و برای پیروزی سوسیالیسم. فدائیان خلق ایران (اکثریت) درگذشت رفیق عباس قطاری را به خانواده و حویشان و دوستانش تسلیت می‌گویند.

رفیق محمدحسن اخوان بیطرف در حین انجام وظایف سازمانی

به شهادت رسید

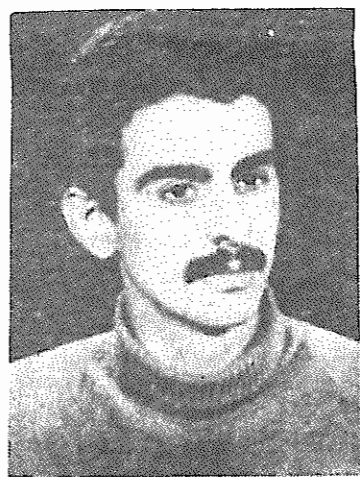
رفیق محمد در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده زحمتکش در شهر بروجرد به دنیا آمد. رفیق از همان دوران کودکی با درد و رنج مردم زحمتکش آشنا شد و با آن زندگی می‌کرد. کوشش رفیق برای درک دلایل فقر و بی‌خانمانی زحمتکشان وی را به مبارزه علیه تمامی زشتی‌های زندگی که زحمتکشان را فرا گرفته بود، کشاند. خود او می‌گفت:

" در مرحله‌ای بزرگ شدم که مردمش بسیار زحمتکش بودند و از نزدیک با فقر و تنگدستی آشنا شدم. اینکه بدانم که چرا سرنوشت مردم زحمتکش ایران این چنین با فقر و تنگدستی گره خورده است مهمترین عاملی بود که مرا به سوی مبارزه به خاطر رهایی انسان‌های زحمتکش دوران دبیرستان آغاز کرد. در آن زمان رفیق در اثر روابطی که با برخی از مبارزان شهر و نزدیکان آنها

داشت توانست بیشترین بهره را برای بالا بردن آگاهی مبارزاتش بیاندوزد. رفیق محمد در سال ۵۲ همراه با رفقای یک گروه کوهنوردی را در شهر سازمان داد. این گروه تا سال ۵۴ به فعالیت سیاسی می‌پرداخت با ورود به دانشگاه جندی شاپور - لرستان در سال ۵۶ که همزمان با خیزش توده‌ای بود به مبارزه‌اش گسترش بیشتری داد. رفیق با تشکیل هسته‌های انتشاراتی اعلامیه‌های سازمان را چاپ و تکثیر می‌نمود. رفیق محمد در دوران مبارزه توده‌ای آبدیده‌تر می‌شد و مبارزه‌اش را سازمان یافته‌تر به پیش می‌برد. نتیجه این آبدیدگی دو سلول انتشاراتی ستاره پنج پر آرمان خلق و رفیق عزت غروی " بود که سازمان یافته فعالیت می‌کردند. رفیق محمد و همزمانش در ۲۸ شهریور ۵۷ اولی -

تظاهرات توده‌ای مردم شهر را در محکوم کردن جنایت شاه در ۱۷ شهریور سازماندهی و رهبری نمودند. رفیق در مهر ۵۷ به وسیله مزدوران رژیم شاه دستگیر شد که توانست با هوشیاری از چنگ آنها بیرون آید و به مبارزه‌اش ادامه دهد. رفیق محمد از ۲۲ بهمن در ارتباط با سازمان قرار گرفت و پیگیرانه وظایف سازمانی خود را انجام می‌داد. رفیق محمد با تمامی سنگینی وظایف سازمانی‌اش هیچگاه خود را از آموزش‌های جنبش کمونیستی محروم نمی‌کرد. شیفتگی وی به امر صلح و سوسیالیسم و رهایی زحمتکشان زبانزد همه رفقا بود. رفیق محمد در بیست و چهارم تیرماه ۶۰ در حالی که با موتور برای انجام وظیفه سازمانی در حرکت بود با مینی‌بوس در شهر اهواز تصادف نمود و بلافاصله به شهادت رسید. خاطره‌اش گرامی باد.

خاطره رفیق فرزاد امیر صالحی را گرامی داریم



عصر روز جمعه بیست و ششم تیرماه ۱۳۶۰ رفیق فرزاد امیر صالحی هنگامی که در بیمارستان تهران تحت عمل جراحی بود نا بهنگام جان سپرد و قلب مهربانش که سرچشمه عشق به انسان بود از کار باز ایستاد. فرزاد که تلاش در راه رهایی زحمتکشان را از نفسی رژیم امریکایی شاه معدوم شروع کرده بود. در جریان انقلاب شکوهمند مردم میهنمان شور و احساس انقلابی و انسانیش بیش از پیش شکفته شد و سپس در کوره ملت‌تپ سارمان ما آبدیده شد. رفیق بدرستی درک کرده بود که:

هر لحظه عمر ما تیری است که می‌شود آن را در قلب چرکین دشمن کاشت فقط

باید هدف را همواره در نظر داشت. در میان صدها هدف کذایی که دشمن برای نجات خودش می‌سازد باز شناخت و بی‌درنگ با تیر همه لحظات عمر آن را کوبید. رفیق فرزاد که در سال ۱۳۴۰ در شهر آمل متولد شده بود تا لحظه مرگ همواره نمونه انسان هدفمند عصر ما بود. علیرغم بعضی تضییقات که از طرف بعضی عناصر و جریانات فشری جمهوری اسلامی ایران نسبت به فعالیت رفقای ما صورت

بغیه در صفحه ۱۹

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

اخبار کردستان

اطلاعیه کومه له:

اوج درماندگی و دناوت تروریسم

جبهه متحد ضدانقلاب که پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری و تار و مار شدن متحدین آن دیگر امید به دست گرفتن قدرت از راه‌های توطئه‌گرانه سیاسی را از دست داده است ، توسل به سیاست ترور و ارباب علیه نیروهای انقلابی و مردمی را تنها راه نجات خود یافته است ! اعمال چنین شیوه‌هایی پیش از آن که قدرتمندی جبهه ضدانقلاب را اثبات کند بیانگر اوج زبونی و ورشکستگی آن است .

اکنون هم‌زمان با سایر شهرهای ایران ، دستجات ضدانقلابی در کردستان به اعمال خرابکارانه خود شدت بخشیده‌اند . آنها علاوه بر گسترش عملیات نظامی علیه مراکز استقرار نیروهای ارتش و سپاه پاسداران ، اعضاء و هواداران سازمان ، حزب توده و حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) را تهدید به ترور و ربودن می‌نمایند . در هفته‌های گذشته چندین نمونه از ربودن و ضرب و شتم اعضاء و هواداران این نیروها در شهرهای مختلف کردستان دیده شده است از جمله در پی تهدید این گروهک‌ها ، مادر یکی از رفقای هوادار در روستای توربور توسط آنها دستگیر شد . در این میان گروهک مائوئیستی و ضدانقلابی کومه له به سیاق همیشگی که تلاش دارد در عملیات ضدانقلابی در پیشاپیش جبهه متحد ضدانقلاب در کردستان قرار گیرد طی اعلامیه‌ای که پس از نشست سرکردگان آن در سراسر کردستان انتشار یافت ، رفقای سازمان و حزب توده ایران را علناً به ترور تهدید کرده است .

انقلاب ما به خاطر درهم شکستن جبهه متحد ضدانقلاب و نابودی توطئه‌های امپریالیسم تا کنون شهدای بیشمار داده است . و آنچه را که امروز گروهک کومه له به وسیله اعلامیه بیان کرده است چیزی جز اجرای نیت پلید امپریالیسم جهانی نیست که از پیروزی انقلاب تا کنون هر روز در گوشه‌ای از این میهن زجر کشیده بدست ایادی و عمال آن اجرا شده است .

اینک خون فدائیان و توده‌ای‌ها در دفاع از استقلال و آزادی میهن با خون هزاران رزمنده شهید از میان توده‌های محروم درآمیخته است . خون و عزم این شهدا و میلیون‌ها مردم حاضر در صحنه هر زمان عزم ما را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استوارتر ساخته است . انقلاب تروریسم را درهم می‌شکند . مردم همچنان انقلاب را ادامه خواهند داد و مرگ جبهه متحد ضدانقلاب نزدیک است .

نود شه

هواداران سازمان در نود شه در تلاش به خاطر استقرار صلح و تأمین حقوق عادلانه مردم کردستان ، پیشنهادات خود را در مورد حل مشکلات منطقه طی نامه‌ای با فرماندار پاره مطرح ساختند . این رفقا در نامه‌شان از دولت جمهوری اسلامی خواست‌اند که در موارد ذیل به طور جدی اقدام کند :

می‌باشند .

سنندج

به مناسبت بزرگداشت روز قدس و پشتیبانی از انقلاب خلق فلسطین هم‌زمان با سایر شهرهای ایران تظاهراتی در سنندج برگزار شد . تظاهر کنندگان شعارهایی در محکوم ساختن امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل می‌دادند . اعضاء و هواداران سازمان و حزب توده ایران به طور فعال در این تظاهرات شرکت داشتند . عناصر وابسته به گروهک‌های ضدانقلابی با پرتاب نارنجک و انفجار بمب در سطح شهر کوشیدند محیط رعب و وحشت در شهر ایجاد کنند . در نتیجه پرتاب نارنجک به منزل یکی از پیشمرگان مسلمان کرد خواهر وی به شهادت رسید . علیرغم این تلاش‌های مذبح‌خانه که از چندی قبل آغاز شده شرکت مردم سنندج در جریان این مراسم بسیار چشمگیر بود . آنها از اعمال ضدانقلاب ابراز انزجار و تنفر می‌نمایند . در ادامه تهدید اعضاء و هواداران سازمان از جانب گروهک‌های ضدانقلابی منطقه ، مادر یکی از رفقای هوادار در روستای توربور توسط آنها دستگیر شده است !!

۱- اجرای پیام ۲۶ آبان ماه ۵۸ امام خمینی
۲- اجرای کامل پیام عفو عمومی امام در مورد کسانی که به این انقلاب و جمهوری اسلامی بازگشته‌اند .

۳- پاکسازی ارگان‌های دولتی از افراد وابسته به رژیم سابق

۴- شرکت دادن مردم در مبارزه علیه رژیم صدام

۵- اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی

۶- بازگرداندن کارمندان و فرهنگیان طرفدار انقلاب که به اتهام واهی و بی‌مورد تصفیه شده‌اند . . .

منطقه نود شه در تاریخ ۷ اردیبهشت توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از وجود گروهک‌های ضدانقلابی پاکسازی شد و مردم محروم آن که بیش از دو سال در نتیجه حاکمیت ضدانقلاب مصائب بیشماری را متحمل گردیده بودند از ورود نیروهای دولتی به گرمی استقبال کرده‌اند . آنها از دولت می‌خواهند که جهت رفع مشکلات بی‌شمار منطقه اقدام نماید . آنها همچنین خواستار تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق از ارگان‌های دولتی و مسلح ساختن مردم جهت مبارزه با رژیم صدام و ایادی آن در منطقه



اطلاعیه کومه له خطاب به

خائنین اکثریتی و توده‌ای در کردستان

سازمان چریک‌های اکثریت و حزب توده خائن را در کردستان همه می‌شناسند . هنوز کسی جا رو و جالب‌های خائنه آنها را برای که دار کردن جنبش مقاومت و نیروهای انقلابی آن فراموش نکرده است . همه باید دارند که این خائنین چگونه همه امکانات تبلیغی خود را در ایران بر علیه جنبش خلق کرد بکار انداخته بودند و همگی چاه‌های سرانجام چگونگی خائنی‌ها را با این جنبش و تمام نیروهای انقلابی ، با سروائی از صفوف مردم کردستان طرد کرده‌اند و اکنون هم در کردستان انقلابی هرچاکه مردم این خائنان را به بندها بند ، آنها را از خود می‌رانند .

خائنان اکثریتی و توده‌ای در ادامه خیانتهای آشکارشان به طبقه کارگر و جنبش انقلابی توده‌های میهن‌دوستانه اکنون مدتهاست که دست در دست هم می‌زنند و با همکاری جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف ایران برار جمله در کردستان اقدام به شناسایی و معرفی مبارزان و عناصر انقلابی نموده و با این ترتیب در دستگیریهایی خرابکارانه مشارکت داده‌اند . آنها افراد خود را مخفیانه به درون اجتماعات ، تفککها و محافل مختلف می‌فرستند و همچنین در زندانها به جمع‌آوری اطلاعات و مورد انقلابیون اسیر می‌پردازند و اینگونه اعمال ضدانقلابی تا بحال با راه مستقیم منجر به دستگیری و اعدام مبارزان گردیده است که از چشم مردم مبارز کردستان نیز پنهان نشده است .

طبقی اطلاعات ما ، این خائنان در شناساییها و دستگیریهایی اخیر رژیم جمهوری اسلامی که منجر به اعدام صدها تن از انقلابیون میهن‌دوستانه و جنبش‌رئیس‌ها شده ، عملاً در مستقیماً دستکاری جلاخان را به عهده داشته‌اند . بنا بر این ما آنها را بنام جاسوسان و همدستان جلاخان جمهوری اسلامی می‌شناسیم و با آنها اخطار می‌کنیم که اگر کارکان به همدستی با چنان خائنان و متمسکین و شناسایی مبارزان و رفقای ما در کردستان ادامه دهند ، ما نیز با آنها همچون بقیه عوامل مزدور رژیم رفتن را خواهیم کرد .

رفقای مادرشهرهای کردستان موظفند که مواضع شور و اکثرتی و توده‌ای را که حاضر نیستند دست از دنبالگری رهبران خائشان بردارند و عملاً به وقیحانه به اعمال جنایتکارانه خود ادامه دهند ، شناسایی کرده و گزارش کامل آنها را برای کومه له ارسال دارند .

در پایان از آن هواداران سازمان چریک‌های اکثریت و حزب توده که هنوز ذراتی شرافت در وجودشان باقی مانده و کاملاً با این منجلب در نغلطیده‌اند می‌خواهیم که هرچه زودتر حساب خود را جدا کرده و پیش از این در این گروه اعمال ضدانقلابی و ضد مردمی شرکت نکنند .

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)

۶۰ / ۱۵ / ۱۵

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

توسط خبرنگار و محقق معروف آمریکایی

از توطئه مشترک آمریکا، مصر، عربستان و پاکستان پرده برداشته شد

این بار دیگر خود مطبوعات امپریالیستی هستند که پرده از جنایاتی برمی‌گیرند که به نام دفاع از مسلمانان افغانستان انجام می‌شود اما هدف اصلی آن در هم شکستن انقلاب افغانستان و روی کار آوردن یک دولت سرسپرده امپریالیسم آمریکا در افغانستان است.

آنچه در زیر می‌خوانید اعترافات صریح برانشتاین خبرنگار معروف آمریکایی است که در روزنامه گاردین چاپ انگلستان انتشار یافته و در ۱۲ مردادماه در برنامه فارسی بی‌بی‌سی نیز قسمت‌هایی از آن نقل گردیده است.

متن روزنامه گاردین

روزنامه گاردین مقاله‌ای به‌قلم برانشتاین خبرنگار محقق و معروف آمریکایی در باره نقش سازمان جاسوسی آمریکا در جنگ داخلی افغانستان منتشر ساخته است. این نویسنده می‌گوید پس از مطالعات گسترده دریافته است که CIA یک طرح گسترده و هماهنگ را برای ارسال سلاح‌های پیشرفته به نیروهای ضد دولتی افغانستان در دست تهیه دارد بنا بر ادعای برانشتاین پنج کشور در این طرح همکاری دارند که عبارتند از ایالات متحده، چین، پاکستان، مصر و عربستان سعودی و می‌افزاید که این طرح مدت زمان کوتاهی پس از مداخله نظامی شوروی در افغانستان دسامبر سال ۱۹۷۹ از سوی دولت رئیس‌جمهور سابق آمریکا یعنی آقای کارتر تنظیم شد. نویسنده این مقاله می‌گوید ارسال اسلحه به نیروهای ضددولتی افغانستان در ابتدای امر بسیار کم و ناچیز بوده ولی در ماه اکتبر ۱۹۸۰ دولت آمریکا و دولت‌های اسلامی متعهد شدند تا به جریان ارسال تسلیحات پیشرفته به افغانستان تا حد قابل توجهی بیفزایند. این تسلیحات پیشرفته به‌ویژه شامل سلاح‌های ضدتانک و

ضدهوایی می‌شد که به گفته برانشتاین اولین اثرات و نتایج خود را در فصل بهار گذشته نشان داد. نویسنده مقاله در پایان می‌نویسد دولت پرزیدنت ریگان نیز پس از مطالعه این طرح محرمانه دستور داده است تا دامنه آن گسترش یابد.

این اظهارات گویاتر از آنست که احتیاج به تفسیر و تعبیر داشته باشد. این حقایق نشان می‌دهد که این توطئه آمریکایی که تحت پوشش "دفاع از اسلام" علم شده‌است، چنانچه موفق شود برای انقلاب ما و خلق‌های ستم‌دیده ایران و به‌ویژه افغانستان که به تازگی از چنگال مزدورانی چون ظاهرشاه و داوودخان و حفیضاله امین‌ها رهائی یافته‌اند چه خطر عظیمی پدید خواهد آورد.

متأسفانه با این‌که حقایق کاملاً آشکاری در مورد این به اصطلاح مجاهدین افغانی، به‌ویژه در مورد سران جنایتکار و مزدور آن‌ها افشا شده‌است، هنوز هم عده‌ای نه چندان قلیل از مقامات جمهوری اسلامی ایران همراه با روحانیونی که دشمن جمهوری اسلامی هستند و جانب فتودال‌ها و سران عشایر را دارند از این توطئه آمریکایی که علیه انقلاب ایران و افغانستان چیده شده است حمایت می‌کنند.

کمک‌های مالی دریافت شده		ط		الف و آ	
بدون حرف اول	۵۱۱۱	ع	۱۰۵۵۵	ج	۱۰۱۰۰
۲۹۳۱	۱۰۹۸۷	۳۰۲۰	۲۵۵۵	۱۲۲۲	۲۸۳۱
۷۱۱	۱۴۵۰	۱۱۱۱	۱۷۷۷	۱۰۵۳۵	۱۱۲۲
۱۵۱۲	۵۱۲۵	۲۳۲۸	۱۵۵۵	۱۲۲۲	۳۱۱۱
۶۰۳	۲۱۰۰	۱۶۹۸۷	۲۰۰۲۵	۱۵۵۵	۲۱۰۰
	۵۵۵		۲۱۱۵۵	۱۰۱۲۲	۱۸۸۸
رقبای شستر ۳۰۰۰۰ ریال	۵۰۵۵		۷۲۲۲	۱۵۲۰	۵۰۱۱
۱۳۰۰-A	۲۳۰۰		۱۰۲۶۰	۵۱۱۲	۱۲۰۰
بایرام ارومیه ۵۰۰ ریال	۱۲۰۰	۱۰۱۲۸	۳۱۰۰	۵۲۲۲	۲۴۰۰
جشن عروسی حمید و مریم	۶۲۵۹	۵۲۲۲	۱۱۱۱	۵۳۲۱	۱۲۲۲
۱۴۰۰۰ ریال	۵۶۰۹	۱۰۸۸۸	۱۰۱۲۲	۱۰۲۲	۴۲۰۴
هواداران روستای هردان	۳۰۴۴۴	۲۵۵۵	۱۰۴۴۵	۲۱۰۱	۲۲۲۲
ظالمش ۳۳۰۰۰ ریال	۱۶۱۱	۵۴۹	۵۵۳۲	۱۰۸۲	۱۰۲۲
زوجا کوچولو ۵۰۰ ریال	۴۵۰	۱۰۰۷	۸۲۸۲	۲۲۰۹	۱۰۱۲
سیامک - ش ۵۰۰۰ ریال	۴۱۰۰	۳۲۲۲	۱۰۶۰۱	۵۴۸	۱۱۱۱
معلم آواره از اسلام آباد غرب	۱۰۱۴	۸۲۲	۵۵۵۵	۵۰۰	۳۰۱۱
۴۰۰۰۰ ریال	۵۴۷	۱۰۱۲۲	۳۰۰۱۱۰	۳۰۰۱۱۰	۶۲۲۲
دانش آموز از دولت آباد	۲۱۳۰	۲۷۲۱	۱۰۱۲۲	۱۱۲۲	۲۲۰۱
طلایر ۴۸۰ ریال	۲۸۱۰	۵۱۲۵	۵۲۲۲	۵۷۲۰	۱۰۰۴
کوروش دوم راهنمایی از کرمانشاه ۱۰۰۰ ریال	۵۹۵۹	۱۶۱۱	۱۰۵۰	۱۸۳۲	۱۰۵۲
رقبای الف - ۱ هدیه شما رسید	۱۲۵۵	۱۱۱۱	۵۱۷۵	۲۱۲۲	۷۵۰۵
ج - و - ۶۵ هدیه شما رسید	۱۰۱۷		۲۲۰۰	۱۰۳۷۴	۱۹۹۹
م - ۱۰۰ هدیه شما رسید	۴۱۲۲		۱۳۰۰	۱۰۳۷۴	۲۶۰۰
هدیه عروسی طلوع ۶۰۰ ریال	۱۳۱۳۰	۳۹۹۹	۱۳۲۲	۱۷۵۲	۳۵۰۱
رفیق‌خانه‌دار - زری ۲۰۰ ریال	۵۱۰۴	۱۰۲۶۱	۵۲۲۲	۶۱۱	- ۴۱۲۲
کارگر - جاب ۱۰۰۰ ریال	۵۱۰۵	۲۰۱۰	۱۲۲۲	۲۸۰۶	۲۰۱۲
پیشگام فاتح کرج و شهرآرا	۴۲۰۴	۱۰۹۸۷	۲۲۸۱	۵۲۹۵	۱۱۱۱
۱۵۰۰۰ ریال	۶۲۶۲۸	۱۳۲۲	۲۲۵۴	۵۱۹۷	۵۰۱۹
رفیق رضا - ۴۵۰ رسید	۱۲۰۱۹	۲۰۲۰	۵۵۵۵	۱۶۹۹۹	۶۶۱۰
کارگر اراضیان ۱۰۰۰۰ ریال رسید	۱۰۱۲	۱۴۰۰	۲۰۳۲	۱۰۲۵۱	۲۲۲۲
رفیق - س - از - ج - ۲۰۰۰ ریال	۸۹۹۹	۵۰۱۰۱	۱۷۸۹	۴۱۸۰	۲۰۲۹
رفیق - ف - بزگی ۵۰۰۰ ریال		۵۱۲۲	۱۳۲۲	۳۰۵۰	۲۷۰۰
ه - طازندران - ۱۰۰۰۰ ریال		۵۱۲۲	۲۰۱۲۶	۱۶۰۵	۲۲۶۶
الف از ج - س - ۲۵۰۰ ریال	۵۰۵۰		۲۶۰۴	۵۵۰۰	۶۰۰۲
و - دبیر ۵۰۰ ریال	۱۳۲۲	ق	۲۹۲۵	۲۰۲۹	
هواداران از روستای پرنشکوه	۱۰۱۸		۵۵۵۵	۳۲۲۲	۳۷۳۵
۲۲۰۰ ریال	۳۰۰۰	۱۳۸۸	۲۳۴۸	۸۵۰۰	۸۵۰۰
دانش آموزان پیشگام	۵۴۱۲	۲۲۰۰	۵۲۸۸	۴۱۰۰	۶۰۶۲
دبیرستان نسرین لنگرود	۲۲۴۴		۲۱۲۲	۶۰۶۲	۱۳۷۹
برای نبرد ۹۰۰ ریال	۳۹۹۹	ک	۲۱۲۲	۲۰۰۴۹	۲۰۱۹
گل‌خندان - ۵۱۰۰	۱۰۰۵۷		۲۱۲۲	۱۱۲۹	۱۲۰۲
بان - ۱۸۷۴		ش	۲۳۴۸	۲۱۱۱	
دانش‌آموزان پیشگام ولی‌اله		۱۱۰۰	۵۲۸۸	۱۱۱۵	
نصر به‌خاطر حبران خسارت		۲۰۲۵	۲۱۲۲	۴۵۱۰	
متینگ اول ماه مه ۷۷۱۰۰ ریال	۵۰۵۵	۵۰۰۵	۲۱۲۲	۱۰۱۰	
دانش‌آموزان پیشگام	۱۰۱۲۹	۲۱۳۵	۶۰۱۷	۲۱۲۶۹	۶۴۳۴
دبیرستان ایراندخت ۱۰۰۰ ریال	۱۰۳۰	ل	۲۱۲۲	۴۰۲۹	
ب - ی - ایلخچی - ۶۰۰۰ ریال		ه	۲۳۱۵		
۱۸۵۰۰ ریال از جشن عروسی ایلخچی به جنگ زدگان	۵۲۲۲	۶۱۱۱	۲۴۴۴		
هدیه از تهران - ق - ر - ۳۰۰۰۰۰ ریال	۱۰۳۱				
هدیه از تهران الف - ن - ۳۰۰۰۰۰۰ ریال	۵۱۲۲	م			
هدیه از تهران م - د - ۳۰۰۰۰۰۰ ریال	۴۷۰۸				
هدیه ۲۰۰۰۰۰۰ ریال - پ - ر هدیه شما رسید	۱۲۵۱	ی			
	۵۵۰۰				
	۵۵۴۱				
	۵۲۲۱				
	۳۰۵۰				
	۱۰۰۰				
	۱۰۱۲۲	ن			

بقیه از صفحه ۱۷

خاطره رفیق امیریهایی

می‌گیرد. همواره بدون کوچکترین تزلزلی به دفاع از انقلاب و مواضع ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران همت گماشت یکبار که به جرم توزیع نشریه کار از طرف عده‌ای قشری مورد شدیدترین ضرب و شتم‌ها قرار می‌گیرد و سپس توسط خطرات مهلکی را برای انقلاب ایران در بر داشته و دارد. آیا واقعا هنوز هم

همان عده روانه زندان و از آنجا دادگاه انقلاب می‌گردد در مقابل درخواست دادگاه که به او می‌گویند دست از فعالیت سیاسی بکش و منبع "کار" توزیع نکن، در حالی که از شدت ضرب‌های وارده از گلویش خون بالا می‌آید با متانت درخور یک انقلابی کمونیست به رئیس دادگاه می‌گوید:

" چون سیاست " کار در جهت پیشبرد انقلاب و به نفع محرومان است قول نمی‌دهم که آن را توزیع

نکنم " و اضافه می‌کند که: اگر لازم باشد جانم و همه هستم را در راه پیروزی انقلاب می‌دهم که در همان دادگاه تیره می‌گردد و فعالیت انقلابی خود را تا لحظه مرگ ادامه می‌دهد.

ما خاطره تابناک رفیق فرزاد امیرصالحی را گرامی می‌داریم و ضمن ابراز تأسف شدید از مرگ نابینگام این مصیبت را به خانواده و دوستان و آشنایانش تسلیت می‌گوئیم و به آنها درود می‌فرستیم.

اسلام " نام نهاده‌اند) در دامن خلق‌های ستم‌دیده میهنمان دست بردارید ؟

بقیه از صفحه ۵

حکومت جمهوری ...

براندازی این رهبران وامی دارد. فراموش کردن سیاست ارشاد راه را برای گسترش تروریسم هموارتر می کند. و در نهایت آنچه را که امپریالیسم امریکا و هم پیمان‌های آنان در جهت حفظ فضای بدبینی و عدم اعتماد نسبت به جمهوری اسلامی می‌خواهند، تحقق می‌بخشد و حداقل روانشناسی بخش‌هایی از مردم را در جهت سازمان می‌دهد که عوض آنکه از مرگ دشمنان انقلاب شادمان باشند از ترور دوستان و مدافعان انقلاب شاد می‌شوند. ما هم صدا با اکثریت مردم ایران خواهان آن هستیم که دادگاه‌های انقلاب نسبت به هواداران گول‌خورده سازمانهای چپ و آنارشیست سیاست ارشاد در پیش‌گیرند و حساب انبوه هواداران فریب‌خورده این گروه‌ها را از حساب رهبران خائنشان که آشکارا به انقلاب و مردم پشت کرده‌اند جدا کنند. دادگاه‌های انقلاب به همان نسبتی که شایسته است نسبت به رهبران این گروه‌ها برخورد جدی داشته باشند به سود انقلاب و مردم است که "کاری نکنند که اینها (هواداران گول‌خورده) روی لجاجت و تعصب بیفتند اینها بسیاری‌شان فریب‌خورده و سالمند، بگذارید اینها راه برگشت داشته باشند"

نیروهایی از مردم را که نسبت به انقلاب خوشبین نیستند با سرعت و شتاب به دامن جبهه براندازی بسر کردگی امریکا می‌اندازد. بسیاری از اعدام شدگان کسانی هستند که اگر با سیاست ارشاد با آنها برخورد شود آنچنانکه وصیت‌نامه سعادت‌یثبات می‌کند ظرفیت آن را دارند که به صفوف مردم و انقلاب بپیوندند. اغلب آنها فرزندان زحمتکشانی هستند که با تمام وجود در براندازی رژیم امریکایی پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی فداکارانه رزمیدند و اکنون انتظار آنان از حکومت جمهوری اسلامی برآوردن خواسته‌های برحقشان است نه اعدام فرزندانشان. اگر رهبران مجاهدین خلق در برابر مردم و هوادارانشان با اتخاذ سیاست دوستی با لیبرالها و امپریالیسم امریکا می‌رفتند و می‌روند که افساء شوند سیاست تر و خشک را با هم سوزاندند و اعدام‌های کور و بی‌رویه فضای تعمق و تفکر را از هواداران مجاهدین و چپ‌رو و آنارشیست می‌گیرد و آنها را عوض نقد هرچه بیشتر سیاست‌های رهبران این گروه‌ها در فضای عاطفی رها می‌کند و با تحریک احساس آنان به توجیه ضد - انقلابی، ضد مردمی و

بقیه از صفحه ۱۶

تاخیر در بازگشائی ...

باشند. انقلاب فرهنگی تنها در صورتی که با مشارکت همه دانشگاهیان صورت گیرد می‌تواند به هدف‌های خود دست یابد. تاخیر در بازگشائی دانشگاه‌ها، تاخیر در بازسازی کشور است. انقلاب از تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی تاکنون آسیب‌های جدی را متحمل شده است، بیش از این انقلاب را از امکانات عظیمی که با بازگشائی دانشگاه‌ها از آن برخوردار خواهد شد محروم نکنید.

آموزشی حاکم بر مراکز عالی آنگونه که بتواند دانشگاه‌ها در تمامی زمینه‌ها در خدمت "کوخنشینان" درآورد نیست. انقلاب فرهنگی و تغییر سیستم آموزشی سابق به سیستمی نیازانقلاب، خواست مردم و مورد پشتیبانی پرشور همه نیروهای مدافع انقلاب است اما باید امکان داده شود که در این انقلاب فرهنگی دانشجویان، استادان و دانشگاهیان طرفدار انقلاب نیز فعالانه مشارکت داشته

بقیه از صفحه ۴

وظیفه دولت جدید ...

است. زیرا، تجارب تلخ و شیرین انقلاب و درسهای بزرگ آن را در دسترس دارد این دولت در شرایطی زمان امور راه دست گرفته که همه سازمان‌ها و احزاب صدیق مدافع انقلاب ایران از یک سو و همه دول و نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در جهان از سوی دیگر خواهان همکاری صمیمانه با آنند. و از آن فعالانه پشتیبانی می‌کنند. دولت جدید با این همه امکانات و فرصت‌های مساعدی که در اختیار دارد باید بتواند بر مشکلات کنونی که پیش پای انقلاب قرار گرفته غلبه کند. این دولت باید بتواند در برابر وظیفه خطیر تاریخی که برعهده گرفته سربلند بیرون آید. این، آرزوی هر نیروی صدیق مدافع انقلاب است. سازمان ما نیز خود را در این آرزو سهیم می‌داند و به همین دلیل هم به نوبه خود خواهد کوشید که با حفظ انتقادات اصولی خود با تمام توان از اقدامات دولت جدید که در جهت اجرای کامل قانون اساسی و ایجاد دگرگونی‌های بنیادین در جامعه به نفع زحمتکشسان در راستای درهم شکستن پایگاه‌های اجتماعی جبهه براندازی بسرکردگی امریکا و در مسیر تحکیم وحدت همه نیروهای مردمی و مدافع انقلاب باشد، پشتیبانی کند. انقلاب می‌تواند برگشت - ناپذیر باشد و ما برآنیم که چنین شود.

"توده‌های مستضعف" کار کند و "قانع نشود به اینکه بعضی جاها کار شده است". چنین دولتی، نمی‌تواند بدون هدف قرار دادن نابودی پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران از عهده چنین مهمی برآید برنامه‌های مورد نیاز انقلاب را به اجرا درآورد. این دولت، نمی‌تواند بدون مبارزه قاطع با هر آن جریان‌هایی که تحت هر پوششی و با هر استدلالی که در راه اقدامات انقلابی سنگ می‌اندازند، به وظایف خود عمل کند. نابودی تمام و کمال ضدانقلاب و بازگشت - ناپذیر ساختن انقلاب در این مرحله دقیقاً به این مشروط می‌گردد که آیا جمهوری اسلامی ایران مقدم بر هر چیز به پایگاه‌های اقتصادی جبهه براندازی به سرکردگی امریکا یورش خواهد بردیانه؟ و رزم موفقیت دولت نیز در راه ایفای وظایف انقلابی‌اش، همانا درک این حقیقت کلیدی است. به اعتقاد ما، دولت جدید آقای باهنر شرایط و امکانات لازم برای ایفای وظایف انقلابی خود را دارد زیرا، هماهنگی کامل با دیگر ارگان‌های عالی کشور و به ویژه از حمایت مردم، توده‌های میلیونی محرومان کشور و مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری برخوردار

منوط است به اینکه سیاست حاکم بر جمهوری یک چنین سمت‌گیری را اتخاذ نکند. امروز، مسئله این است که قوای سه گانه چه تمهیدات و ندرکات در اجرای اقدامات اقتصادی - اجتماعی به سود کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان درپیش گیرند. مسئله این است که قوه مجریه و بویژه دولت به عنوان پاسخگوی مستقیم خواست‌های عادلانه محرومین کشور، چه برنامه‌های اجرایی را برای تصویب به مجلس ارائه دهد و چگونه لوایح مترقی را که مجلس به تصویب رسانده و یا می‌رساند به نحوی قاطع و معقول به مرحله عمل دریاورد. امروز، معیاری که توده‌ها با آن صلاحیت‌ها را می‌سنجند عمل انقلابی و بازهم عمل انقلابی است. آن هم عملی که به اقدامات بنیادی و فراگیر توده‌ای منجر گردد و نه پاره‌ای کارهای مثبت اصلاح‌گرایانه و یا محدود به این یا آن نقطه و ناحیه از کشور.

امروز، تنها آن دولتی می‌تواند مجری شایسته این مرحله از رشد انقلاب باشد، تنها آن دولتی می‌تواند با اعمال خود توده‌ها را نسبت به انقلاب و آتیه آن دلگرم‌تر کند و تنها آن دولتی می‌تواند ظرفیت‌ها را با توطئه‌های امپریالیسم مبارزه کند که به گفته امام برای

بقیه از صفحه ۲۱

هشدار ...

دست و پا زدن به خاطر نجات از خطر افراد و انزوا است، اما به هیچ روی نباید خطر آنان و سیاست آنان را دست کم گرفت. در این تردیدی نیست که تاریخ پرده از چهره این دوستان دروغین انقلاب خواهد درید. همان‌گونه که خیانت بقائیه‌ها را افشا و رسوا ساخت. اما شرایط انقلاب خطیر است و نباید تنها به امید افشای حقایق از طریق گذشت تاریخ نشست. نیروهای مدافع انقلاب نباید خطر آنها را کم بهاد داده و "اشتباه بنی‌صدر" را در مورد آنان تکرار کنند. امام خمینی در آستانه برگزاری انتخابات هشدار داد "نباید

زده‌اند. آنها می‌کوشند موج جدیدی را که با عزل بنی‌صدر آغاز شده، به سوی نیروهای انقلابی "دگراندیش" سمت داده و خود را نجات دهند تا بدین ترتیب شدت گرفتن تضاد خود با پیروان اصیل خط امام را با تراشیدن دشمن موهوم به عقب انداخته و نیروهای سالم درون جمهوری اسلامی را با خود علیه دیگر مدافعان انقلاب همراه سازند. چه بسا که اگر آنان چنین فرصتی را به دست آورند با انقلاب همان کنند که بقائیه‌ها در جریان کودتای ۲۸ مرداد کردند. در عین حال که تلاش‌های نمایندگان این سیاست،

اشتباه تکرار شود. اکنون خطر تکرار اشتباه در آن نیست که بازهم بنی‌صدر و بنی‌صدر مسلکان در حساس‌ترین مقامات جمهوری اسلامی نفوذ کنند. خطر از سوی چهره‌هایی است که هنوز افشا نشده‌اند.

این واقعیت و سخنان درست امام را نباید فراموش کرد که: "ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا (هستیم) این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم و الان هم هستند". ما امیدواریم که برخورد هشیارانه مقامات جمهوری اسلامی مانع از آن شود که این "تفاله‌ها" در هر شکل و لباسی، یکبار دیگر خودشان را "غالب" بزنند و با انقلاب همان کنند که بنی‌صدر کرد

هشدار!

"بقای مسلکان"

درصد انحراف انقلاب از

میرضد امپریالیستی و مردمی آند

در طول هفته‌های اخیر به طور فزاینده‌ای شاهد افزایش حملات عنان گسیخته به نیروهای معتقد و وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی بوده‌ایم. در مرکز این گونه حملات و افتراها و تهمت زنی نسبت به نیروهای انقلابی، سازمان ما، حزب توده، ایران و جنبش مسلمانان مبارز قرار دارند. از انبان پر از فحش و دهان کف‌آلود نیروهای جبهه براندازی یعنی امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانانش، ضد انقلاب داخل و خارج، مائوئیست‌های آمریکائی و لیبرال‌های سازشکار گرفته تا رجوی‌ها و قاسملوها و گروهک‌های چپ‌رو که بگذریم، می‌بینیم که در مطبوعات و مجالس و سخنرانی‌های نیروهای درون جمهوری اسلامی نیز این موج تهمت و افترای ناروا شدت گرفته‌است.

علاوه بر ارزیابی‌ها و برداشت‌های غیردوستانه و ناصحیحی که در بسیاری از مسئولین جمهوری اسلامی نسبت به هواداران و پیروان سوسیالیسم علمی و مسلمانان مبارز غیر حزبی هنوز هم باقی‌است و سررشته و منشاء برخوردهای نادرست علیه این گردان‌های مدافع انقلاب است، اکنون به طور آشکار و واضح، سیاستی علیه سازمان ما و دیگر نیروهای مدافع انقلاب که در حاکمیت سهیم نیستند، شکل گرفته، که دشمنی آگاهانه و طبق نقشه‌ای را پیش می‌برد. این سیاست که حاکم بر یک جریان ناسالم درون جمهوری اسلامی است به‌ویژه پس از عزل بنی‌صدر و پیامدهای بعدی آن برجستگی خاصی یافته و نه تنها در بسیاری از منابر و مجالس، بلکه متأسفانه در مطبوعات و رادیو-تلویزیون یعنی ارگان‌های تبلیغی رسمی و نیمه رسمی جمهوری اسلامی نیز راه یافته‌است.

نمایندگان جریان فوق در مجلس و ارگان‌های دولتی، در میان روحانیون و نهادهای

انقلابی با قیافه‌های گوناگون و متفاوت از معمم گرفته تا روشنفکر حضور دارند و خط مخرب خود را پیش می‌برند. این خط در یک کلام خط تفرقه و اشاعه دشمنی در بین نیروهای مدافع انقلاب است و از نظر تاریخی کمابیش ادامه "خط" بقائی‌ها، مکی‌ها، حائری‌زاده‌ها، و شمس‌قنات آبادی‌ها در جریان ملی‌کردن صنعت نفت است که از سفارت آمریکا دستور می‌گرفتند و هدفشان هم ایجاد شکاف بین نیروهای وفادار به سوسیالیسم علمی و هواداران مصدق بود. بقائی مسلکان امروزی نیز تمامی نیرو و توان و تشکیلات خویش را به کار گرفته‌اند تا با ایجاد تفرقه و اختلاف بین پیروان امام خمینی با دیگر نیروهای مدافع انقلاب در اردوی انقلاب شکاف ایجاد کرده و صف خلق را درهم شکنند. چنین تلاشی عملاً در خدمت نقشه سرکوب‌گرانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران قرار می‌گیرد. آمریکای جنایتکار از یک سو به وسیله نیروهای جبهه براندازی، از سلطنت طلب و ساواکی گرفته تا پیکاری و باند رجوی در صدد ایجاد جو ترور و ناامنی و "عدم ثبات" برای تدارک یک جنگ داخلی تمام عیار است و از سوی دیگر با اتکاء بر سیاست ضد انقلابی این جریان ناسالم درون جمهوری اسلامی و در پس استراتژی عمومی خود می‌کوشد جمهوری اسلامی ایران را در برابر دیگر مدافعان جان برکف انقلاب قرار داده و حاکمیت را نه تنها از پشتیبانی گردان‌های انقلابی خلق محروم سازد، بلکه علیه آنان به اقدامات کینه نوزانه و سرکوب‌گرانه برانگیزاند.

جریان فوق اکنون عملاً در برابر خط امام و به ویژه تلاش‌های امام خمینی در راه برقراری قانون و وحدت نیروها قرار گرفته است. نمایندگان آن، این دو جزء اساسی خط امام را در پوشش

دفاع از جمهوری اسلامی به هیچ گرفته و بر ضد آن اقدام می‌کنند. برخلاف تأکیدات مکرر امام مبنی بر لزوم اجرای قانون در سال جاری، باندهای وابسته به جریان فوق از عوامل اصلی ضد شکنی و خودسری‌های ضد انقلابی هستند. در دستگیری و ضرب و شتم نیروهای انقلابی، حمله به نشریات ترقی‌خواه و علنی نظیر امت و ... همواره دست‌های مشکوک و وابسته به این جریان خطرناک به چشم می‌خورد. از جنبه دیگر درست در شرایطی که انقلاب ایران در خطرترین شرایط بسر می‌برد و لزوم وحدت همه نیروهای مدافع انقلاب برای خنثی سازی جریه‌های امپریالیسم و در هم شکستن تروریسم بیش از پیش ضرورت یافته و درست در شرایطی که امام هوشیارانه اعلام می‌دارد: "نباید ما فراموش بکنیم که در جنگ با آمریکا هستیم" و "خط این بود که قضیه مرگ بر آمریکا خنثی شود" این به ظاهر مدافعین دو آتشه جمهوری اسلامی در صدد برانگیختن آتش دشمنی بین نیروهای جبهه خلق که عملاً همان به فراموشی سپردن شعار "مرگ بر آمریکا" است، هستند. یکی از نمایندگان به نام این خط چندی پیش اظهار داشت: "بعد از بنی‌صدر نوبت پیمان است!" و نماینده دیگر وابسته به همین جریان نیز عنوان کرد که: "من نیز از این به بعد هر جا که باشم بر علیه جنبش مسلمانان مبارز صحبت خواهم کرد!" (امت شماره ۱۱۹).

آری! مخدوش کردن مرز دوستان و دشمنان انقلاب

برای به فراموشی سپردن دشمن اصلی و زیر ضرب بردن دوستان انقلاب هدف اصلی خط افشا نشده و ناسالم فوق است. متأسفانه بسیاری از مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی نیز در برخی موارد ناآگاهانه در دام چنین سیاست مخربی گرفتار می‌آیند. می‌توان به نمونه‌های بسیاری از این دست اشاره کرد. از جمله در مصاحبه تلویزیونی یکی از فرماندهان پاسداران در شب ۱۷ مرداد، وی در ادامه افشای درست دشمنان انقلاب و توطئه‌های جبهه براندازی متأسفانه به زدن تهمت و افترا علیه سازمان ما و کشورهای سوسیالیستی پرداخت. ایشان با استناد به تحلیل‌های درون گروهی گروهک ضدانقلابی پیکار که در لباس کمونیسم بدترین دشمنی‌ها را نسبت به جنبش کمونیستی دامن می‌زند نتیجه گیری کرد که: کشورهای سوسیالیستی در ارزیابی نسبت به "انقلاب اسلامی" ایران دچار بحران هستند! راستی کوشش برای پنهان کردن خورشید حقیقت چرا، آن‌هم در زمانی که کشورهای سوسیالیستی متحداً و به طور یکپارچه از انقلاب و مردم ما دفاع می‌کنند؟ از این دست است تلاش غیرمسئولانه ایشان در مخدوش کردن مواضع انقلابی سازمان ما و همسان جلوه دادن آن با اعمال ضدانقلابی گروهک پیکار!

این‌گونه تلاش‌هاست که علیرغم سب تلاش کننده عملاً در خدمت آن دسته از کسانی قرار می‌گیرد که آگاهانه و طبق نقشه به اشاعه دشمنی در میان گردان‌های

خلق می‌پردازند. پیروان خط بقائی‌ها و مکی‌ها از این طریق و با توسل به همه امکانات موجود زیرکانه در پیشبرد سیاست تفرقه می‌کوشند، سیاستی که عملاً و خواه نا خواه در خدمت امپریالیسم آمریکا و جزئی از نقشه آن است - و متأسفانه در این راه برخی از مسئولین جمهوری اسلامی را نیز که هدفشان خدمت به انقلاب و مردم است به دام می‌اندازد. ما باز هم همه مدافعین انقلاب را به پرهیز از در غلطیدن در چنین دامی هشدار می‌دهیم!

تشدید حملات این خط ناسالم و ضدانقلابی افشا نشده علیه نیروهای مدافع انقلاب با واقعیت دیگری نیز در ارتباط تنگاتنگ است. انقلاب در جریان پیشرفت و گسترش خود و طی گام‌های بعدی ضرورتاً باید از سیاست تفرقه نیز تصفیه حساب کند. مدافعین آگاه و تعزیه گردانان سیاست فوق هر چقدر هم که زیرک باشند و با گذاشتن ریش و به دست گرفتن نسبیج و حملات "انقلابی" به لیبرال‌ها و "دفاع" آتشین از اسلام خود را درون ارگان‌های حکومتی حایزند نمی‌توانند از این سرنوشت محتوم بگریزند. عزل بنی‌صدر و شکست حدی طرفداران خط سارتس عملاً راه را برای انفراد این سیاست بار کرده‌است. نمایندگان و مدافعین آن برای منحرف کردن نیروی انقلاب که خط سازش را در زیر چرخ‌های خود خرد کرده است و اکنون برای آن‌که نگذارد "قضیه مرگ بر آمریکا" (فراموش) شود می‌رود که بساط آنان را سبزچینند. به تلاش گسترده‌ای دست

بقیه در صفحه ۲۰

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۳

امپریالیسم و ارتجاعی ترین نیروها

به تروریسم ...

ضدانقلابیون ایران اعزام داشت . می بینیم که اکنون ، پس از شکست نهنه تجاوزگرانه رژیم صدام علیه ایران که به منظور صدور آشکار و "برق آسا"ی ضدانقلاب به ایران طرح ریزی شده بود و پس از شکست طرح آمریکایی روی کار آوردن " دولت میانرو" که به منظور متوقف کردن انقلاب و مسخ آن طرح ریزی شده بود امروز امپریالیسم آمریکا به اجرای یک نقشه دقیق و حساب شده برای گسترش تروریسم ، عملیات خرابکارانه و ناامنی وبی ثباتی در ایران روی آورده است . که هدف مقدم آن استقرار کانون هایی برای نیروهای جبهه براندازی در مناطق مساعد و هموار کردن راه برای مداخله مستقیم و ارسال " کمک های نظامی " که در عین حال برای سد کردن راه تعمیق انقلاب و به بن بست کشیدن آن است ، و هدف نهایی آن برانداختن انقلاب و روی کار آوردن یک دولت وابسته و سرسپرده به امپریالیسم در تمام ایران و یا دست کم بخشی از آن می باشد .

نیروی اجتماعی تروریسم

تروریسم از نظر اجتماعی تاکتیک نیروهایی است که در پیشبرد و تحقق آرمان های اجتماعی خود به یاسو سرخوردگی دچار می آیند . تروریسم علیرغم شکل ظاهری آن که نوعی اعمال قدرت را تداعی می کند از لحاظ مضمونی ، قبل از همه تاکتیکی است که از ضعف سیاسی و طبقاتی نیروهایی که آن را به کار می گیرند ناشی می شود . تروریسم تاکتیک آن دسته از نیروهای اجتماعی است که روند تحول جهان را به سود خود نمی بینند و یابنا به ماهیت طبقاتی خود عموما قادر نیستند از این روند و از جریان تغییر تناسب قوا ارزیابی درستی داشته باشند . در مقیاس جهانی امروز تروریسم در خشن ترین صور و اشکال آن مورد ستایش نیروهایی است که از بازگشت اوضاع به حال سابق نومید شده اند . در دوران ما امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مطهر و تجلی بارز چنین نیرویی است . سرکرده نیروهای تروریسم بین المللی همانا امپریالیسم آمریکا است .

امپریالیسم ، جنبش های رهایی بخش ملی را که در زیر فشار ترور و ارباب امپریالیستی به خاطر کسب استقلال و آزادی ملی و گشودن راه پیشرفت اجتماعی علیه آن فهرمانانه پیکار می کنند ، تروریسم می نامد و هر کجا که مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خارجی زیر فشار تروریسم امپریالیستی رنگ قهر به خود گرفته است توسط امپریالیسم تروریسم نامیده شده اند . ر احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب در اعلامیه مشترک خود که اخیرا انتشار یافت به درستی می گویند :

" مداخله امپریالیسم در شئون داخلی کشورها و امور خلقها افزایش یافته است . امپریالیسم فعالیت خود را برای صدور ضد - انقلاب و توجیه عملیات جنایتکارانه علیه جنبش های رهایی بخش تشدید کرده است . امپریالیسم مدعی است که این جنبش ها تروریسم بین المللی هستند و اتحاد شوروی در پشت سر آنها قرار دارد "

تمام کوشش امپریالیسم آن است که مبارزه انقلابی عناصر گروه های اجتماعی معینی را که زیر

فشار ددمشانه و خردکننده تروریسم امپریالیستی عصیان گرا و متقابلا به اعمال خشونت روی می آورند ، تروریسم بنامد . امپریالیسم تروریسم صدانسانی و جنایتکارانه " بگینی " را تمدن می خواند و طغیان انقلابی و دردمندانه فلسطینی های ستمدیده را تروریسم می نامد .

مبارزه چریک های فدایی خلق و مجاهدین خلق در زمان رژیم شاه ، اقدامات مسلحانه حزب الدعوة در عراق ، عملیات " چریکی " توسط بسیاری از گروه های فلسطینی ، مبارزه ارتش جمهوری خواه ایرلند و دهها جریان مبارزاتی دیگر و همه و همه بیانگر شعله خشم اقشار معینی از خلقی سرکوب شده اند و همگی مشخصا مضمونی حق طلبانه ، دمکراتیک و انقلابی دارند .

تحت شرایط معینی که ستم امپریالیسم و سلطه زورمندان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکان بر جامعه بیداد می کند اقتدار وسیعی از خرده بورژوازی عملا به آن نیرویی بدل می شوند که این عملیات را در پیکار علیه عمال امپریالیسم و مزدوران ارتجاع وسیله بیان شعائر و آمال خویش می یابند و با آنکه این شکل مبارزه در شرایط سلطه تروریسم امپریالیستی توسط این توده ها عملا بکار گرفته نمی شود با این همه آن را می ستایند در چنان شرایطی نیروی اجتماعی مدافع این شکل مبارزه نیرویی است مدافع انقلاب و در صف خلق . در چنان شرایطی طبقه کارگر با اینکه این شیوه مبارزه را در آن شرایط ، به علت عدم شرکت فعال توده ها در به کارگیری آن عموما از موضع ضعف و غیر موثر ارزیابی می کند با این همه در برابر امپریالیسم و ارتجاع وابسته آن از اهداف و آرمان های انقلابی این مبارزه ، فاطعانه حمایت می کند زیرا که آماج حمله آن امپریالیسم ، دشمن اصلی همه زحمتکشان جهان است .

اما زمانی که یک نیروی خلقی بروز می شود ، و از آن مهتر زمانی که طبقه کارگر مهار قدرت را به دست می گیرد ، زمانی که ارتجاع به زیر کشیده می شود ، و به ویژه در شرایطی که ارتجاع زخم خورده سایر راه های اعاده وضع سابق را به روی خود بسته می یابد ، این مشخصا طبقات شکست خورده و منهزم شده هستند که بطور بسیار طبیعی عالیترین شکل مبارزه مطلوب خود را در گسترش تاکتیک های ترور و تخریب می یابند . تروریسم در این شرایط روش اصلی و محوری بیان خشم و کین تمام این نیروهای اجتماعی است . نیروهایی که انقلاب ، بیشترین ضربات را متوجه آنان ساخته و امتیازات طبقاتی خاص آنان را پس گرفته است تروریسم نشانه شکست آخرین تلاش های مدبوحانه ای است که از سر یاس است . هم از این رو است که امروز تروریسم مطلوب ارتجاعی ترین طبقات اجتماعی است .

انقلاب ایران تا امروز ضربات سختی به مواضع بزرگترین سرمایه داران و زمینداران و مرفه ترین اقشار اجتماعی و کسانی که در پرتو دیکتاتوری شاه از انبوهی از امتیازات خاص برخوردار بوده اند وارد ساخته است . آنها نه تنها حکومت خود را از دست رفته می بینند ، بلکه روز به روز بیشتر متوجه می شوند که گسترش ضرور انقلاب چگونه می رود که طومار غارتگری های آنان را درهم پیچد . این نیروها بیشترین سیلی ها را از انقلاب خورده اند . بیشترین مواضع را همین نیروها از دست داده اند ، بیشترین شکست ها را همین ها متحمل شده اند . و به همین لحاظ در بافت طبقاتی جامعه ، این قشر از بورژوازی ایران بیشترین ولع را برای نابود کردن همه چیز از خود نشان می دهد . استدلال منطقی و قابل درک آنان این است که می گویند : " حالا که قرار است ما نباشیم بگذار هیچ چیز نباشد " آنها امروز با هر بمبی که منفجر می شود با هر

انقلابی ای که به خون می غلظد اینها با لبخندی حالی از پیروزی " ! زیر لب می گویند : " نوش جاننان "

تروریسم امروز از لحاظ اجتماعی تجلی خشم اقشار معینی از بورژوازی است که همه چیز خود را از دست رفته می بیند چنانچه فاز سوم انقلاب گسترش یابد . بند " ج " و " د " اجرا شود ، بازرگانی خارجی ملی شود ، مالکیت املاک شهری محدود شود ، صنایع و موسسات تولیدی بزرگ مصادره شوند ، آنگاه لایه های دیگری از بورژوازی نیز راه " انتحار سیاسی " را بیانگر شعائر و آمال بر یادرفته خود خواهند یافت . آنان نیز زیر لب خواهند گفت : " به دُرک ، بگذار بسوزد ، بگذار قطعه قطعه شود "

امروز بخش مهمی از تجار بازار ، صاحبان شرکت های تجارتنی و تولیدی ، بسیاری از ملاکین اراضی و املاک شهری هنوز امیدوارند که موفق شوند جلوی تعمیق انقلاب را بگیرند . آنها هنوز امیدوارند بتوانند کاری کنند که انقلاب ترمز کند و از این جلوتر نرود . این نیروها که بورژوازی لیبرال ایران را تشکیل می دهند ، گرچه عملا از شعارهای براندازی حمایت می کنند ، و در همان جبهه براندازی فرار می گیرند با این همه امروز هنوز عمدتا معتقدند : " نه این راهش نیست . تندروی ها کار را خرابتر می کند " این نیروها تروریسم را تاکتیکی " غیر موثر " و به اعتباری " زودرس " می پندارند . آنها در عین حال می گویند که گویا " علت " تروریسم " خرابکاری " های حکومت است .

تروریسم تاکتیک مطلوب نیروهای ذخییره بورژوازی نیست . اقشار خرده بورژوازی مرفه در شرایط فعلی تاکتیک ترور و تخریب را تجلی شعارها و آمال امروزی خود نمی یابند . طیف بسیار وسیع این نیروها که در زمان شاه عملا نیروی اجتماعی و حامی بالفعل کاربست این شکل مبارزه بودند اکنون آن را محکوم می کنند و گسترش آن را به زیان موقعیت اجتماعی خود می یابند برداشت خودانگیخته این نیروها (حتی آن بخش وسیعی از این اقشار که از جمهوری اسلامی عمیقا ناراضی است و به عملکردهای آن بطور جدی انتقاد دارد) تا همین اواخر این بوده است که : " این کارها را فقط ساواکی ها و شاهدوست ها می کنند اما حکومت می خواهد بیاندازد گردن نیروهای انقلابی " این روان شناسی را به شیوه ای کاملا ملموس و آشکار در برخورد همین اقشار ، به ویژه گروه های وسیعی از کارکنان ادارات ، معلمین ، فروشگاه داران ، روشنفکران ترقی خواه و ... با حادثه انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران می توان مشاهده کرد . تا روز سوم فاجعه ۷ تیرماه تلاش کاملا چشمگیری از جانب این اقشار اجتماعی صورت می گرفت که نشان دهند و حتی باور کنند که " این کار ، کار مجاهدین نیست "

شاید هزاران بار این جمله از دهان عناصری خارج شده باشد که تا آن روز خود را هوادار صدیق و حتی پیرو تمام رهنمودهای " گروه های چپرو " می یافتند . اما به همان میزان که شایعه دست داشتن مجاهدین در انفجار قوت می گرفت به همان اندازه نیز " اضطراب و نگرانی " این نیرواز اینکه نکند خبر راست باشد بالا می گرفت . راست این است که پایه اجتماعی راستین سازمان مجاهدین خلق ، هواداران راستین آرمان های انقلابی مجاهدین چون هنوز نمی توانند باور کنند و درک نمی کنند که رهبران مطلوبشان به آنها خیانت کرده اند هنوز هم از ته قلب میل دارند که آنها مرتکب این " خطا " نشوند .

بقیه از صفحه ۲۲

امپریالیسم و ارتجاعی ترین نیروها

به تروریسم...

توده مردم زحمتکش، کارگران و روستائیان فقیر از گسترش تروریسم هم احساس نگرانی دارند و هم احساس خشم می کنند. آنها به حدی از آگاهی سیاسی رسیده اند که مشخصا این عملیات ترور و تخریب را کار "عمال آمریکا" ارزیابی می کنند. شرکت شورانگیز مردم در مراسم تشییع شهدای ۷ تیر در سراسر ایران و سپس استقبال وسیع و فعال آنان از انتخابات با هدف تایید مجدد خط امام آشکارترین شواهد عینی است که توده اصلی زحمتکشان نه تنها تروریسم را نمی ستایند بلکه با نفرتی کاملا قابل درک آن را تاکتیک دشمن و عملی جنایتکارانه ارزیابی می کنند.

عناصری که هنوز در حال تعلیق طبقاتی بسر می برند، عناصر بی طبقه و لمپن پرولتاریا وضع دیگری دارند. عناصر دکلاسه و واخورده های جامعه، بیکارها، اوباشان، باجگیرها، سارقین همیشه و در همه حال جدا از وضعیت طبقات حاکم و محکوم و اوضاع سیاسی همواره از مشتریان پروا قرص تروریسم هستند. آنارشیسم کور مطلوب این گروههاست. اینها هم امروز هم یکی از کانونهای فعال بکارگیری تروریسم، دفاع از تروریسم و اگر دستشان نرسید شاخ و برگ دادن به آن و دامن زدن شایعات مربوطه هستند. در شرایط کنونی، بطور عمده به علت پیچیدگی شرایط و تناقضات جدی برخی اقدامات بسیار مخرب سیستم حاکم و علی الخصوص ویژگی های قشری و تنگ نظرانه که در سیستم حاکم نیرومند است، متأسفانه بخشی از نوجوانان کم آگاه، که هنوز در بافت طبقاتی جامعه مستقر نشده اند، عملا به نیروی ذخیره تروریسم بدل شده اند. برخورد این گروه اجتماعی با تاکتیک ترور و تخریب عموماً از موضعی ماجراجویانه و آنارشستی و تهی از کینه طبقاتی است (فقط در مورد این گروه اجتماعی است که سیاست های غلط و انحصارطلبانه سیستم حاکم در ستایش آنان از تروریسم نقش قاطع دارد. این حقیقتی است که انقلاب کاملاً نیاز و ظرفیت این را دارد که این گروه اجتماعی را که از لحاظ کمی ناچیز هم نیستند وسیعاً به خدمت بگیرد) این نیروها گرچه عملشان تماماً در خدمت اهداف و آمال ارتجاعی ترین لایه های بورژوازی و ملاکین درآمدی و مجری سیاست های بورژوازی بزرگ شده اند، لکن به علت همان تمایزات، وانگیزه های ذهنی متفاوتی که دارند، مصرد در اینکه بین خود و سرمایه داران بزرگ مرز بکشند. لکن این مرز از لحاظ عملی و سیاسی اکنون دیگر کاذب است و عملاً وجود ندارد.

اقدامات عاجل امپریالیسم

مقدم ترین اقدامات امپریالیسم برای گسترش تروریسم، خرابکاری و ایجاد ناامنی و بی ثباتی کدام است؟ آنچه از روند تحول اوضاع برمی آید حاکی از آن است که امپریالیسم آمریکا مشخصاً تمام نیروی خود را بکار انداخته است تا قبل از هر چیز نیروهای تروریسم و تخریب را هرچه سریعتر متشکل کند و زیر یک پرچم واحد گرد آورد. امپریالیسم آمریکا امروز نخستین وظیفه خود را آن می بیند که به نیروهایی که در سراسر ایران در نقاط مختلف مشغول توطئه و خرابکاری هستند "کمک کند" تا در یک "شورای مقاومت ملی" متحد شوند. بزرگترین شرط موفقیت

امپریالیسم آمریکا آن است که از مزدوران خانها و مولوی های مرجع بلوچستان گرفته تا سران ایلات قشقایی و باندهای قاچاق ارز و اسلحه در بنادر خلیج فارس تا فتوادل های بزرگ خراسان و روحانیون سلطنت طلب مشهد، تهران، قم و شیراز تا سرمایه داران حزب آمریکایی خلق مسلمان و مائوئیست های حزب رنجبران، تا گروه های منحرفی چون اپیکار و شرکاء، تابانده های سلطنت طلب و ساواکی تا دار و دسته جنایتکار قاسملو و کومله در کردستان تا خوانین عشایر سنجابی و گوران و قلخانی در کرمانشاهان و تا دار و دسته حاسوسان و شکنجه گران و سرمایه داران و افسران فراری رژیم شاه، تا بختیارها و نرینه ها مقدم مراغه ای ها و مدنی ها و امینی ها را در کنار بنی صدر و رجوی در یک "شورای مقاومت ملی" گرد هم آورد و سازماندهی کند و اگر بتواند تمام نیروهای بورژوازی لیبرال را هم هرچه زودتر به حمایت آشکار و فعال از این تاکتیک بکشاند و آنان را نیز "حول محور مبارزه مسلحانه" با رژیم جمهوری اسلامی متشکل گرداند. اگر چنین شود امپریالیسم واقعا موفق شده است یکی از مهمترین گام ها را در جهت برآوردن آرزوی ریگان بردارد.

حرف های بنی صدر و رجوی و پادرمیانی های علی امینی در پاریس و بسیج تمام تربیون های امپریالیستی در سراسر جهان به سود تبلیغ برای رجوی نشان می دهد که اولاً شخص رجوی نیز مشخصاً با هدف "بهبود مناسبات" میان دستجاتی که علیه جمهوری اسلامی مسلحانه می جنگند به پاریس رفته است. ثانیاً طرح این است که رهبری اسمی شورایی که تشکیل می شود با بنی صدر باشد و در عوض مهار اصلی امور به دست رهبری سازمان مجاهدین خلق سپرده شود این مهم نیست که این یا آن والا حضرت و علیا حضرت هم در شورا شرکت داشته باشند، یا شورای رسمی فقط از عناصر کمتر بدنام تشکیل شود، مهم این است که این شورا در عمل وجود داشته باشد و کار کند چنانکه می کند. طرح این است که این بار فلان ساواکی هم که تا دیروز به نام ساواکی بمب منفجر می کرد امروز به نام مجاهد این کار را بکند چنانکه می کند. طرح این است که فلان سارق مسلح مزدور خان های قشقایی در فارس امروز به نام مجاهد سرگردنه را بگیرد و مردم را لخت کند. طرح این است که رادیوی بختیار و قاسملو هم بپذیرند که مثل رادیوی بی بی سی و صدای امپریالیسم آمریکا برای مجاهدین دایه دلسوزتر از مادر شوند. اکنون طرح این است که رجوی با گروه گذاشتن میراث بسیار گرانقدر و غنی مجاهدین خلق با گروه گذاشتن تمام حیثیت و اعتبار شهدای مجاهد مقام رهبری جنبه متحد ضدانقلاب را بپذیرد و دیگران نیز که تاکنون پراکنده کار می کردند به رهبری او گردن نهند (آنها مجاهد نامیدن خلبان نورچشمی شاه مدفون را برای بیان سمبلیک مضمون این طرح برگزیدند).

چنانچه ماموریت رجوی در پاریس با موفقیت تمام شود به راستی دو مشکل اساسی امپریالیسم در گسترش تروریسم، خرابکاری و ایجاد بی ثباتی و ناامنی به میزان زیاد حل می شود. اولاً زمین پس دیگر ترور و بمب گذاری و سرقت مسلحانه به جای ساواکی به عنوان مجاهد انجام می شود و این چیزی است که همه امپریالیست ها و مرتجعین داخلی آن را به خواب هم نمی دیدند. بعد از این همه شکست چه چیز شادی آفرین تر برای یک ساواکی که با اجرای این طرح فرصت یابد تن لخت و کریه خود را با پیراهن مجاهد که نشان خون انقلابیون گرفته است بیوشاند؟ ثانیاً قرار گرفتن همه نیروهای منزه شده بورژوازی بزرگ و فتوادل ها تحت رهبری رجوی و پیوند خوردن

گروههایی چون قاسملو و اقلیت و پیکار و اشرف و دیگران با هم، توان اجرایی و عملی آنان را به میزان وسیعی افزایش می دهد و این امکان را فراهم می سازد که مقاومت تروریسم در برابر نیروی انقلاب افزایش یابد. سایر اقدامات امپریالیسم برای پیاده کردن "طرح" که به نامین مالی و تسلیحاتی و آموزش نیروهای تروریست باز می گردد نیز باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. به اعتقاد ما این مهم نیست که زمین پس تیم های عملیاتی تروریست مستقیماً از عوامل ارتش آمریکا اسلحه و کمک مالی و نظامی دریافت می کنند یا مثلاً از طریق دولت صدام به واسطگی قاسملو از این کمک ها برخوردار می شوند آنچه مهم است این است که امپریالیسم آمریکا و دولت های ارتجاعی منطقه صد درصد و بی هیچ تردیدی با تمام نیرو زیر بال این "شورا" را می گیرند، چنانکه گرفته اند. هم اکنون نمونه افغانستان پیش روی ماست. سیل ارسال اسلحه پول، کارشناس، پزشک و سایر خدمات از جانب امپریالیسم آمریکا و سایر مرتجعین به افغانستان در ماه های اخیر به چندین مقابل افزایش یافته است. در این حقیقت یک سر سوزن هم نباید تردید کرد که: اولاً امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه کاملاً آماده اند تمامی باندهای تروریست را قطع نظر از نیتشان، هرچه بیشتر مسلح کنند. ثانیاً بطور قطع ادامه راهی که گروه های تروریست پیش گرفته اند نمی تواند به دریافت کمک مالی، تسلیحاتی، خدماتی و آموزش (بصورت یا واسطه یا بیواسطه) از امپریالیسم آمریکا و دولت ارتجاعی منطقه منجر نشود.

جمع بندی کنیم

از آنچه گفته شد می توان چنین نتیجه گیری کرد که:

تاکتیک امپریالیسم برای روی کسار آوردن "دولت میانه رو" شکست خورده است و این شکست موجب شده که امپریالیسم هارتر شود و تلاش های خود را برای ضرب زدن به انقلاب ما تشدید کند. تلاش های امپریالیسم علیه انقلاب ما وارد فاز جدیدی شده است. هارتر شدن امپریالیسم از موضع ضعف است و به هیچ وجه به معنای نیرومندتر شدن آن نیست. تلاش های امپریالیسم بطور همزمان متوجه تدارک و اجرای دو نقشه است: تدارک هجوم مسلحانه به ایران چه از جانب خود و چه دیگر ایادی اش در منطقه و اجرای طرح گسترش تروریسم و خرابکاری و ایجاد ناامنی و بی ثباتی در نقاط مختلف ایران با هدف متوقف کردن انقلاب و از این طریق به شکست کشیدن آن و با هدف هموار کردن راه مداخله مستقیم نظامی و میلیتاریستی کردن منطقه و در نهایت صدور ضدانقلاب و روی کار آوردن دولتی سرسپرده به امپریالیسم.

نیروی اجتماعی حامی تاکتیک گسترش تروریسم و خرابکاری عبارتند از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان (ارتجاعی ترین لایه های بورژوازی و ملاکین) به علاوه عناصری که در حال تعلیق اجتماعی بسر می برند و همچنین لمپن پرولتاریا و عناصر دکلاسه. بورژوازی لیبرال نیروی ذخیره این نقشه است.

اولین اقدامات امپریالیسم برای گسترش تروریسم و خرابکاری عبارتند از کوشش در جهت متشکل و مجتمع کردن همه نیروهای تروریسم در سراسر ایران زیر پرچم رهبری عملی مجاهدین خلق در یک شورای به اصطلاح مقاومت ملی و همچنین برخوردار کردن این نیروها از کمک های مادی و تسلیحاتی و خدماتی و مستشاری خود و دول ارتجاعی منطقه.

درفرصت های بعدی باید وظایف مبارزه نیروهای مدافع انقلاب در برخورد با این نقشه های جدید امپریالیسم بر شمرده شود.

هشدار!

"بقای مسلکان" در صد انحراف انقلاب از سیر ضد امپریالیستی و مردمی آنها

● این خط در یک کلام خط تفرقه و اشاعه دشمنی در بین نیروهای مدافع انقلاب است و از نظر تاریخی کمابیش ادامه "خط بقاییها، مکیها، حائریزادهها و شمسه قناتآبادیها در جریان ملی کردن صنعت نفت است که از سفارت امریکا دستور می گرفتند و هدفشان هم ایجاد شکاف بین نیروهای وفادار به سوسیالیسم علمی و هواداران مصدق بود.

● بقایی مسلکان امروزی نیز تمامی نیرو و توان و تشکیلات خویش را به کار گرفته اند تا با ایجاد تفرقه و اختلاف بین پیروان امام خمینی با دیگر نیروهای مدافع انقلاب در اردوی انقلاب شکاف ایجاد کرده و صف خلق را درهم شکنند چنین تلاشی عملاً در خدمت نقشه سرکوبگرانه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران قرار می گیرد.

رفقای زندانی

ما را در میوان آزاد کنید

اینک چندماه است که تعدادی از رفقای سازمان در میوان در بازداشت بسر می برند ، دادگاه انقلاب شرط آزادی این رفقا را تحویل سلاح اعلام کرده است . سازمان ما در جریان صدور اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان ، اولین جریانی بود که از مفاد این اطلاعیه پشتیبانی نمود و سپس در جریان اطلاعیه کمیته مرکزی انقلاب اسلامی از آن استقبال نمود و اقدامات مقتضی را نیز در برخورد با اطلاعیه های فوق انجام داد که سپاه پاسداران و سایر نهادهای مردمی در جریان این اقدامات قرار دارند . بر این اساس دستگیری و ادامه بازداشت رفقای سازمان در میوان مغایر برخورد صادقانه سازمان ما با اطلاعیه های ذکر شده است . رفقای بازداشت شده عبارتند از :

- ۱ - غلام زنگنه ، ۲ - مجید عزیزی ، ۳ - مجید ابراهیمی ، ۴ - رشید عزیزی ، ۵ - امین نوری ، ۶ - اقبال پرنوی ، ۷ - ناصر اشرفی ، ۸ - زاهد نبوی ، ۹ - تیمور ناصری ، ۱۰ - خسرو ناصری ، ۱۱ - علاءالدین صالحزاده ، ۱۲ - مختار نوری ، ۱۳ - قاسم رحمانی ، ۱۴ - رحمان انفرادی ، ۱۵ - جلال کرباسی ، ۱۶ - طاهر امینی ، ۱۷ - محمد اکرمی ، ۱۸ - حیدر ابراهیمی ، ۱۹ - جزا محمدی ، ۲۰ - پروین ذبیحی .
- ما آزادی هرچه سریعتر این رفقا را از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران خواستاریم .

طرح اراضی شهری

از مقابله با زمین خواری شهری می گریزد

در صفحه ۱۶

شهادت

یک پرسنل قهرمان سرهنگ شهرامفر



در تاریخ ششم مرداد ، سرهنگ ۲ پیاده چترساز شهرامفر در " عملیات بانه " حین پاکسازی منطقه به شهادت رسید . شهرامفر از جمله پرسنل انقلابی بود که قبل از انقلاب در جهت افشای رژیم فعالانه قدم برداشت و با پخش اعلامیه ، نوار و ... در آگاه سازی هم قطاران خویش در تیپ نوهده کوشید . بعد از پیروزی انقلاب شهرامفر به همراه دیگر پرسنل متعهد تلاش وسیعی را در جهت پاکسازی تیپ ۲۳ نوهده (نیروی ویژه هواپرد - کلاه سبز) از تفاله های امریکا و رژیم شاهنشاهی آغاز کرد و در پی آن شد که نیروهای مسلح را هرچه بیشتر به سمت انقلاب فراخواند شهرامفر پیوسته مراقب باندهای مشکوک و سلطنت طلب درون ارتش بود در کشف و خنثی سازی توطئه کودتای امریکایی صدامی نوزه رهبری تیم ضدکودتا را برعهده داشت و

نقش چشمگیری ایفاء کرد . شهرامفر به سپاه پاسداران به عنوان نیرویی مردمی و جوشیده از بطن انقلاب و بازوی مسلح خلق می نگریست و با وجود تمام تفرقه افکنی بنی صدر و فرماندهان کودتاچی در جهت برداشتن سدهای تفرقه و خصومت ایجاد شده بین ارتش و سپاه کوشید .

و سرانجام شهرامفر شهید شد و با خون خود حماسه ای دیگر از دلآوری و شهامت ایثارگران فرزندان انقلابی خلق را رقم زد و این در حالی است که ۱۱ ماه از جنگ تحمیلی صدامی می گذرد . شهرامفرها در این ۱۱ ماه

مقاومت عادلانه هرروز با خون خود کوهها و دشت های میهن را گلگون کردند تا این حقیقت را بارور سازند که نیروهای مسلح برخلاف گفته های بنی صدر و رجوی ، معزیها ، خیرخواهها ، باقریها را از خود نمی داند و از خود می راند ، او مظهر رزمنده هزاران قهرمانی است که هجوم افسارگسیخته ارتش صدامی را درهم شکسته و هرروز در ارتفاعات غرب و دشت های تفتیده جنوب ، دشمن را هر چه بیشتر در گوری که خود به دست خود کنده است ، دفن می کنند . و مصمم اند انقلاب را تا آخرین نفس و تا آخرین نفر پاس دارند .

بسیج عشایری را از ضد انقلابیون

در صفحه ۱۰

پاک کنید

کارگران راه آهن

خواهان تصفیه کامل

عناصر ضد انقلابی

و لیبرال هستند

در صفحه ۱۰

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر